



به نام خدا



# گزارش کارشناسی بخش غیررسمی و تبعات آن برای صندوق‌های بیمه‌ای



انجمن بیمه‌گران ایران اسلامی

بیمه‌های اجتماعی و محاسبات





## بخش غیررسمی و تبعات آن برای صندوق‌های بیمه‌ای

(به‌انضمام توصیه‌نامه ۲۰۴ سازمان بین‌المللی کار در  
خصوص گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی)

نویسندگان:

فاطمه سادات احمدی

نرگس اکبرپورروشن

تاریخ انتشار: ۹۷/۰۵/۲۳

شماره مسلسل: DF ۱۱ SIAC (۱۸) ۹۷



موسسه عالی پژوهش‌های اجتماعی

واژه‌های کلیدی:  
اقتصاد غیررسمی  
سازمان تأمین اجتماعی  
توصیه‌نامه ۲۰۴  
سازمان بین‌المللی کار



خواننده گرامسی از طریق  
اسکن بارکد، می‌توانید جهت  
شرکت در نظرسنجی این  
کتاب به لینک مربوط به آن  
مراجعه کنید.



## فهرست مطالب

۴	پیشگفتار مؤسسه
۶	خلاصه‌مدیریتی
۱۱	مقدمه
۱۱	ابعاد بخش غیررسمی در بازار کار ایران
۱۴	۱- مروری بر ادبیات موضوع
۱۴	۱-۱- تعریف بخش غیررسمی
۱۸	۱-۲- مطالعات داخلی پیرامون اقتصاد غیررسمی
۲۹	۱-۳- مطالعات داخلی پیرامون عوامل اثرگذار بر منابع تأمین اجتماعی
۳۲	۲- رابطه بخش غیررسمی و صندوق‌های تأمین اجتماعی
۳۲	۲-۱- اثرگذاری بخش غیررسمی بر اقتصاد و اثرپذیری اقتصاد از بخش غیررسمی
۳۵	۲-۲- سازمان تأمین اجتماعی
۳۶	۲-۳- رابطه بخش غیررسمی و منابع تأمین اجتماعی
۴۲	۳- مطالعات تجربی و بررسی‌های تطبیقی
۴۲	۳-۱- مرور تجارب کشورهای جهان در پوشش بخش غیررسمی
۵۶	۳-۲- سیاست‌های تشویق پیوستن بخش غیررسمی به بخش رسمی
۵۹	۴- توصیه‌نامه ۲۰۴ در خصوص گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی
۶۱	۴-۱- اهداف و دامنه
۶۳	۴-۲- اصول راهنما
۶۴	۴-۳- چهارچوب قانونی و سیاستی
۶۶	۴-۴- سیاست‌های اشتغال
۶۷	۴-۵- حقوق و حمایت اجتماعی
۶۸	۴-۶- انگیزه‌ها، تمکین و اجرا
۷۰	۴-۷- آزادی تشکیل انجمن گفتگوی اجتماعی و نقش سازمان‌های کارفرمایی و کارگری
۷۱	۴-۸- گردآوری داده‌ها و نظارت
۷۱	۴-۹- اجرا
۷۳	منابع
۷۸	پیوست

## پیشگفتار مؤسسه

همواره بخشی از عملکرد عمومی کشورها به‌عمد از دید مأموران و واحدهای جمع‌آوری آمار و اطلاعات مخفی نگه داشته می‌شود. این فعالیت‌ها، که ممکن است هم قانونی و هم از نظر اقتصادی مولد باشند، بیش‌و‌کم در اقتصادهای مختلف مشاهده می‌شوند، اما در کشورهای در حال توسعه گسترده‌تر و لذا اثرگذارترند. افراد ممکن است به دلایل مختلف، از جمله فرار از پرداخت مالیات‌ها و عوارض گمرکی؛ فرار از پرداخت حق بیمه‌های اجتماعی؛ اجتناب از رعایت استانداردهای قانونی معین نظیر حداقل مزد، سقف ساعت کار، استانداردهای حفاظتی یا بهداشتی؛ و اجتناب از رعایت روش‌های اداری معین نظیر تکمیل پرسشنامه‌های آماری یا سایر فرم‌های اداری، فعالیت‌هایی که ماهیتاً قانونی هستند را از نهادهای رسمی پنهان کنند. در ادبیات از این بخش پنهان اقتصاد به نام‌های مختلفی تعبیر شده که اقتصاد غیررسمی از جمله آن‌ها است.

فعالیت در بخش غیررسمی پایه کسورات را کاهش می‌دهد و، بنابراین، بر منابع درآمدی دولت تأثیر نامطلوبی دارد. باین‌حال، فعالان در این بخش با برخورداری از مزایای عمومی، بدون مشارکت در پرداخت مالیات، مصداق واقعی کسانی هستند که از پدیده سواری مجانی سود می‌برند. از طرف دیگر، این افراد، از آنجایی که عموماً تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی نیستند، فاقد امنیت درآمدی در هنگام مواجهه با مخاطرات اقتصادی هستند و در معرض خطر فقر در سنین سالمندی قرار دارند. هر چقدر اندازه این بخش از





اقتصاد بزرگ‌تر باشد، این مخاطرات و تبعات گسترده‌تر خواهد بود. بخش غیررسمی اثرات مستقیمی هم بر صندوق‌های بیمه اجتماعی، از جمله سازمان تأمین اجتماعی، دارد. فعالیت در بخش غیررسمی سبب می‌شود که قسمتی از درآمد بالقوه صندوق‌ها از محل کسورات محقق نشود. این در حالی است که برآوردها حاکی از حجم قابل توجه اشتغال غیررسمی در کشور هستند، یعنی تعداد زیادی از شاغلان کشور هنوز تحت پوشش صندوق‌های بازنشستگی قرار ندارند. در شرایطی که برخی از کارشناسان بر این باورند که تعداد مشاغل غیررسمی در سال‌های آینده روبه‌افزایش می‌گذارد، اندیشیدن تمهیداتی برای پوشش شاغلان بخش غیررسمی، ضمن کمک به جلوگیری از وقوع فقر در میان سالمندان، درآمد قابل ملاحظه‌ای را عاید سازمان خواهد کرد. باین حال، نباید از خاطر دور داشت که پوشش بخش غیررسمی، تنها در صورتی که همراه با سایر اقدامات ضروری مانند اصلاحات پارامتری انجام شود، می‌تواند در بهبود پایداری مالی سازمان در بلندمدت نقش مهمی را ایفا کند.

باتوجه به اهمیت اقتصادی و اجتماعی فعالیت در بخش غیررسمی، مطالعه این پدیده همواره مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران در کشورهای جهان بوده است و نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان بین‌المللی کار توصیه‌هایی در این رابطه ارائه کرده‌اند. مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی نیز، با درک این اهمیت، پژوهش درباره این موضوع را در دستور کار قرار داد. گزارش «تعامل بخش غیررسمی و سازمان تأمین اجتماعی» یکی از آثار منتشر شده مؤسسه در این راستا بوده که در سال ۱۳۹۵ تهیه و منتشر شد. گزارش پیش‌رو با عنوان «بخش غیررسمی و تبعات آن برای صندوق‌های بیمه‌ای» نسخه تجدیدنظر شده گزارش قبلی است که توصیه‌نامه ۲۰۴ سازمان بین‌المللی کار در خصوص «گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی» نیز به آن اضافه شده است.

امید است این گزارش در شناخت پدیده اقتصاد غیررسمی و ابعاد آن برای صندوق‌های بیمه‌ای و، همچنین، اتخاذ درس‌هایی برای رسمی‌سازی آن مثمر‌تر باشد.

دکتر شهرام غفاری

رئیس مؤسسه

تابستان ۱۳۹۷

## خلاصه مدیریتی

تعاریف متعددی برای بخش غیررسمی وجود دارد، ولی در مجموع می‌توان این بخش را آن قسمتی از اقتصاد دانست که در آن تولید قانونی ارزش افزوده صورت می‌گیرد، اما به هر دلیلی در تولید ناخالص داخلی ثبت نمی‌شود. اقتصاد غیررسمی به دلیل ماهیت پنهان خود به صورت مستقیم قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست. از این رو، اقتصاددانان مختلف به روش‌های غیرمستقیم با استفاده از آثار آن بر اقتصاد یا علل شکل‌گیری و گسترش آن و یا هر دو اقدام به برآورد اندازه این بخش پنهان از اقتصاد کرده‌اند. به همین دلیل، مطالعات زیادی در ادبیات وجود دارند که هر یک با توجه به تعریف مدنظر خود به برآورد اندازه اقتصاد غیررسمی و بررسی ابعاد مختلف آن با استفاده از روش‌های متنوع پرداخته‌اند.

مرور مطالعات داخلی در این حوزه پس از سال ۱۳۸۰ تاکنون نشان می‌دهد که کمترین اندازه برای بخش غیررسمی در ایران معادل ۶/۱۹ درصد تولید ناخالص داخلی (نادران، ۱۳۸۷) و بیشترین اندازه برای آن حدود ۶۷/۲۷ درصد (نیکوپور، ۱۳۸۳) برآورد شده است. این تفاوت در برآوردها از تعاریف متفاوت اقتصاد غیررسمی، روش‌های متفاوت و متغیرهای مختلف مدنظر در هر تحقیق ناشی می‌شود. نظر به مطالعات بررسی‌شده، بخش غیررسمی به‌طور میانگین ۱۸/۹۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص می‌دهد.





از جمله مهم‌ترین عواملی که به شکل‌گیری و گسترش بخش غیررسمی دامن می‌زنند می‌توان به موانع اشتغال در بخش رسمی اشاره کرد. در واقع، حضور در بخش غیررسمی به دلیل موانع مختلفی است که برای ورود به بخش رسمی وجود دارد. لذا شاغلین در این بخش ممکن است امکان ورود به بخش رسمی را نداشته باشند و یا، با وجود هزینه‌های متصور در بخش رسمی، در صورت فعالیت در این بخش قدرت رقابت با تولیدکنندگان محصولات مشابه را نداشته باشند. نبود فرصت‌های شغلی کافی، فضای نامناسب کسب و کار و فرایند طاقت‌فرسا و طولانی شروع یک کسب و کار رسمی به جمعیت فعال برای ورود به بخش غیررسمی انگیزه می‌دهد. هنگامی که موانع زیادی بر سر راه ثبت شرکت‌ها قرار داشته و هزینه‌های مبادله‌تأسیس بنگاه جدید بسیار زیاد باشد، انگیزه برای تأسیس قانونی و رسمی بنگاه‌های تولیدی کاهش پیدا می‌کند. نتیجه نهایی این امر گسترش تولیدی‌های ثبت‌نشده و بخش غیررسمی در اقتصاد کشور است. با این حال، در بسیاری از موارد فعالیت‌های قانونی به این دلیل از دید مقامات پنهان می‌مانند تا، در راستای پیگیری افزایش سود، از پرداخت‌های مربوط به مالیات‌ها و بیمه‌های اجتماعی و یا لزوم پایبندی به استانداردهای محیط کار یا دستمزد اجتناب شود. این در حالی است که فعالین در بخش غیررسمی از مزایای ناشی از خدمات عمومی برخوردار می‌شوند، بدون اینکه در منابع بخش عمومی مشارکت مؤثری داشته باشند.

از سویی دیگر، شکل‌گیری بخش غیررسمی تبعات مختلفی را نیز به دنبال دارد. یکی از تبعات بخش غیررسمی کاهش قدرت رقابتی بنگاه‌های بخش رسمی است. از آنجایی که هزینه تولید در بخش رسمی نسبت به بخش غیررسمی بالاتر است، فعالان بخش رسمی با تولیدات مشابه مزیت رقابتی خود را از دست می‌دهند. همچنین، گسترش بخش غیررسمی به معنای کاهش نهاده‌های در دسترس تولیدکنندگان بخش رسمی (از جمله انرژی) است. از رویکرد اجتماعی، فعالان بخش غیررسمی فاقد پوشش بیمه‌ای هستند که در هنگام بروز مخاطرات اقتصادی و سالمندی در خطر قرار گرفتن در معرض فقر هستند. با توجه به روند سالمندی جمعیت در کشور، عدم پوشش بیمه‌ای بخش زیادی از جمعیت، که در بخش غیررسمی فعالیت دارند، می‌تواند در آینده سبب بروز فقر گسترده در

بین سالمندان شود. نکتهٔ دیگر اینکه فعالان بخش غیررسمی در منابع عمومی جامعه از جمله حق بیمه و مالیات مشارکتی نمی‌کنند و، بنابراین، بر درآمدهای دولت و صندوق‌های بیمه‌ای، و به‌طور خاص سازمان تأمین اجتماعی، اثرات نامطلوبی دارند.

سازمان تأمین اجتماعی بزرگ‌ترین عرضه‌کنندهٔ خدمات بیمه‌ای در سطح کشور است. این سازمان جهت ارائهٔ خدمات خود منابع مختلفی دارد، اما بزرگ‌ترین منبع تأمین مالی آن مربوط به حق بیمه‌های پرداختی فعالان در بخش رسمی (بیمه‌شدگان اصلی) است. بخش قابل توجهی از حق بیمه‌ها سهم دولت است که به دلیل اینکه سالانه پرداخت نمی‌شود بر مقدار بدهی دولت می‌افزاید. بنابراین، گسترش بخش غیررسمی از یک طرف به‌طور مستقیم سبب کاهش درآمدهای حاصل از حق بیمه‌ها می‌شود و از طرف دیگر با کاهش منابع مالیاتی دولت امکان پرداخت بدهی‌های جاری دولت به سازمان را کاهش می‌دهد و، بدین طریق، منابع سازمان را با کاهش مواجه می‌کند.

اگر فعالان بخش غیررسمی، که عمدتاً خویش فرما هستند، بتوانند تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار گیرند، می‌توانند از بین سه نوع پوشش با نرخ‌های حق بیمهٔ ۱۲، ۱۴ و ۱۸ درصد انتخاب نمایند. با این فرض که این افراد با حداقل مزد خود را نزد سازمان بیمه کنند و باتوجه به اینکه میانگین وزنی نرخ حق بیمه برای مشاغل آزاد بدون احتساب ۲ درصد سهم دولت برابر با ۱۶/۶ درصد است، درآمد بالقوهٔ سازمان از محل بیمه کردن شاغلین در بخش غیررسمی در سال ۱۳۹۰ در حدود ۲۶۳۲ میلیارد تومان برآورد می‌شود که معادل ۱۶/۵ درصد از درآمد حق بیمهٔ نقدی سازمان در این سال بوده است. مطابق با تحلیل کارشناسان بازار کار تعداد مشاغل غیررسمی در کشور در حال افزایش است و لذا مقدار حق بیمهٔ بالقوهٔ سازمان از محل بیمه کردن فعالان بخش غیررسمی عدد قابل توجهی خواهد بود که در شرایط کنونی می‌تواند به بهبود وضعیت مالی سازمان منجر شود. افزون بر این اثر مستقیم، رسمی‌سازی بخش غیررسمی با افزایش درآمدهای مالیاتی دولت ممکن است به کاهش بدهی‌های جاری دولت به سازمان هم کمک کند.

گرچه بیمه‌شدن فعالان بخش غیررسمی در سازمان تأمین اجتماعی درآمدهای حاصل از حق بیمه را افزایش می‌دهد، این امر به معنی افزایش سریع تعهدات در آینده نیز هست. بدهی است که برای تضمین پایداری صندوق در بلندمدت لازم است چندین اقدام به‌صورت همزمان با هم انجام گیرند؛ به‌عبارت دیگر، تعمیم پوشش بیمه‌ای به شاغلین بخش غیررسمی تنها در صورتی که با اصلاحات پارامتری در نظام بازنشستگی همراه باشد می‌تواند منافع بلندمدت سازمان را تأمین کند.



باتوجه به پیامدهای برشمردۀ اقتصاد غیررسمی و روند روبه رشد این پدیده در کشور لازم است که اقداماتی با هدف کنترل این بخش انجام شود. در این راستا، نگاهی به تجارب کشورهای دیگر و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی در استخراج درس‌هایی برای کشور خالی از فایده نخواهد بود. به همین دلیل، در گزارش حاضر تجارب هفت کشور شامل بنگلادش، شیلی، چین، هند، کنیا، افریقای جنوبی و انگلستان در پوشش بیمه‌ای فعالان در بخش غیررسمی به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفت و توصیه‌نامه ۲۰۴ سازمان بین‌المللی کار برای گذار از بخش غیررسمی به رسمی ارائه شد.

کشورهایی که با بخش غیررسمی روبرو می‌شوند می‌توانند با ایجاد مزایایی برای عضویت و یا افزایش هزینه عدم عضویت در نظام تأمین اجتماعی انگیزه فعالان در بخش غیررسمی را برای قرار گرفتن تحت پوشش نظام بیمه‌ای افزایش دهند. سیاست‌های به‌کاررفته در کشورها در برخورد با بخش غیررسمی را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد. از یک طرف، برخی کشورها سیاست‌هایی را به کار می‌گیرند که گسترش بخش غیررسمی و ورود به این بخش را کنترل می‌کنند. به‌عنوان مثال، دولت‌ها با اجرای سیاست‌های اشتغال‌زایی و یا بهبود فضای کسب و کار انگیزه پیوستن به بخش غیررسمی را کاهش می‌دهند. از طرف دیگر، برخی سیاست‌های اجراشده به‌طور مشخص بخش غیررسمی را هدف قرار می‌دهند. این سیاست‌ها جنبه تشویقی و یا تنبیهی دارند. سیاست‌های تشویقی شامل بازرسی‌های ناگهانی، برخورد قاطعانه و جدی با فرار بیمه‌ای و مالیاتی و یا اعمال جریمه‌های فزاینده در صورت کشف تخلف می‌شوند. در مقابل، سیاست‌های تشویقی با ارائه امتیازها و معافیت‌های مختلف برای فعالیت در بخش رسمی سعی در ایجاد انگیزه برای خروج از بخش غیررسمی دارند. با این وجود، برخی از سیاست‌های تشویقی، به‌جای کاهش اندازه بخش غیررسمی، امکان قرار گرفتن در پوشش نظام بیمه‌ای را برای فعالین این بخش فراهم می‌کنند.

باید توجه داشت که فعالیت‌های بخش غیررسمی ویژگی‌های خاصی دارند که باید در هنگام طراحی سیاست‌هایی برای هدف قرار دادن آن‌ها مورد توجه قرار گیرند. به بیانی واضح، در بخش غیررسمی تنوع ویژگی‌ها، شرایط و نیازهای کارگران و واحدهای اقتصادی وجود دارد و، بنابراین، لحاظ این تنوع با استفاده از رهیافت‌های مناسب در رسمی‌سازی این بخش ضرورت دارد. این تنوع انعطاف‌پذیری طرح‌های مربوط به شاغلین این بخش را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. بررسی تجارب کشورهای دیگر هم مؤید این نکته است. به‌عنوان مثال، در صندوق‌های موسوم به صندوق‌های سهامداران در انگلستان، خویش‌فرمایان می‌توانند حق بیمه را به‌صورت

هفتگی یا ماهانه یا حتی یکجا پرداخت کنند. نکتهٔ دیگر اینکه عمدهٔ طرح‌های بازنشستگی مربوط به شاغلان بخش غیررسمی در کشورهای موردبررسی به صورت خصوصی و مبتنی بر پس‌انداز انفرادی است. به‌عنوان مثال، در بنگلادش با اجرای طرح بازنشستگی گرامین، که یک طرح پس‌انداز انفرادی است، تلاش شد تا شاغلین بخش غیررسمی به پس‌انداز برای بازنشستگی تشویق شوند.

## مقدمه

### ابعاد بخش غیررسمی در بازار کار ایران

بخش غیررسمی را از دو جهت می‌توان تعریف و بررسی کرد. از نقطه‌نظر ماهیت تولید، بخش غیررسمی شامل فعالیت‌هایی است که منجر به تولید ارزش‌افزوده می‌شوند، اما توسط سازمان‌های ملی ثبت نمی‌شوند. در واقع، این فعالیت‌ها به دلایلی نظیر اجتناب از پرداخت مالیات یا حق بیمهٔ اجتماعی از نهادهای رسمی پنهان نگه داشته می‌شوند. از طرف دیگر، بخش غیررسمی از نقطه‌نظر ماهیت اشتغال به بخشی اطلاق می‌شود که شاغلان در آن تحت پوشش نظام بیمه‌ای کشور نیستند.

پیش از شکل‌گیری نظام مدرن اقتصادی، مبادلات در حد رفع نیاز و در قالب مبادلات تهاتری صورت می‌گرفت. خانوارها مازاد تولید خود را با یکدیگر مبادله می‌کردند. نظر به اینکه ماهیت تولید تنها به صورت خوداشتغالی بود، مفهوم بخش غیررسمی از رسمی قابل تمییز نبود. با افزایش تصاعدی جمعیت و پیچیده‌شدن فرایند تولید و، همچنین، مشکلاتی از جمله ارزش‌گذاری محصولات، نظام مدرن اقتصادی جایگزین نظام سنتی و معیشتی شد. در نظام مدرن اقتصادی، بخش غیررسمی از بخش رسمی جدا شد و هویت مستقلی پیدا کرد. در این دوران، اگرچه در گوشه و کنار جهان آثاری از بخش غیررسمی رؤیت می‌شود، اما گسترش آن تا شروع شکل‌گیری کارگاه‌های بزرگ قابل‌اغماض بوده است.

پس از انقلاب صنعتی و اختراع ماشین بخار و دوک نخریسی، فرایند تولید بار دیگر متحول شد. در این دوران حجم انبوهی از کارگران با تجهیزات صنعتی جایگزین شدند. کارگاه‌ها به کارخانه‌های وسیع بدل شدند (فوردریسیم) و مفهوم «خوداشتغالی» بار دیگر پررنگ شد. به بیان دیگر، بخش غیررسمی در زیر سایه تولید انبوه این دوران مجدداً جوانه زد. خوداشتغالان به افرادی اطلاق می‌شود که کارفرما و کارگر خود هستند و، به جای کار کردن برای کارفرما در ازای دستمزد و یا دریافت سود در ازای سرمایه‌گذاری (مشابه با کارفرما)، محصول را خود تولید می‌کنند و خود به فروش می‌رسانند. در این حالت شمول در نظام بیمه شغلی برای فرد اختیاری می‌شود. در حضور فشار سنگین رقابت با تولیدکنندگان بزرگ مقیاس، پرداخت حق بیمه تعداد زیادی از این بنگاه‌ها را در نقطه سربه‌سری و یا نقطه عدم‌صرفه تولید قرار می‌دهد. در نتیجه، این بنگاه‌ها به عضویت نظام تأمین اجتماعی در نیامده و بخش غیررسمی را شکل می‌دهند.

یکی از مفاهیم مکمل بحث در اینجا «دولت رفاه» است. منظور از دولت رفاه دولتی است که نقشی کلیدی در حمایت و ارتقاء رفاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان ایفا می‌کند. به بیان دیگر، «دولت رفاه» در مقابل نظام بازار قرار می‌گیرد؛ به این معنا که دولت رفاه امکان توانمندسازی جاماندگان از نظام بازار را فراهم می‌کند. از جمله ارزش‌های کلیدی دولت رفاه می‌توان به «برابری فرصت‌ها»، «توزیع منصفانه ثروت» و «مسئولیت اجتماعی» اشاره کرد. توماس مارشال، جامعه‌شناس بنام این حوزه، دولت رفاه را ترکیبی از «دموکراسی»، «رفاه» و «سرمایه‌داری» می‌داند. فارغ از شکل تعریف، خدمات عرضه‌شده توسط دولت رفاه طیف گسترده‌ای از خدمات، از فراگیر تا انتخابی، را در بر می‌گیرند. پوشش بیمه‌ای برای آحاد جامعه از جمله این خدمات است. در این راستا، شکل‌گیری بخش غیررسمی نشان از ضعف دولت رفاه نیز دارد.

در حال حاضر، یکی از بحران‌های اصلی در کشور بحران تأمین اجتماعی است. نسبت پشتیبانی (نسبت تعداد بیمه‌شدگان اصلی به تعداد مستمری‌بگیران) در سازمان تأمین اجتماعی روبه کاهش است. به طوری که این نسبت به حدود ۵/۵ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این وضعیت به شدت پایداری مالی صندوق را به مخاطره می‌اندازد. زیرا بیش از ۸۸ درصد از منابع سازمان تأمین اجتماعی را حق بیمه بیمه‌شدگان اصلی تأمین می‌کند و، در نتیجه، با کاهش نسبت پشتیبانی احتمال بروز بحران نقدینگی در سازمان تأمین اجتماعی افزایش می‌یابد. در این شرایط نیاز به راهکارهای ابتکاری ویژه‌ای برای عبور از این بحران است. طراحی راهکارهای عملیاتی مناسب، که با

ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران و همچنین شرایط سازمان تأمین اجتماعی همخوانی داشته باشند، نیازمند پژوهشی مدون و روشمند است. با وجود این، می‌توان تحت پوشش آوردن فعالان بخش غیررسمی را به‌عنوان یکی از این راهکارها برای افزایش تعداد بیمه‌شدگان و لذا منابع سازمان مورد بررسی قرار داد که موضوع این گزارش است.

بر اساس تحلیل کارشناسان بازار کار، مشاغل غیررسمی در کشور روبه‌افزایش هستند. این شرایط، که مرهون وضعیت رکود تورمی در اقتصاد است، صرف‌نظر از پیامدهای نامطلوبی که برای درآمدهای مالیاتی دولت دارد، سبب می‌شود تعداد بیشتری از افراد از پوشش بیمه‌ای محروم بمانند. بنابراین، چنانچه تدبیری برای پوشش این افراد اندیشیده نشود، حجم زیادی از درآمدهای بالقوه برای صندوق‌های بیمه‌ای و، به‌طور ویژه، سازمان تأمین اجتماعی به بالفعل تبدیل نمی‌شود. مهم‌تر اینکه این افراد فاقد پوشش بیمه‌ای از امنیت درآمدی ناشی از مخاطرات اقتصادی برخوردار نیستند و در معرض قرار گرفتن در خطر فقر دوران سالمندی هستند. از این‌روست که پوشش این افراد در صندوق‌های بیمه‌ای هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی حائز اهمیت زیادی است، چراکه با این کار، ضمن ایجاد منابع برای صندوق‌های بیمه‌ای، از پیامدهای نامطلوب ناشی از فقر شاغلین در بخش غیررسمی در هنگام مخاطرات اقتصادی و سالمندی تا حد زیادی جلوگیری می‌شود.

با این مقدمه، هدف گزارش پیش‌رو بررسی ارتباط میان اشتغال در بخش غیررسمی و منابع صندوق‌های بیمه‌ای به‌طور عام و منابع سازمان تأمین اجتماعی به‌طور خاص است. برای این منظور، پس از بیان مقدمه، در بخش ۱ ادبیات موضوع مرور می‌شود. در این راستا، تعاریف مختلف از اقتصاد غیررسمی ارائه و، سپس، برخی از مطالعات داخلی پیرامون این موضوع معرفی می‌شوند. بخش ۲ به تشریح رابطه بین بخش غیررسمی و صندوق‌های بیمه اجتماعی اختصاص یافته است و در بخش ۳، پس از بررسی اجمالی تجربه چند کشور، برخی از سیاست‌های به‌کار گرفته‌شده برای انتقال بخش غیررسمی به رسمی ارائه می‌شود. در نهایت، در بخش ۴ ترجمه مقابله‌نامه ۲۰۴ سازمان بین‌المللی کار در خصوص گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی آورده شده است.

## ۱- مروری بر ادبیات موضوع

### ۱-۱- تعریف بخش غیر رسمی

بخش غیر رسمی با استفاده تعابیر و مفاهیم گوناگونی مطرح می‌شود. این موضوع حاکی از آن است که این بخش پنهان بوده و اطلاعات در مورد آن اندک است. تعابیری همچون اقتصاد پنهان<sup>۱</sup>، زیرزمینی<sup>۲</sup>، موازی<sup>۳</sup>، سایه‌ای<sup>۴</sup>، سیاه<sup>۵</sup>، ثبت نشده<sup>۶</sup>، گزارش نشده<sup>۷</sup>، نامنظم<sup>۸</sup>، غیر قابل مشاهده<sup>۹</sup>، ثانویه<sup>۱۰</sup>، نابازاری<sup>۱۱</sup> و غیر قانونی<sup>۱۲</sup> همگی از مصادیق بخش غیر رسمی اقتصاد هستند.

چنین پدیده‌ای در تمام کشورهای جهان و از جمله ایران وجود دارد. با توجه به پیامدهای گوناگون این بخش برای اقتصاد، داشتن اطلاعات از ابعاد و اندازه این بخش اهمیت فراوانی دارد، زیرا با استفاده از این اطلاعات می‌توان در راستای سیاست‌گذاری برای کاهش حجم این

- 1- Hidden Economy
- 2- Underground Economy
- 3- Parallel Economy
- 4- Shadow Economy
- 5- Black Economy
- 6- Unrecorded Economy
- 7- Unreported Economy
- 8- Irregular Economy
- 9- Unobserved Economy
- 10- Secondary
- 11- Non-Market
- 12- Illegal



بخش اقدامات مؤثرتری انجام داد (عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۰).<sup>۱</sup>

تانزی<sup>۲</sup> (۱۹۸۶) دو تعریف و مقیاس از اقتصاد زیرزمینی را ارائه می‌کند: اول، تولیدی (یا درآمدی) که در آمارهای رسمی ظاهر نمی‌شود و، دوم، درآمدی که به مقامات دولتی گزارش نشده و توسط آنان کشف نمی‌شود. مقیاس اول بیان می‌کند که کشور موردنظر از آنچه آمارهای رسمی نشان می‌دهد تولید و درآمد بیشتری دارد و مقیاس دوم تأکید می‌کند که درآمدهای مالیاتی کمتر از آنچه باید باشد دریافت می‌شود (فرار مالیاتی).

فلمنگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) در تعریف اقتصاد پنهان دو رویکرد را در نظر می‌گیرد:

۱. رویکرد تعریفی که اقتصاد سایه‌ای را به‌عنوان فعالیت‌های ثبت‌نشده اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد.

۲. رویکرد رفتاری که بر رابطه قوانین نهادی و محیط اجتماعی تأکید می‌کند.

بر طبق تعریف نظام حساب‌های ملی<sup>۴</sup> ۱۹۹۳، بخش غیررسمی به دو دسته طبقه‌بندی می‌شود: تولید غیرقانونی و تولید پنهان. تولید غیرقانونی بر دو نوع است: (۱) تولید کالاها و خدماتی که فروش، توزیع یا تصرف آن‌ها بر اساس قانون منع شده است و (۲) فعالیت‌های تولیدی که اغلب قانونی هستند، اما وقتی توسط تولیدکنندگان غیرمجاز انجام شوند (مانند شاغلان به حرفه پزشکی بدون اخذ گواهی‌نامه لازم)، غیرقانونی می‌شوند.

منظور از تولید پنهان فعالیت‌های معینی است که ممکن است هم از جنبه اقتصادی مولد باشند و هم کاملاً قانونی باشند (در صورتی که معیارها و مقررات را رعایت کرده باشند)، اما به دلایلی اغلب از مقامات پنهان نگه داشته می‌شوند. اجتناب از پرداخت مالیات بر درآمد، ارزش افزوده یا دیگر اقسام مالیاتی، خودداری از پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی، اجتناب از رعایت معیارهای قانونی مشخص مانند حداقل دستمزد، سقف ساعت کار، معیارهای حفاظتی یا بهداشتی و مانند این‌ها و اجتناب از رعایت روش‌های اداری مشخص مانند تکمیل پرسش‌نامه‌های آماری یا دیگر فرم‌های اداری از جمله این دلایل به شمار می‌روند.

---

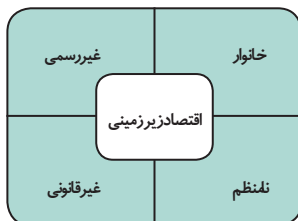
۱- این بخش عمدتاً بر اساس عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۰) نوشته شده است.

2- Tanzi

3- Fleming

4- System of National Accounts (SNA)

بر طبق تعریف توماس<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) اقتصاد زیرزمینی کلیهٔ فعالیت‌هایی است که به عللی در تعریف حساب‌های ملی نمی‌آیند و به چهار بخش تقسیم می‌شود: خانوار، غیررسمی، نامنظم، غیرقانونی.



شکل ۱. اجزای اقتصاد زیرزمینی به تعبیر توماس (۱۹۹۷)

**بخش خانوار:** این بخش کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شوند. ویژگی بخش خانوار این است که محصولات آن کمتر به بازار عرضه می‌گردد و فقدان قیمت برای کالاهای تولیدی در آن باعث می‌شود که ارزیابی ارزش کالاها دشوار شده و، در نتیجه، در حساب‌های ملی نادیده گرفته شود.

**بخش غیررسمی:** در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، علاوه بر تولیدات خانگی، تولیدات سنتی (اغلب در بخش کشاورزی) و بخش صنعتی مدرن، بخش دیگری نیز وجود دارد که مورد توجه اقتصاددانان است. این همان بخش غیررسمی است که معمولاً شامل تولیدکنندگان جزء و کارکنان آن‌ها و، همچنین، کسبه و پیشه‌وران بدون کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل‌ونقل و دیگر خدمات غیررسمی است. باین‌حال، کارگاه‌های کوچک بدون کارگر، که اغلب در خانه‌ها قرار دارند (کارگاه‌های خانگی)، از نظر تعداد اهمیت بیشتری دارند.

نکته قابل توجه در مورد بخش غیررسمی این است که «کالاها و خدمات تولیدی توسط این بخش و نیز مصرف آن‌ها منع قانونی ندارد و مجاز است». علت کنار گذاشتن بخش غیررسمی از حسابداری ملی دشوار و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری در این بخش است.

**بخش نامنظم:** تمام فعالیت‌های طبقه‌بندی شده در این بخش کم‌وبیش نوعی از ماهیت غیرقانونی بودن، مثل فرار از مالیات، فرار از مقررات (نظیر مقررات کار و رعایت تدابیر ایمنی در محل کار) و تقلب در بیمهٔ اجتماعی، را دارند. ویژگی عمدهٔ فعالیت‌های این

1-Thomas



بخش این است که، با وجود قانونی و مجاز بودن اصل تولید کالا و خدمت، در نحوه تولید و توزیع آن کاری خلاف و غیرقانونی صورت گرفته است. کالاهای تولیدشده در بخش نامنظم جزء کالاها و خدمات مجاز هستند و فقط در نحوه تولید یا توزیع آنها قانون شکنی شده است. لذا هدف مقامات دولتی جلوگیری از تولید آنها نیست، بلکه تلاش دولت مقابله با قانون شکنی‌هایی است که در جریان تولید آنها صورت می‌گیرد.

**بخش غیرقانونی:** تولیدات بخش غیرقانونی شامل فعالیت‌ها و تولید کالاها و خدمات خلاف قانون، نظیر مال‌دزدی، اخاذی، تولید و خرید و فروش مواد مخدر، فحشا (در برخی کشورها)، و فعالیت‌هایی از این دست است. با توجه به اینکه خلافکاران و جنایتکاران عمل خلاف خود را گزارش نمی‌کنند، بدیهی است مالیات هم پرداخت نکنند.

طبق نظر اشنايدر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، بخش غیررسمی شامل همه فعالیت‌هایی است که منجر به تولید ارزش افزوده می‌شوند و باید در محاسبات درآمدهای ملی طبق قوانین و مقررات حسابداری ملی (کنوانسیون حسابداری ملی) منظور شوند، اما توسط سازمان‌های اندازه‌گیری و جمع‌آوری آمار ملی ثبت نشده‌اند. در نتیجه، بخش غیررسمی شامل تمام تولیدات قانونی مبتنی بر بازار کالا و خدمات است که به‌عمد از مقامات دولتی به هر یک از دلایل زیر پنهان نگاه داشته می‌شوند:

- به‌منظور اجتناب از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده، در آمد یا مالیات‌های دیگر؛
- اجتناب از پرداخت حق بیمه‌های اجتماعی و مالیات عمومی؛
- اجتناب از مواجهه با برخی از قوانین (استانداردها) در بازار کار رسمی، به‌عنوان مثال، حداقل دستمزد، حداکثر ساعات کاری و استانداردهای ایمنی؛ و
- اجتناب از پیروی از روش‌های خاص اداری از قبیل تکمیل پرسشنامه‌های آماری یا دیگر فرم‌های اداری.

در حال حاضر، مرکز آمار ایران بخشی از حساب‌های ملی را بر اساس نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ تهیه می‌کند. در تهیه حساب‌های ملی ایران، به دلیل استفاده از روش‌های غیرمستقیم، به‌ویژه به‌کارگیری اطلاعات مربوط به جریان کالاها و خدمات برای برآورد برخی از اقلام، تولید ملی و آمارهای کلان مرتبط با آن، دست کم بخشی از جریان‌ات غیررسمی و سایه‌ای پوشش می‌یابند، اما یقیناً بخش‌های عمده و اصلی این جریان‌ات در ارقام مذکور محاسبه و لحاظ نمی‌شوند.

1- Schneider

باتوجه به تعاریف و مفاهیم گوناگون در مورد بخش غیررسمی می‌توان این بخش را این‌گونه تعریف کرد که بخش غیررسمی آن بخشی از اقتصاد است که در آن تولید قانونی ارزش افزوده صورت می‌گیرد، اما به هر دلیلی در تولید ناخالص داخلی ثبت نمی‌شود.

## ۱-۲- مطالعات داخلی پیرامون اقتصاد غیررسمی

مطالعات زیادی در خصوص اقتصاد غیررسمی و پنهان در کشور انجام شده است که هر یک با روش و رویکردی متفاوت به تحلیل و بررسی این پدیده پرداخته‌اند. نظر به پنهان‌بودن این بخش از اقتصاد و باتوجه به تعدد و تنوع روش‌های اندازه‌گیری آن نمی‌توان بر صحت نتایج یک مطالعه خاص تأکید کرد، اما مروری بر مطالعات انجام‌شده می‌تواند تصویری از بخش غیررسمی در اقتصاد ارائه کند. در این بخش، برخی از مطالعات داخلی در این حوزه پس از سال ۱۳۸۰ تاکنون معرفی می‌شوند. نتیجه این بررسی به‌طور خلاصه در جدول ۱ قابل مشاهده است. بدیهی است که قبل از سال ۱۳۸۰ هم مطالعاتی برای برآورد حجم اقتصاد پنهان در کشور انجام شده است که عمدتاً با استفاده از روش‌های پولی، نظیر نسبت نقد و تخمین تابع تقاضای پول، به برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به مطالعات خلعتبری (۱۳۶۹)، معاونت بررسی‌های استراتژیک (۱۳۷۶)، طاهر فر (۱۳۷۶)، باقری گرمارودی (۱۳۷۷) و اشرف‌زاده و مهرگان (۱۳۷۹) اشاره کرد.<sup>۱</sup>

۱. مطالعه عرب‌مازار (۱۳۸۰): عرب‌مازار با هدف استفاده همزمان از اطلاعات مربوط به عوامل متعدد ایجاد و گسترش اقتصاد غیررسمی و نیز آثار آن بر حیطه‌های مختلف و همچنین عدم‌انکاب به فروض مهم محدودکننده، از روش شاخص‌های چندگانه- علل چندگانه (MIMIC<sup>۲</sup>) برای تخمین اندازه و روند اقتصاد سیاه در ایران در طول دوره زمانی ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ استفاده نمود. وی از متغیرهای بار مالیاتی، محدودیت‌های تجاری، رشد قیمت کالاهای مصرفی، بیکاری و درآمد سرانه به‌عنوان علل پیدایش و رشد اقتصاد غیررسمی و از متغیرهای نوسانات مخارج خانوار، مابه‌التفاوت نرخ ارز، تقاضای پول و مصرف انرژی به‌عنوان شاخص‌های منعکس‌کننده آثار اقتصاد غیررسمی استفاده نموده است.

۱- در نگارش این بخش عمدتاً از پژوهش میلانی و همکاران (۱۳۹۶) استفاده شده است.

به استناد یافته‌های این تحقیق، تغییرات در آمد سرانه، بار مالیاتی و رشد قیمت کالاهای مصرفی به ترتیب مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده تحولات اندازه اقتصاد غیررسمی در ایران طی دوره مورد بررسی بوده‌اند و افزایش هر یک از آن‌ها بر حجم نسبی تولید غیرقانونی و پنهان کشور می‌افزاید.

**۲. مطالعه باباحیدری (۱۳۸۰):** باباحیدری با استفاده از روش MIMIC و در چهارچوب رهیافت نهادگرایی به برآورد اندازه اقتصاد غیررسمی ایران در طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۷ پرداخته است. وی از عوامل نهادی نظیر هزینه مبادله، عدم یکپارچگی بازارهای مالی، ناکارآمدی نظام اداری و بیکاری به عنوان علل ایجاد اشتغال بخش غیررسمی و از متغیرهای مصرف، سرمایه‌گذاری، و نرخ بهره بازار به عنوان متغیرهای طرف تقاضا و از متغیرهای اشتغال کامل، تورم، بهره‌وری، و رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیرهای طرف عرضه و نشاندهنده آثار بخش غیررسمی استفاده کرده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عدم یکپارچگی بازارهای مالی، هزینه مبادله بالا، بیکاری و نظام اداری ناکارآمد به ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اشتغال در بخش غیررسمی هستند و بهره‌وری، نرخ بهره بازار و سرمایه‌گذاری به ترتیب مهم‌ترین عوامل تأثیرپذیر از گسترش این بخش به شمار می‌روند.

**۳. مطالعه صادقی و شکیبایی (۱۳۸۰):** این پژوهشگران با بهره‌گیری از منطق فازی سری زمانی اقتصاد غیررسمی را برای دوره ۱۳۷۸-۱۳۴۳ تخمین زدند. آن‌ها برای این کار از دو متغیر ورودی استفاده کردند: نرخ مؤثر مالیات و شاخص مقررات. بدین طریق، شاخصی از حجم اقتصاد غیررسمی حاصل شد. بر اساس نتایج این تحقیق، نسبت تولید اقتصاد غیررسمی به تولید ناخالص داخلی رسمی در سال ۱۳۷۸، ۱۷/۴ درصد (معادل ۷۷،۱۳۱ میلیارد ریال) بوده است. همچنین، حجم فرار مالیاتی در این سال معادل ۵،۷۸۵ میلیارد ریال برآورد شد که این مقدار معادل ۱۹/۴ درصد از درآمد مالیاتی رسمی کشور در این سال بوده است. به طور کلی، به استناد نتایج این تحقیق، اقتصاد غیررسمی در سال‌های مورد بررسی، به جز در برخی از سال‌ها، روندی افزایشی داشته است و دو متغیر ورودی (نرخ مالیات مؤثر و شاخص مقررات) با اقتصاد غیررسمی همراهی دارند.

**۴. مطالعه احمدی (۱۳۸۱):** احمدی با استفاده از منطق فازی به برآورد اقتصاد غیررسمی در طی دوره ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ پرداخته است. وی بر اساس نظریه‌های اقتصادی و شواهد تجربی موجود در مورد ایران دو متغیر علی را انتخاب کرد: درآمد سرانه و بار مالیاتی. سپس، بر مبنای این دو متغیر یک شاخص کمی محدود به فاصله

[۱ و ۰] را برای حجم اقتصاد غیررسمی برآورد نمود.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که روند اقتصاد غیررسمی در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۱، همچنین، از سال ۱۳۷۵ به بعد صعودی است. از سویی دیگر، روند این پدیده در طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۷ از پایداری نسبی برخوردار بوده است. به استناد این مطالعه، جدای از نوسانات مقطعی، روند حرکت اقتصاد غیررسمی در ایران در مقطع زمانی ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۷، صعودی، ولی با شیبی نزدیک به صفر بوده است.

**۵. اسفندیاری و جمال‌منش (۱۳۸۱):** این پژوهشگران با استفاده از روش رگرسیونی تقاضای پول به برآورد حجم اقتصاد غیررسمی طی سال‌های ۷۹ - ۱۳۵۵ در کشور پرداخته‌اند. در این تحقیق، متغیرهای بار مالیاتی، بار ارزی، شاخص کشف مواد مخدر، نرخ متوسط تعرفه و مابه‌التفاوت نرخ ارز به‌عنوان عوامل شکل‌گیری و تحول اقتصاد زیرزمینی در ایران و متغیرهای تقاضا برای اسکناس و مسکوک و تقاضا برای پول به‌عنوان شاخص‌های منعکس‌کننده آثار اقتصاد زیرزمینی مورد استفاده قرار گرفتند.

به استناد نتایج این تحقیق، حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران طی دوره موردبررسی با نوسانات زیادی همراه بوده است. مقدار مطلق اقتصاد غیررسمی در این مطالعه همواره در طول دوره موردبررسی در حال رشد بوده و میانگین نسبت اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی حدود ۱۲/۶۱ برآورد شده است.

**۶. مطالعه احمدی (۱۳۸۲):** احمدی با استفاده از الگوی شاخص‌های چندگانه-علل چندگانه (MIMIC) حجم اقتصاد غیررسمی در ایران را برای دوره ۱۳۷۸ - ۱۳۴۵ برآورد نموده است. وی از متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده، مابه‌التفاوت نرخ رسمی و آزاد ارز، درجه بازبودن اقتصاد، نسبت شاغلین بخش عمومی به کل نیروی کار، درآمد واقعی قابل‌تصرف سرانه، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری به‌عنوان علل پیدایش و گسترش اقتصاد غیررسمی و از متغیرهای پول در دست افراد، نرخ مشارکت مردان و تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت به‌عنوان شاخص‌های منعکس‌کننده آثار این پدیده استفاده نموده است.

برآوردهای وی نشان می‌دهد که حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در طول دوره موردبررسی نوسانات اندکی دارد و، در مجموع، این نوسانات حاکی از افزایش حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در کشور است. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، میانگین اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در دوره موردبررسی برابر ۱۰ درصد بوده و مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها،

افزایش بار مقررات بخش عمومی و کمبود آزادی‌های تجاری بوده است. این در حالی است که بار مالیاتی، نرخ بیکاری و درآمد واقعی قابل‌تصرف سرانه تأثیر معنی‌داری بر اقتصاد غیررسمی نداشته‌اند.

**۷. مطالعه نیکوپور (۱۳۸۳):** این مطالعه به برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی ایران در دوره زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ می‌پردازد. برای این هدف از روش نسبت نقدینگی تعدیل‌شده استفاده شده و در تصریح مدل رگرسیونی شرایط خاص ایران لحاظ شده است. نسبت نقدینگی در این مطالعه تابعی از سطح توسعه اقتصادی، نرخ تورم، درجه شهرنشینی و هزینه مصرفی بخش خصوصی به‌عنوان متغیرهای اثرگذار بر نسبت نقد و شاخص نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی، بار مالیات بر واردات، بار مالیات مستقیم، بار بیمه‌های اجتماعی و نرخ ارز بازار سیاه به‌عنوان شاخص‌ها و متغیرهای منعکس‌کننده اقتصاد زیرزمینی در نظر گرفته شده‌اند. حجم اقتصاد زیرزمینی در این مطالعه به‌طور میانگین ۲۷/۷۶ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده است. در این مطالعه با تأکید بر موضوع فرار بیمه‌ای بحث می‌شود که گسترش اقتصاد زیرزمینی آثار مخرب فراوانی را بر عملکرد اقتصاد کلان و پایداری منابع و مصارف صندوق تأمین اجتماعی دارد.

**۸. مطالعه نیلی و ملکی (۱۳۸۵):** پژوهشگران در این مطالعه به بررسی اثرات وجود اقتصاد غیررسمی، روش‌های تخمین و علل مختلف ایجاد و گسترش آن پرداخته‌اند. نیلی و ملکی برای نشان دادن رابطه تجربی و بررسی دقیق‌تر اثر این عوامل بر اندازه اقتصاد غیررسمی از مدل اقتصادسنجی مقطعی استفاده کردند. بر اساس نتایج، ضریب متغیر درآمد سرانه منفی و معنی‌دار است و نشان می‌دهد در کشورهای با درآمد سرانه بالاتر اندازه اقتصاد غیررسمی کوچک‌تر است. همچنین، ضریب متغیر فساد منفی بوده، و ضریب متغیرهای بار مالیاتی، شدت مقررات، و دخالت‌های دولت مثبت برآورد شده است. لذا، بار مالیاتی، شدت مقررات، دخالت‌های دولت و فساد و رانت‌جویی از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر ایجاد و گسترش بخش غیررسمی هستند.

**۹. مطالعه ابریشمی، مهرآرا و هبیتی (۱۳۸۶):** این پژوهشگران با استفاده از تحلیل‌های هم‌انباشتگی و مدل تصحیح خطا<sup>۱</sup> به بررسی ارتباط متقارن میان اقتصاد زیرزمینی و مالیات‌ها در ایران پرداخته‌اند. آن‌ها دریافتند تأثیر مالیات‌های غیرمستقیم بر گسترش اقتصاد زیرزمینی در ایران از تأثیر مالیات‌های مستقیم در کوتاه‌مدت بیشتر و، در مقابل، تأثیر مالیات‌های مستقیم بر روی افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی

1- Error Correction Model

در بلندمدت بیشتر است.

این پژوهشگران برای بررسی اینکه آیا تغییرات مثبت و منفی مالیاتی اثرات متقارنی بر اقتصاد زیرزمینی می‌گذارند از آزمون والد<sup>۱</sup> استفاده کردند. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که اقتصاد زیرزمینی به شیوه‌ای متقارن نسبت به افزایش و کاهش مالیات‌های مستقیم واکنش نشان می‌دهد، اما چنین نتیجه‌ای درباره مالیات‌های غیرمستقیم صادق نیست. وجود واکنش متقارن اقتصاد زیرزمینی به تغییرات مالیات‌های مستقیم به این معنی است که بنگاه‌ها در ایران سرعت مشابهی را در فرار از مالیات‌های مستقیم هنگام افزایش آن‌ها و ورود به اقتصاد رسمی هنگام کاهش این مالیات‌ها از خود نشان می‌دهند.

**۱۰. مطالعه شکیبایی و رئیس‌پور (۱۳۸۶):** این پژوهشگران روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران را با استفاده از رویکرد شاخص‌های چندگانه-علل چندگانه پویا (DYMIMIC) برای دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۵۱ مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه از متغیرهای بار مالیاتی، مصارف دولت، نرخ بیکاری، سهم خوداشتغالی از کل نیروی کار، شاخص کارایی سیستم انتظامی و شاخص قانونی بودن به‌عنوان علل شکل‌گیری اقتصاد سایه‌ای و از متغیرهای تولید ناخالص داخلی و نقدینگی خارج از بانک‌ها به‌عنوان شاخص‌های اقتصاد سایه‌ای استفاده شده است.

به استناد این مطالعه، میانگین نسبت اقتصاد سایه‌ای به GDP در ایران برای دوره مورد نظر ۱۲ درصد بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل شکل‌گیری روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران بیکاری در جامعه است. علاوه بر آن، مصارف دولت، جرایم، شدت قوانین و مقررات و نرخ خوداشتغالی هم با روند تحولات اقتصاد سایه‌ای ارتباط مثبتی دارند. با این حال، در این مطالعه متغیرهای بیکاری، مصارف دولت و کل جرایم رخ داده در جامعه به‌عنوان اصلی‌ترین علل توضیح‌دهنده اقتصاد سایه‌ای ایران شناسایی شده‌اند. همچنین، بر اساس نتایج، بار مالیاتی نسبت به سایر متغیرهای به کار رفته در مدل در تعیین اندازه اقتصاد سایه‌ای ایران اثر ضعیف‌تری دارد.

**۱۱. مطالعه نادران و صدیقی (۱۳۸۷):** این پژوهشگران با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی<sup>۲</sup> (ARDL) اثرگذاری مالیات‌ها و اجزای آن بر اقتصاد زیرزمینی را طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۵۱ مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان، در مرحله اول، به بررسی اثر بار مالیاتی کل، رشد تولید ناخالص داخلی و بار قانونی و مقرراتی بر اقتصاد زیرزمینی پرداختند. نتایج نشان داد که بار مالیاتی کل به لحاظ

1- Wald Test

2- Auto-Regressive Distributed Lags

آماری اثر معنی‌داری بر اقتصاد زیرزمینی ندارد، اما متغیرهای بار قانونی و مقرراتی و نرخ رشد GDP اثر معنی‌داری بر اقتصاد زیرزمینی دارند.

این محققان، در مرحله دوم، متغیر بار مالیاتی کل را به دو جز بار مالیاتی مستقیم و بار مالیاتی غیرمستقیم تفکیک نمودند. نتایج نشان داد که بار مالیاتی مستقیم اثر معنی‌داری بر اقتصاد زیرزمینی ندارد، اما بار مالیاتی غیرمستقیم اثر مثبت و معنی‌داری بر اقتصاد زیرزمینی دارد.

نادران و صدیقی، در مرحله سوم، متغیر بار مالیاتی مستقیم را به اجزای آن - یعنی مالیات بر درآمد، مالیات بر شرکت‌ها و مالیات بر ثروت - و متغیر بار مالیاتی غیرمستقیم را به اجزای آن - یعنی مالیات بر واردات و مالیات بر فروش - تفکیک کردند. نتایج نشان داد که اجزای بار مالیاتی مستقیم اثر معنی‌داری بر اقتصاد زیرزمینی ندارند. از بین اجزای بار مالیاتی غیرمستقیم، مالیات بر واردات رابطه معنی‌داری با اقتصاد زیرزمینی ندارد، ولی این رابطه برای مالیات بر فروش معنی‌دار است. همچنین، ضرایب برآورده‌شده متغیرهای بار قانونی و مقرراتی و نرخ رشد GDP معنی‌دار هستند.

**۱۲. مطالعه صامتی، سامتی و دلایمی (۱۳۸۸):** این نویسندگان با روش علل چندگانه - شاخص‌های چندگانه (MIMIC) به برآورد و بررسی علل آثار اقتصاد زیرزمینی در ایران طی دوره ۱۳۴۴ تا ۱۳۸۴ پرداخته‌اند. در این مطالعه، متغیرهای بار مالیاتی، درآمدهای نفتی، بیکاری، نسبت مصرف دولت به تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، تورم و محدودیت‌های تجاری به‌عنوان متغیرهای علل و متغیرهای نرخ رشد GDP واقعی و تقاضا برای پول در گردش و مصرف نهایی انرژی به‌عنوان شاخص‌های منعکس‌کننده اقتصاد زیرزمینی در ایران انتخاب شده‌اند.

نتایج این پژوهش نشان داده است که اقتصاد زیرزمینی در ایران طی این دوره به‌طور متوسط ۱۷/۵۴ درصد از اقتصاد رسمی بوده است. علاوه بر آن، نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که روند تغییر و تحول اقتصاد زیرزمینی در ایران به‌طور معنی‌داری از دو متغیر بیکاری و محدودیت‌های تجاری تبعیت می‌کند.

**۱۳. مطالعه سلیمی‌فر و کیوان‌فر (۱۳۸۹):** این پژوهشگران به برآورد حجم اقتصاد غیررسمی در بخش شهری اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۷ و بررسی اثر تورم بر آن پرداخته‌اند. آن‌ها برای محاسبه اندازه اقتصاد غیررسمی از روش شکاف درآمدی (میانگین اختلاف هزینه و درآمد در دهک‌های درآمدی)

استفاده کردند. نتایج حاصل از این تحقیق روند افزایشی حجم بخش غیررسمی را در سال‌های جنگ تحمیلی نشان می‌دهد.

بر اساس این نتایج، تنها ضریب تورم گروه کالاها مثبت و معنی‌دار است. لذا، افزایش نرخ تورم در گروه کالاها افزایش بخش غیررسمی شهری را به دنبال دارد. پژوهشگران در توجیه این نتیجه اذعان می‌کنند که «افزایش نرخ تورم در گروه کالایی موجبات افزایش سودآوری و رونق را در بخش غیررسمی فراهم می‌کند و لذا ورود بنگاه‌ها به بخش غیررسمی را افزایش می‌دهد».

**۱۴. مطالعه قنبری و مخزن‌موسوی (۱۳۹۰):** در این تحقیق، از منطق فازی برای تبیین روند سالانه اقتصاد زیرزمینی در ایران برای دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۷ استفاده شده است. سه متغیر ورودی به کاررفته در این مطالعه عبارت‌اند از: نرخ مالیات مؤثر، شاخص درجه مقررات دولتی و نرخ بیکاری.

نتایج برآورد در این مطالعه نشان می‌دهد که، اگرچه روند به‌دست‌آمده از اقتصاد زیرزمینی نظم خاصی ندارد، اما کاملاً متأثر از روند سه متغیر ورودی است؛ بدین ترتیب که کاهش نرخ مالیات مؤثر، نرخ بیکاری و شاخص درجه مقررات باعث کاهش حجم اقتصاد زیرزمینی می‌شود و بالعکس.

**۱۵. مطالعه طالعی اردکانی، بخشی دستجردی و سعادت‌خواه (۱۳۹۰):** در این مطالعه روند اقتصاد زیرزمینی ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۵ با منطق فازی برآورد شده است. دو متغیر ورودی (نهاده) مورد استفاده در این مطالعه درآمد سرانه و بار مالیاتی مستقیم بوده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با فرض اینکه دو متغیر درآمد سرانه و بار مالیاتی از عوامل مهم ایجاد و گسترش پدیده اقتصاد زیرزمینی در ایران هستند، این پدیده از روند نسبتاً پایداری طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۰ برخوردار بوده است.

**۱۶. مطالعه مهرابی بشرآبادی، کوچک‌زاده و تابلی (۱۳۹۱):** در این مطالعه تأثیر اندازه اقتصاد سایه‌ای بر رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۱ با استفاده از تکنیک تصحیح خطای برداری (VECM)<sup>۱</sup> بررسی شده است. در این راستا، ابتدا حجم اقتصاد سایه‌ای باروش منطق فازی برآورد شد. برای این منظور تنها از دو متغیر استفاده شده است که عبارت‌اند از: متغیرهای نرخ مؤثر مالیاتی (نسبت کل درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی) و شاخصی از قوانین و مقررات دولت که این متغیرها رابطه

1- Vector Error Correction Model



مستقیم با اقتصاد سایه‌ای دارند.

بر اساس نتایج، در بلندمدت اندازه اقتصاد سایه‌ای بر رشد اقتصادی ایران تأثیر منفی و معنی‌داری دارد و لذا گسترش فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد یکی از عوامل تهدیدکننده رشد اقتصادی به شمار می‌رود. همچنین، افزایش در جمعیت شاغل و موجودی سرمایه رشد اقتصادی را افزایش می‌دهند.

#### ۱۷. مطالعه عمادزاده و رفیعی طباطبایی (۱۳۹۱): پژوهشگران در یک تحقیق

بین‌کشوری به بررسی تأثیر برخی از متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی بر اقتصاد زیرزمینی در برخی کشورهای توسعه‌یافته پرداخته‌اند. نتایج تحلیل داده‌های تابلویی<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته سن، جنسیت، درصد اشتغال در بخش خدمات، سطح دانش عمومی، خودارزایی سیستم مالیاتی و درصد رشد GDP با اقتصاد زیرزمینی رابطه معکوس و درصد اشتغال در بخش کشاورزی، نرخ نهایی مالیات و نرخ تورم با اقتصاد زیرزمینی رابطه مستقیم دارند.

#### ۱۸. مطالعه نصراللهی و طالعی اردکانی (۱۳۹۱): پژوهشگران در این مطالعه به

برآورد اقتصاد سایه‌ای طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۴ و اثر آن بر آلودگی هوا پرداخته‌اند. در این مطالعه، به‌منظور برآورد اندازه اقتصاد سایه‌ای از روش شاخص‌های چندگانه-علل چندگانه استفاده شده است. در این راستا، متغیرهای نرخ بیکاری، بار مالیات مستقیم، نرخ تورم، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت و شاخص سیاسی به‌عنوان علل ایجاد و گسترش اقتصاد سایه‌ای و متغیرهای مصرف انرژی، حجم سپرده‌های دیداری و نرخ مشارکت مردان به‌عنوان شاخص‌های آن مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس نتایج این تحقیق، اقتصاد سایه‌ای در دوره مورد بررسی از روندی صعودی برخوردار بوده و میانگین نسبت حجم اقتصاد سایه‌ای به تولید ناخالص داخلی طی دوره مورد بررسی معادل ۱۲/۲۵ درصد بوده است. همچنین، نتایج حاصل از بررسی اثر اقتصاد سایه‌ای بر آلودگی هوا نشان می‌دهد که، به‌طور متوسط، به ازای هر یک واحد افزایش در اندازه اقتصاد سایه‌ای آلودگی هوا ۰/۱۷ درصد افزایش می‌یابد.

#### ۱۹. مطالعه مداح و نوع‌ایران (۱۳۹۱): این پژوهشگران، با این دیدگاه که فعالیت

اقتصاد غیررسمی معمولاً با فرار از قوانین و مقررات محیط زیست همراه است، به تخمین حجم اقتصاد غیررسمی در ایران پرداخته‌اند. پژوهشگران در این مطالعه متغیر پنهان اقتصاد غیررسمی، که با تفاوت تولید کل و گزارش‌شده برابر است، را با به‌کارگیری روش فیلتر کالمن و بر مبنای متغیرهای زیست‌محیطی، شامل

انتشار دی‌اکسید کربن و مساحت جنگل، برای اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۵۹ برآورد کردند. به استناد نتایج این تحقیق، تولید کل، مساحت جنگل‌ها و تعداد کارگاه‌های صنعتی با انتشار دی‌اکسید کربن در اقتصاد ایران رابطه‌ی بلندمدت و معنی‌داری دارد. ارزش اقتصاد غیررسمی تخمینی بر اساس متغیرهای زیست‌محیطی در برخی سال‌ها افزایش و در برخی دیگر از سال‌ها کاهش یافته است. باوجوداین، سهم اقتصاد غیررسمی از تولید ناخالص واقعی کشور در سال‌های مورد مطالعه به‌طور متوسط ۳۵/۶ درصد برآورد شده است.

**۲۰. مطالعه‌ی علی‌زاده و غفاری (۱۳۹۲):** این پژوهشگران در مطالعه‌ای به کمک تحلیل عامل اکتشافی اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی ایران را طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۵۲ برآورد کردند. محققان، در گام دوم، چگونگی و شدت اثرگذاری متغیرهایی همچون بارمالیاتی مستقیم، بارمالیاتی غیرمستقیم، تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص، عرضه‌ی پول، تولید ناخالص داخلی و نرخ فعالیت را در قالب الگوی خودرگرسیون برداری (VAR) مورد مطالعه قرار دادند.

متوسط سهم اقتصاد زیرزمینی از تولید ناخالص داخلی در دوره‌ی مورد بررسی در حدود ۲۷ درصد برآورد شده است. نتایج این برآورد نشان داد که شوک رشد تولید ناخالص داخلی و رشد تشکیل سرمایه‌ی ناخالص در بلندمدت اثری منفی بر رشد اقتصاد غیررسمی دارند و شوک رشد عرضه‌ی پول، رشد بارمالیاتی غیرمستقیم، رشد بارمالیاتی مستقیم و رشد نرخ فعالیت اثر مثبتی بر رشد اقتصاد غیررسمی دارند. به استناد این نتایج، در بین این عوامل، رشد تولید ناخالص داخلی بیشترین اثر را بر اقتصاد غیررسمی دارد.

**۲۱. مطالعه‌ی تقی‌نژاد عمران و نیک‌پور (۱۳۹۲):** در این پژوهش، پس از تبیین مفهوم اقتصاد زیرزمینی، عوامل اثرگذار بر آن و پیامدهای نامساعد آن بر اقتصاد، اندازه‌ی اقتصاد زیرزمینی ایران طی دوره‌ی ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۹ به کمک روش پولی در سه سناریو برآورد شده است. میانگین اندازه‌ی اقتصاد زیرزمینی طی دوره‌ی مورد بررسی در سه سناریو، به‌ترتیب، ۱۳/۲۶، ۱۵/۰۵ و ۱۵/۷۱ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است.

سپس، پژوهشگران اثرگذاری متغیرهایی مانند بارمالیاتی، تورم، نابرابری درآمد، اندازه‌ی دولت و شکاف نرخ ارز بر اقتصاد زیرزمینی را در قالب یک مدل اقتصادسنجی مورد بررسی قرار داده‌اند. برآورد مدل نشان می‌دهد که متغیرهایی مانند بارمالیاتی، تورم، نابرابری درآمد و اندازه‌ی دولت همگی بر اندازه‌ی اقتصاد زیرزمینی ایران اثر مثبت و معنی‌داری دارند و، در میان این عوامل، بارمالیاتی بیشترین اثر را بر اقتصاد زیرزمینی

داشته است.

**۲۲. مطالعه جعفری صمیمی و اکبری (۱۳۹۲):** این پژوهشگران به بررسی اثر برخی از متغیرهای اقتصاد کلان بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران برای دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۵۷ پرداخته‌اند. آن‌ها، برای این منظور، از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده کردند.

باتوجه به نتایج این تحقیق، بار مالیات مستقیم، بار مالیات غیرمستقیم، نرخ بیکاری، نرخ تورم و شاخص نرخ ارز اثر مستقیمی بر اندازه اقتصاد زیرزمینی دارند. همچنین، از متغیرهای نامبرده متغیرهای بار مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم بیشترین اثر را بر حجم اقتصاد زیرزمینی ایران داشته‌اند.

**۲۳. مطالعه شکیبایی و شادمانی (۱۳۹۳):** در این مطالعه، پژوهشگران به برآورد اقتصاد سایه‌ای ایران در طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۴۹ پرداخته‌اند. برای این منظور، هشت شاخص فازی جدید برای مدلسازی و برآورد اندازه اقتصاد سایه‌ای ارائه شد. محققان از تعریف توماس با دسته‌بندی چهارگانه برای اقتصاد غیررسمی استفاده نمودند. باتوجه به نتایج این تحقیق، اقتصاد سایه‌ای مربوط به بخش خانوار از ابتدای دوره موردنظر تا انتها روندی نزولی دارد، اما روند اقتصاد سایه‌ای مربوط به بخش غیررسمی دارای نوسانات و پراکندگی زیادی است. با این حال، این بخش سهم نسبتاً ثابتی از عوامل گسترش اقتصاد سایه‌ای را به خود اختصاص داده است. اگرچه روند اقتصاد سایه‌ای مربوط به بخش نامنظم دارای نوسان است، اما این روند در مورد بخش غیرقانونی هم مشاهده می‌شود. بنابراین، به استناد نتایج این تحقیق، بخش‌های نامنظم، غیررسمی و غیرقانونی عوامل تأثیرگذار بر اندازه اقتصاد سایه‌ای هستند. همچنین، بر اساس نتایج این مطالعه، اندازه اقتصاد سایه‌ای ایران طی دوره موردبررسی به‌طور میانگین حدود ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است.

**۲۴. مطالعه ابونوری و نیک‌پور (۱۳۹۳):** ابونوری و نیک‌پور اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران را طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۴۵ مورد بررسی قرار داده‌اند. در این راستا، در مرحله اول، شاخص حجم اقتصاد پنهان با رویکرد علل چندگانه-شاخص‌های چندگانه (MIMIC) محاسبه شد. به استناد نتایج این مطالعه، حجم اقتصاد پنهان در طول دوره موردبررسی از نوسانات بسیار زیادی برخوردار بوده است، اما در مجموع، روندی افزایشی داشته است. همچنین، نتایج این برآورد نشان می‌دهد که متغیرهای بار مالیاتی، حجم دولت و محدودیت‌های تجاری عوامل اصلی

پیدایش اقتصاد پنهان در ایران هستند، در حالی که رشد در آمد سرانه اثر معنی داری در پیدایش آن ندارد. نویسندگان، در مرحله دوم، اثر شاخص های مختلف بار مالیاتی بر رشد اقتصاد پنهان را مورد مطالعه قرار دادند. بر اساس نتایج، در مجموع، اثر نهایی متغیر بار مالیاتی بر اندازه اقتصاد پنهان مثبت و معنی دار است.

**۲۵. مطالعه حسینی، نصرالهی و ابطحی (۲۰۱۵):** این پژوهشگران به برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی و ارتباط آن با توسعه مالی پرداخته اند. برای این منظور، ابتدا با استفاده از روش شاخص های چندگانه - علل چندگانه حجم اقتصاد زیرزمینی طی سال های ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۹ برآورد شد. متغیرهای نرخ مالیات مؤثر، درجه شهرنشینی، شاخص توسعه انسانی، درجه مقررات دولت، و نرخ بیکاری به عنوان علل شکل گیری اقتصاد زیرزمینی و متغیرهای مصرف انرژی، تقاضای پول و توزیع درآمد به عنوان شاخص های آن مورد استفاده قرار گرفته اند. با توجه به نتایج برآورد، نسبت حجم اقتصاد زیرزمینی به تولید ناخالص داخلی طی این دوره به طور متوسط ۱۶/۱۶ درصد بوده است.

سپس، پژوهشگران با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL) اثر توسعه مالی را بر اقتصاد زیرزمینی مورد بررسی قرار دادند. به استناد نتایج این پژوهش، توسعه مالی در کوتاه مدت و بلندمدت اثر منفی و معنی داری بر اقتصاد زیرزمینی دارد. همچنین، نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معنی داری بر اقتصاد زیرزمینی دارند.

**۲۶. مطالعه میلانی و همکاران (۱۳۹۶):** در این تحقیق متوسط اندازه اقتصاد زیرزمینی برآورد و اثر سیاست های مالیاتی مختلف بر اقتصاد زیرزمینی در ایران بررسی شده است. برای این منظور، یک الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE)<sup>۱</sup> با حضور اقتصاد زیرزمینی طراحی شد و داده های فصلی سال های ۱۳۹۳ - ۱۳۶۰ برای برآورد مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد که به طور متوسط ۲۳ درصد از مصرف خانوارهای کشور طی دوره مورد بررسی از محل کالاهای زیرزمینی تأمین شده که حدود ۱۷ درصد از این کالاهای زیرزمینی از طریق واردات زیرزمینی یا قاچاق به کشور وارد شده اند. بر این اساس، در این تحقیق متوسط میزان واقعی قاچاق و تولید زیرزمینی در کشور طی دوره مذکور به ترتیب معادل ۲۳۰۲۳ میلیارد ریال و ۱۴۱۷۰۲۰۵ میلیارد ریال برآورد شد. همچنین به استناد نتایج این پژوهش، متوسط سهم اشتغال زیرزمینی از کل اشتغال کشور حدود ۱۸ درصد بوده است. افزون بر این، متوسط میزان فرار مالیاتی در این تحقیق با در نظر گرفتن درآمد از دست

رفته دولت از محل مالیات بر مصرف، واردات و مزدحقوق، معادل ۱۷/۸ درصد متوسط درآمد مالیاتی دولت طی این دوره تخمین زده شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، چهار تکانه مالیاتی مورد بررسی (مالیات بر دستمزد، مالیات بر مصرف، مالیات بر سود و مالیات بر واردات) میزان تولید زیرزمینی را افزایش می‌دهند و مالیات بر سود بیشترین افزایش در میزان اقتصاد زیرزمینی را به دنبال دارد و، پس از آن، تکانه مالیات بر واردات بیشترین افزایش در میزان اقتصاد زیرزمینی را موجب می‌شود. همچنین، بررسی اثرات تکانه‌های مالیاتی بر تولید زیرزمینی و تولید رسمی نشان داد که شدت و طول دوره اثر گذاری تکانه‌های مالیاتی بر تولید زیرزمینی از تولید رسمی بیشتر است.

### ۱-۳- مطالعات داخلی پیرامون عوامل اثرگذار بر منابع تأمین اجتماعی

**۱. مطالعه عبدلی (۱۳۸۴):** در این مطالعه محقق با به کارگیری مدل تعدیل جزئی به بررسی آثار متغیرهای اقتصادی، جمعیتی و بیمه‌ای بر درآمدهای هدف گذاری شده سازمان تأمین اجتماعی با استفاده از داده‌های کلان سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد عوامل مختلف سازمانی و نهادی، بورکراسی، هزینه‌های تغییر و بافشاری بر عادات رسیدن به درآمد مطلوب (هدف گذاری شده) را با کندی و تأخیر مواجه می‌سازند. عواملی چون سطح حداقل دستمزدها، نرخ‌های حق بیمه و تعداد بیمه‌شدگان اثر قابل توجهی در سرعت حصول به درآمد مطلوب دارند. تعداد بیمه‌شدگان تحت تأثیر شدید شاغلان بخش‌های اقتصادی است که عامل تعیین کننده در آنها تولید، موجودی سرمایه و کاربری تولید است. بنابراین، برای دستیابی به درآمد مطلوب باید افزایش تعداد بیمه‌شدگان و حداقل دستمزدها در اولویت باشد.

**۲. مطالعه رئیس‌جعفری (۱۳۸۸):** در این پژوهش با بررسی انواع صندوق‌های بیمه‌ای تأمین اجتماعی و استفاده از نگرش نهاد گرایانه ویلیامسون<sup>۱</sup> به تبیین متغیرهای تأثیر گذار بر منابع و مصارف صندوق‌های بیمه‌ای پرداخته شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، تورم بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی در ایران بعد از انقلاب تأثیر منفی داشته است. با توجه به چهار چوب مورد بحث ویلیامسون، تأثیر تورم به دلیل ناکارآمدی نهادهای غیررسمی، بی‌ثباتی، ناکارآمدی در نهادهای رسمی، مسائل و مشکلات اجرا در ایران و، در نهایت، متغیرهایی همچون نرخ رشد جمعیت و بیکاری در کشور بوده است.

ردیف	عنوان پژوهش	مؤلف/مؤلفین	سال انتشار	روش تحقیق	متوسط اقتصاد غیررسمی نسبت به اقتصاد رسمی	بازه زمانی
۱	اقتصاد سیاه در ایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر	علی عرب‌مازار یزدی	۱۳۸۰	روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه (MIMIC)	۱۱٪	تا ۱۳۴۷ ۱۳۷۷
۲	ارزبایی و اندازه‌گیری مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر اشتغال در بخش غیررسمی	سعید باباحیدری	۱۳۸۰	روش MIMIC و در چهارچوب رهیافت نهادگرایی	۱۰٪	تا ۱۳۵۰ ۱۳۷۷
۳	برآورد اقتصاد غیررسمی در ایران و تحلیل علل پیدایش آن	حسین صادقی علیرضا شکیبایی	۱۳۸۰	روش فازی	۱۱٪	تا ۱۳۴۳ ۱۳۷۸
۴	برآوردی از اقتصاد سیاه در ایران با استفاده از منطق فازی	اکبر احمدی	۱۳۸۱	روش فازی	-*	تا ۱۳۴۷ ۱۳۷۷
۵	اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی	علی‌اصغر اسفندیاری آرش جمال‌منش	۱۳۸۱	روش رگرسیونی تقاضای پول	۱۲٫۶۱٪	تا ۱۳۵۵ ۱۳۷۹
۶	برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران با روش MIMIC	رضا احمدی	۱۳۸۲	الگوی شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه	۱۰٪	تا ۱۳۴۵ ۱۳۷۸
۷	تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی با تأکید بر انگیزه فرار بیمه‌ای	حسام نیکوپور	۱۳۸۳	روش نسبت نقدینگی تعدیل شده	۷۶٫۲۷٪	تا ۱۳۴۰ ۱۳۸۰
۸	اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روش‌های تخمین و اثرات آن بر بخش رسمی	مسعود نیلی منصور ملکی	۱۳۸۵	مدل اقتصادسنجی مقطعی	برآورد نشده	-
۹	بررسی واکنش متقارن اقتصاد زیرزمینی به تغییرات مالیات	حمید ابریشمی محسن مهرآرا نازلی هبیتی	۱۳۸۵	تحلیل‌های هم‌انباشتی و مدل تصحیح خطا	-*	-
۱۰	بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد DYMIMIC	علیرضا شکیبایی علی رئیس‌پور	۱۳۸۶	شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه پویا (DYMIMIC)	۱۳٪	تا ۱۳۵۱ ۱۳۸۰
۱۱	بررسی اثر مالیات‌ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۴۴-۱۳۸۴)	الیاس نادان حسن صدیقی	۱۳۸۷	الگوی خودرگرسیونی با وقفه‌های گسترده (ARDL)	۶٫۱۹٪	تا ۱۳۵۱ ۱۳۸۲
۱۲	برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۴۴-۱۳۸۴) به روش MIMIC	مجید صامتی مرتضی سامتی علی دلانی‌میلان	۱۳۸۸	روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه (MIMIC)	۱۷٫۵۴٪	تا ۱۳۴۴ ۱۳۸۴
۱۳	اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر آن بر تورم	مصطفی سلیمی‌فر محمد کیوانفر	۱۳۸۹	روش شکاف درآمدی، روش OLS	۲۶٫۴۸٪	تا ۱۳۶۱ ۱۳۸۷
۱۴	رویکرد منطق فازی برای مدل‌سازی اقتصاد زیرزمینی در ایران	علی قنبری سید هادی مخزن موسوی	۱۳۹۰	روش فازی	-*	تا ۱۳۵۷ ۱۳۸۵

جدول ۱. مطالعات انجام شده در کشور با محوریت اقتصاد غیررسمی

ردیف	عنوان پژوهش	مؤلف/مؤلفین	سال انتشار	روش تحقیق	متوسط اقتصادی غیررسمی نسبت به اقتصاد رسمی	بازه زمانی
۱۵	مدل‌بایی اقتصاد زیرزمینی ایران (۱۳۵۵-۱۳۸۶) با استفاده از منطق فازی	سمانه طالعی اردکانی رسول بخشی دستجردی آزاده سعادت‌خواه	۱۳۹۰	روش فازی	*	۱۳۵۵ تا ۱۳۸۶
۱۶	آیا اقتصاد سایه‌ای رشد اقتصادی را تهدید می‌کند؟ (مطالعه موردی: کشور ایران)	حسین مهرابی بشربادی سمیه کوچک‌زاده حمید تابلوی	۱۳۹۱	تکنیک تصحیح خطای برداری (VECM) و روش فازی	۲۸.۵٪	۱۳۵۱ تا ۱۳۸۶
۱۷	پیروان اقتصاد زیرزمینی و عوامل مؤثر بر آن در منتخبی از کشورهای توسعه‌یافته	مصطفی عمادزاده زهرا رفیعی طباطبایی	۱۳۹۱	داده‌های تابلویی	برآورده نشده	
۱۸	تخمین اقتصاد سایه‌ای و بررسی اثرات آن روی آلودگی هوا مطالعه موردی: اقتصاد ایران	زهرا نصراللهی سمانه طالعی اردکانی	۱۳۹۱	روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه	۱۲.۲۵٪	۱۳۵۴ تا ۱۳۸۶
۱۹	تخمین روند اقتصاد غیررسمی در ایران بر مبنای متغیرهای زیست‌محیطی، رهیافت فیلتر کالمن	مجید مداح فروغ السادات نوع ایران	۱۳۹۱	روش فیلترکالمن	۳۵.۶٪	۱۳۵۹ تا ۱۳۸۸
۲۰	برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل مؤثر بر آن	هانیه عزیززاده فرهاد فغاری	۱۳۹۲	تحلیل عامل اکتشافی و الگوی خودرگرسیون برداری (VAR)	۲۷٪	۱۳۵۲ تا ۱۳۸۷
۲۱	اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن: مطالعه موردی ایران	وحید تقی نژاد عمران معصومه نیک پور	۱۳۹۲	روش بولی	۱۳.۲۶٪ ۱۵.۰۵٪ ۱۵.۷۱٪	۱۳۵۰ تا ۱۳۸۹
۲۲	بررسی عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۸)	احمد جعفری صمیمی محسن اکبری	۱۳۹۲	روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL)	برآورد نشده	۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸
۲۳	برآورد اقتصاد سایه‌ای ایران (۱۳۴۹-۱۳۸۶) با استفاده از مدل‌سازی فازی چند مرحله‌ای	علیرضا شکیبایی قاسم شادمانی	۱۳۹۳	روش فازی	۱۳٪	۱۳۴۹ تا ۱۳۸۶
۲۴	اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران	اسمعیل ابونوری عبدالحمید نیک‌پور	۱۳۹۳	رویکرد علل چندگانه - شاخص‌های چندگانه (MIMIC)	برآورد نشده	۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰
۲۵	تخمین اقتصاد زیرزمینی در ایران و رابطه آن با توسعه مالی	حسینی نصراللهی ابطحی	۲۰۱۵	روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL)	۱۶.۱۶٪	۱۹۷۳ تا ۲۰۰۹
۲۶	برآورد فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی: کاربردی از الگوی DSGE	مهنوش میلانی جاوید بهرامی حسین توکلیان ترگس اکبرپورروشن	۱۳۹۶	الگوی تعادل عمومی یوایی تصادفی (DSGE)	۱۳.۱٪	۱۳۶۰ تا ۱۳۹۳

تذکره: علامت ستاره نشان‌دهنده آن است که در مطالعه مربوطه متوسط حجم اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی برآورد نشده است. به‌طور مشخص، روش‌های MIMIC و روش فازی شاخصی از حجم اقتصاد غیررسمی را به‌دست می‌دهند که روند، و نه مقدار، آن را نشان می‌دهند. بنابراین، در صورتی که ترازسازی صورت نگرفته باشد، نمی‌توان از مطالعه حجم اقتصاد غیررسمی را به‌صورت درصدی از GDP استخراج کرد.

## ۲- رابطه بخش غیررسمی و صندوق‌های تأمین اجتماعی

### ۲-۱- اثرگذاری بخش غیررسمی بر اقتصاد و اثرپذیری اقتصاد از بخش غیررسمی

وجود بخش غیررسمی در هر کشور باعث به وجود آمدن و بروز بسیاری از مفاسد اقتصادی است و، درعین حال، عواقبی هم برای روند توسعه دارد. در نتیجه، تقریباً تمامی جوامع به خاطر پیامدهای نامطلوب گسترش بخش غیررسمی سعی در کنترل آن دارند (اشنایدر، ۲۰۰۰). در دهه ۱۹۸۰ میلادی توجه زیادی به اندازه‌گیری و کشف آثار و علل پدیده اقتصاد زیرزمینی یا اقتصاد سیاه به وجود آمد (سیلورمن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶). عواملی مانند افزایش مالیات‌ها و حق بیمه‌های اجتماعی، درآمد سرانه، محدودیت‌های تجاری، بیکاری، رشد قیمت کالاهای مصرفی، شاخص مقررات، نوع و حساسیت مقررات دولتی، نوع پرداخت‌های اجتماعی، قوانین بازار کار، کیفیت نظام تأمین اجتماعی، چگونگی و قیمت ارائه خدمات دولتی، رشوه، فساد اداری و مالی، سیاست‌های حمایتی و نحوه برخورد و اجرای قوانین به عنوان مهم‌ترین دلایل پیدایش و گسترش بخش غیررسمی بیان می‌شوند و عواملی همچون مصرف سرانه، نرخ ارز، تقاضا برای پول و مصرف انرژی از این بخش اثر می‌پذیرند.

### ۲-۱-۱- مهم‌ترین عوامل اثرگذار

**درآمد سرانه:** افزایش درآمد سرانه و تأمین حداقل منابع لازم برای زندگی می‌تواند انگیزه پذیرش ریسک اعمال غیرقانونی و غیررسمی را کاهش دهد و موجب کاهش حجم بخش غیررسمی شود. شواهد تجربی نیز حکایت از آن دارد که با افزایش درآمد سرانه کشورها حجم بخش

1- Silverman



غیررسمی در آن‌ها کاهش می‌یابد (اشنایدر، ۲۰۱۲). البته، این امر در حالتی رخ می‌دهد که این درآمد سرانه افزایش یافته توزیع عادلانه و مناسب داشته باشد.

**بار مالیاتی و حق بیمه تأمین اجتماعی:** مالیات‌ها بر انتخاب میزان فراغت نیروی کار و، همچنین، عرضه نیروی کار در بخش غیررسمی یا بخشی از اقتصاد که بر آن مالیات وضع نمی‌شود تأثیر گذارند، زیرا هرچه اختلاف بین هزینه نیروی کار در بخش رسمی برای بنگاه و دستمزد دریافتی نیروی کار در این بخش بیشتر باشد، یعنی مالیات بیشتری گرفته شده و یا بنگاه سهم بیشتری برای تأمین اجتماعی پرداخت کرده است که در این صورت هم بنگاه و هم نیروی کار انگیزه بالاتری برای فعالیت در بخش غیررسمی پیدا می‌کنند. تازمانی که این اختلاف به صورت وسیعی به بار مالیاتی کل و سیستم تأمین اجتماعی وابسته باشد، این عوامل از عوامل کلیدی وجود و افزایش بخش غیررسمی محسوب می‌شوند (اشنایدر، ۲۰۰۰).

**محدودیت‌های تجاری:** در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر محدودیت‌های تعرفه‌ای، از سیاست‌های غیر تعرفه‌ای مانند ممنوعیت واردات یا صادرات برخی از اقلام به طور دائم یا موقت، قطع یا محدود ساختن رابطه تجاری با کشور یا کشورهای خاص، سهمیه‌بندی مقدار واردات یا صادرات برخی از کالاها و خدمات نیز استفاده می‌شود. اغلب در سیاست‌های تجویزی، راه مقابله با گسترش بخش غیررسمی را کاهش محدودیت‌های قانونی عنوان می‌کنند. بنابراین، انتظار می‌رود با کاهش محدودیت‌های قانونی مربوط به تجارت خارجی (مانند سهمیه‌ها و ممنوعیت‌ها) اندازه این پدیده نیز کاهش یابد.

**تورم (رشد قیمت کالاهای مصرفی):** رشد سطح عمومی قیمت کالاهای مصرفی به دلایل مختلفی می‌تواند به بزرگ شدن اندازه بخش غیررسمی منجر شود. با توجه به وضعیت نابرابری توزیع درآمد، با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها تعداد زیادی از خانوارها زیر خط فقر قرار خواهند گرفت و فقر و ناتوانی در تأمین حداقل درآمد قدرت ریسک برای ورود به فعالیت‌های زیرزمینی را افزایش می‌دهد. علاوه بر آن، سهم قابل توجهی از جمعیت شاغل کشور در فعالیت‌های مزد و حقوق‌بگیری مشغول به کار هستند که تشدید تورم قدرت خرید درآمد آن‌ها را کاهش می‌دهد و، در نتیجه، انگیزه برای فعالیت‌های جانبی در بخش غیررسمی افزایش پیدا می‌کند.

**بیکاری:** بیکاری یکی از بزرگ‌ترین و فراگیرترین مشکلات اقتصادی جوامع در قرن بیست و یکم است. بیکاری در جوامع پیشرفته صنعتی هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند و در کشورهای در حال توسعه در پیوند با فقر اقتصادی می‌تواند

مخاطرات بسیاری را متوجه جامعه و اقتصاد نماید. رشد بیکاری و کاهش فرصت‌های شغلی انگیزهٔ فعالیت در حوزه‌های غیرمجاز و ممنوعه را افزایش می‌دهد. از این رو، بیکاری در زمرهٔ دلایل رشد اقتصاد غیررسمی قرار می‌گیرد (صامتی و همکاران، ۱۳۸۸). ناتوانی در تأمین حداقل درآمد برای گذراندن زندگی از طریق فعالیت در بخش رسمی افراد را به سوی فعالیت‌های غیرقانونی در بخش غیررسمی سوق می‌دهد.

در کشورهای در حال توسعه قانون بیمهٔ بیکاری برای حفاظت از درآمد و جلوگیری از بیکاری ارائه و تنظیم می‌شود که این سیستم تنها اقلیتی از نیروی کار را پوشش می‌دهد. البته، بیمهٔ بیکاری می‌تواند منجر به سوءترویج بیکاری و هزینه‌های بزرگ مالی به خصوص در حضور اشتغال غیررسمی و ضعف ظرفیت‌های نهادی برای نظارت بر کارایی و وضعیت اشتغال شود. شواهد تجربی نشان می‌دهد در کشورهای با درآمد بالا بین سطح و مدت زمان دریافت مزایا و طول بیکاری همبستگی مثبت وجود دارد که می‌تواند به نرخ بیکاری بالاتر منجر شود (فرولیک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴).

**شدت مقررات:** افزایش شدت مقررات (که اغلب به وسیلهٔ تعداد قوانین و مقررات اندازه‌گیری می‌شود) یکی از علل عمده در کاهش آزادی و انتخاب‌های فردی در اقتصاد رسمی است. مقررات بازار کار، محدودیت‌های تجاری و دیگر محدودیت‌ها را می‌توان نمونه‌هایی از شدت مقررات بر شمرد. مقررات زیاد از حد ممکن است به افزایش قابل توجه هزینه‌های کار کردن در اقتصاد رسمی منجر شود. از آنجایی که بخش عمده‌ای از این هزینه‌ها به کارمندان و کارگران منتقل می‌شود، این امر باعث ایجاد انگیزه برای کار کردن در بخش غیررسمی می‌شود (بوئو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰).

## ۲-۱-۲- مهم‌ترین عوامل اثرپذیر

**تقاضا برای پول در گردش:** بسیاری از مطالعات انجام شده در ایران و جهان در ارتباط با اندازه‌گیری بخش غیررسمی با استفاده از روش‌های پولی بوده و بر این فرض استوار است که عاملان فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی ترجیح می‌دهند معاملات خود را با پول نقد انجام دهند. بر این اساس، با گسترش بخش غیررسمی انتظار می‌رود نسبت پول در گردش نیز افزایش پیدا کند.

**مصرف انرژی:** افزایش یا کاهش تولید کالاها و خدمات در کل اقتصاد (رسمی و

1- Frolich

2- Boueve

غیر رسمی) باتوجه به نیاز به عوامل تولید (از جمله نهاده انرژی) بر میزان مصرف عوامل اثر می‌گذارد و در اطلاعات مربوط به آن‌ها منعکس می‌شود. باتوجه به اینکه بنگاه‌های تولیدی و خدماتی از مواد اولیه و عوامل تولید برای تولید کالاها و ارائه خدمات بهره می‌جویند، افزایش در استفاده از انرژی (به عنوان عامل تولید) به معنای افزایش در تولید کالاها و خدمات در اقتصاد رسمی و غیر رسمی محسوب می‌شود و، بنابراین، افزایش در مصرف انرژی، در صورتی که فراتر از مقدار مورد نیاز برای تولید رسمی باشد، می‌تواند نشان‌دهنده افزایش تولید کالاها و خدمات در بخش غیر رسمی باشد. در واقع، گسترش بخش غیر رسمی منجر به افزایش مصرف انرژی می‌شود.

## ۲-۲- سازمان تأمین اجتماعی

سازمان تأمین اجتماعی یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی است که مأموریت اصلی آن پوشش کارگران مزد و حقوق‌بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به صورت اختیاری) است. بر اساس قانون، سازمان تأمین اجتماعی یک سازمان عمومی غیردولتی است که بخش عمده منابع مالی آن از محل حق بیمه‌ها (با مشارکت بیمه‌شده، کارفرما و دولت) تأمین می‌شود. به همین دلیل، دارایی‌ها و سرمایه‌های آن متعلق به افسار تحت پوشش در نسل‌های متوالی است و قابل ادغام با هیچ‌یک از سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا غیردولتی نیست. تکیه‌گاه اصلی این سازمان مشارکت سه‌جانبه کارفرمایان، بیمه‌شدگان و دولت در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری‌های کلان و تأمین منابع مالی است.

اصول و مبانی بیمه‌گری این سازمان به نحوی تنظیم شده است که بین اهداف اصلی آن با اهداف کلان نظام اقتصادی کشور همسویی کامل وجود دارد. از یک سو، رونق فعالیت‌های تولیدی و صنعتی موجب افزایش جمعیت تحت پوشش بیمه و تقویت منابع مالی این سازمان می‌شود. از سوی دیگر، پوشش بیمه‌ای کارگران به افزایش اطمینان خاطر، ایجاد امنیت روحی و سلامت جسمی و، در نهایت، ارتقای بهره‌وری نیروی کار منجر می‌گردد. همچنین، همه عواملی که فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی نیز اثر گذار هستند.

تعهدات این سازمان برابر با استانداردهای تعیین‌شده به وسیله سازمان بین‌المللی کار<sup>۱</sup> و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی<sup>۲</sup> تنظیم شده است و بالاترین حد این

1- International Labour Organization (ILO)

2- International Social Security Association (ISSA)

استانداردها را در بر می گیرد. چگونگی تحقق این تعهدات و ارائه خدمات به وسیله این سازمان را قانون معین کرده است. مهم ترین تعهدات و خدمات سازمان تأمین اجتماعی بر مبنای قانون تأمین اجتماعی و مقررات مربوط به آن در جدول ۲ نشان داده شده است (سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۰).

ردیف	نوع خدمات	ردیف	نوع خدمات
۱	حمایت در برابر حوادث، بیماری ها و بارداری	۵	مستمری بازنشستگی
۲	مستمری از کارافتادگی	۶	مستمری بازماندگان
۳	مقرری بیمه بیکاری	۷	غرامت دستمزد ایام بیماری
۴	پرداخت هزینه وسایل کمک پزشکی	۸	کمک هزینه ازدواج

△ جدول ۲. تعهدات و خدمات سازمان تأمین اجتماعی

بدهی است که تضمین اجرای این تعهدات در بلندمدت از طریق تقویت منابع سازمان تأمین اجتماعی ممکن می شود. این در حالی است که بررسی روند درآمدهای حق بیمه وصولی نقدی و هزینه های سازمان نشان می دهد که سازمان در سال های اخیر با کسری نقدینگی مواجه شده است. به عنوان مثال، نسبت مصارف به حق بیمه های وصولی نقدی سازمان در سال ۱۳۹۵ حدود ۱/۱۷ بوده که نشان دهنده پیشی گرفتن مصارف سازمان از درآمدهای حق بیمه نقدی است. این مسئله با در نظر گرفتن تعداد افراد تحت پوشش سازمان، که بالغ بر ۴۱ میلیون نفر در کشور است، هشدار دهنده است.

عوامل گوناگونی بر میزان مصارف و منابع صندوق های تأمین اجتماعی اثر گذار هستند که از آن جمله می توان به عوامل سازمانی و نهادی، کارآمدی نهادهای غیر رسمی، ثبات و کارایی در نهادهای رسمی و نظام اداری، هزینه های تغییر، نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ سالمندی، ثبات در فعالیت های اقتصادی، سطح حداقل دستمزدها، نرخ های حق بیمه، تعداد بیمه شده ها، شمار حوادث و سوانح در کشور و هزینه های درمان اشاره کرد.

## ۳-۲- رابطه بخش غیر رسمی و منابع تأمین اجتماعی

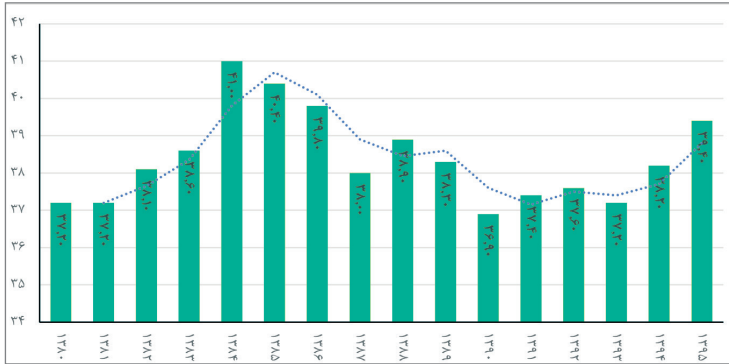
به منظور درک ارتباط میان بخش غیر رسمی و منابع تأمین اجتماعی لازم است ترکیب منابع تأمین اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. در جدول ۳ منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی نشان داده شده است. نگاهی به آمارهای درآمدهای نقدی سازمان تأمین اجتماعی نشان می دهد که سهم درآمدهای حاصل از حق بیمه از مجموع درآمدهای نقدی سازمان غالب است (حدود ۸۸ درصد).

منابع	مصارف
۱- منابع حاصل از حق بیمه	۱- مصارف کوتاهمدت
۲- منابع حاصل از کمک‌ها و هدایا	۲- مصارف بلندمدت
۳- منابع حاصل از سرمایه‌گذاری ۳-۱- اوراق مشارکت و سپرده ثابت بلندمدت؛ ۳-۲- سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها و مؤسسات تابعه (وابسته)؛ و ۳-۳- سرمایه‌گذاری در سایر شرکت‌ها (مؤسسات دولتی و غیردولتی)	۳- مصارف درمان
۴- منابع حاصل از خسارات و جرائم	
۵- سایر درآمدها	۴- مصارف پرسنلی و اداری

Δ جدول ۳. منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی

پرواضح است که درآمد حاصل از حق بیمه تحت تأثیر مستقیم تعداد بیمه‌شدگان قرار دارد. تعداد بیمه‌شدگان نیز بستگی به تعداد جمعیت فعال و شاغلین در بخش رسمی اقتصاد دارد؛ به این ترتیب که کاهش تعداد جمعیت فعال و شاغلین در بخش رسمی می‌تواند سبب کاهش درآمدهای بالقوه سازمان شود. با وجود این، افزایش تعداد بیمه‌شدگان، علاوه بر افزایش منابع نقدی فعلی، به افزایش تعهدات آتی سازمان نیز منجر می‌شود.

نسبت جمعیت فعال به جمعیت در سن کار کشور (نرخ مشارکت اقتصادی) در سال ۱۳۹۵ معادل ۳۹/۴ درصد بوده است. این نرخ، که در طی سال‌های گذشته یک‌الی دو درصد نوسان داشته، نشان‌دهنده درصد پایین مشارکت در اقتصاد کشور و، به تبع آن، سطح پایین مشارکت در صندوق‌های تأمین اجتماعی است؛ چراکه حتی اگر تمام جمعیت فعال کشور صاحب شغل در بخش رسمی و سپس بیمه شوند، تعداد آن‌ها در مقایسه با آنچه با توجه به تعداد جمعیت در سن کار می‌توانست باشد بسیار کم است. با لحاظ این موضوع که بسیاری از شاغلین کشور در بخش غیررسمی مشغول به کارند و تحت پوشش صندوق‌های بیمه‌ای قرار ندارند تصویر مشارکت در صندوق‌ها بدتر هم می‌شود.



Δ نمودار ۱. نرخ مشارکت اقتصادی در ایران طی ۱۳۸۰-۱۳۹۵  
منبع: مرکز آمار ایران

از آنجایی که با افزایش تعداد بیمه‌شدگان در بخش رسمی اقتصاد منابع صندوق‌ها افزایش می‌یابد، با گسترش بخش غیررسمی اقتصاد، که افزایش شاغلین در این بخش را به همراه دارد، تعداد بیمه‌شدگان و، در نتیجه، منابع تأمین اجتماعی کاهش می‌یابد. لذا، کنترل بخش غیررسمی بر منابع صندوق‌های بیمه‌ای همچون سازمان تأمین اجتماعی اثر دارد و کاربست سیاست‌های ترغیبی برای گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی می‌تواند به افزایش منابع این صندوق‌ها منجر شود.

**هنگامی که تولیدات و فعالیت‌ها به‌طور قانونی ولی پنهان انجام می‌شوند، از آنجایی که توسط نهادهای رسمی ثبت نمی‌شوند و شاغلین در آن‌ها تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار ندارند، دولت از محل مالیات و صندوق‌های بیمه‌ای از محل حق بیمه درآمدهایی را از دست می‌دهند.**

در جدول ۴ تعداد شاغلین و بیمه‌شدگان کشور در چند سال گذشته نمایش داده شده است. در این جدول، بیمه‌شدگان شامل بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح و سایر صندوق‌های اجتماعی کشور هستند. تعداد شاغلین بخش غیررسمی در جدول یادشده از تفاوت تعداد شاغلین کل کشور و تعداد کل بیمه‌شدگان تقریب زده شده است. همچنین، نرخ عدم رسمیت در این جدول از تقسیم شاغلین بخش غیررسمی بر تعداد کل بیمه‌شدگان و درصد اندازه بخش غیررسمی از تقسیم آن بر جمعیت کل کشور حاصل شده است. در نهایت، حق بیمه بالقوه درآمدهای است که در صورت پیوستن

فعالان بخش غیررسمی به بخش رسمی و بیمه شدن آن‌ها در سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند عاید سازمان شود و از حاصل ضرب تعداد فعالان بخش غیررسمی در متوسط نرخ حق بیمه مشاغل آزاد به دست آمده است.

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
جمعیت کل کشور (میلیون نفر)	۷۰	۷۳	۷۴	۷۵
تعداد شاغلین (میلیون نفر)	۲۰	۲۱	۲۱	۲۰
تعداد کل بیمه‌شدگان (میلیون نفر)	۱۳	۱۵	۱۵	۱۶
بخش غیررسمی (میلیون نفر)	۷	۶	۶	۴
نرخ عدم رسمیت (%)	۵۴	۴۰	۴۰	۲۵
درصد اندازه بخش غیررسمی (%)	۱۰	۸,۲۲	۸,۱۱	۵,۳۳
نسبت شاغلین بخش غیررسمی به شاغلین (%)	۳۵	۲۹	۲۹	۲۰
حق بیمه بالقوه	ماهانه (میلیارد تومان)	۳۵	۲۹	۲۰
	سالانه (میلیارد تومان)	۱۷۴,۳	۲۶۲,۵	۲۱۹,۳
نسبت درآمد بالقوه حاصل از بیمه کردن بخش غیررسمی به درآمد حق بیمه وصولی نقدی	۲۰۹۱,۶	۳۱۴۹,۶	۳۶۲۱,۵	۲۶۳۱,۸
	۴۲,۷	۳۱,۱	۲۸,۵	۱۶,۵

Δ جدول ۴. برآورد درآمد حق بیمه حاصل از پوشش بخش غیررسمی

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، در سال ۱۳۸۵ از ۲۰ میلیون جمعیت شاغل کشور ۱۳ میلیون نفر تحت پوشش یکی از صندوق‌های بازنشستگی قرار داشتند. از این میان، نزدیک به ۱۱ میلیون نفر در سازمان تأمین اجتماعی و باقی در دیگر صندوق‌های بیمه‌ای کشور عضویت داشته‌اند. بنابراین، ۷ میلیون نفر از شاغلین کشور در این سال (۳۵ درصد جمعیت شاغل)، که تحت پوشش هیچ نهاد بیمه‌ای قرار نداشتند، را می‌توان به عنوان شاغلین بخش غیررسمی اقتصاد برشمرد. علاوه بر آن، به ازای هر صد نفر شاغل در بخش رسمی در سال ۱۳۸۵، ۵۴ نفر در بخش غیررسمی فعال بوده‌اند. بررسی این ارقام برای سال‌های بعد تا سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که تعداد فعالان بخش غیررسمی در طول این سال‌ها کاهش یافته است. در سال ۱۳۹۰، ۴ میلیون نفر در بخش غیررسمی فعالیت داشته‌اند که ۲۰ درصد جمعیت شاغل کشور در این سال را تشکیل می‌دهند. همچنین، در این سال به ازای هر ۱۰۰ نفر شاغل در بخش رسمی ۲۵ نفر در بخش غیررسمی فعالیت می‌کردند.

اگر فعالان بخش غیررسمی، که عمدتاً خویش فرما هستند، بتوانند تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار گیرند، می‌توانند از بین سه نوع پوشش با نرخ‌های حق بیمه ۱۲، ۱۴ و ۱۸ درصد انتخاب نمایند. با این فرض که این افراد با حداقل مزد خود را نزد سازمان بیمه کنند و باتوجه به اینکه میانگین وزنی نرخ حق بیمه برای مشاغل آزاد بدون احتساب ۲ درصد سهم دولت برابر با ۱۶/۶ درصد است، می‌توان به برآوردی از درآمد بالقوه سازمان از محل بیمه کردن این افراد دست یافت. بر این اساس، همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، درآمد بالقوه سازمان از محل بیمه کردن شاغلین در بخش غیررسمی در سال ۱۳۹۰ در حدود ۲۶۳۲ میلیارد تومان برآورد می‌شود که معادل ۱۶/۵ درصد از درآمد حق بیمه نقدی سازمان در این سال بوده است. باتوجه به این نتایج، مقدار حق بیمه بالقوه سازمان از محل بیمه کردن فعالان بخش غیررسمی عدد قابل توجهی است که در شرایط کنونی می‌تواند به بهبود وضعیت مالی سازمان منجر شود.

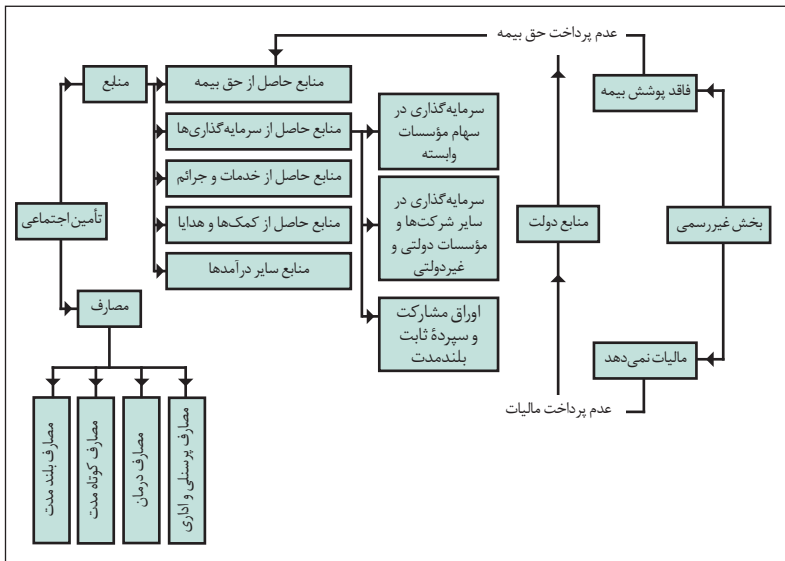
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقدار حق بیمه بالقوه سازمان طی سال‌های مورد بررسی کاهش یافته است، اما مطابق با تحلیل کارشناسان بازار کار تعداد مشاغل غیررسمی در کشور در شرایط کنونی در حال افزایش است. بنابراین، چنانچه تدبیری برای پوشش شاغلین در بخش غیررسمی اندیشیده نشود، حجم زیادی از درآمد بالقوه سازمان به بالفعل تبدیل نمی‌شود و مهم‌تر اینکه تعداد زیادی از افراد بدون پوشش بیمه‌ای وجود خواهند داشت که در هنگام بروز مخاطرات اقتصادی و سالمندی در خطر قرار گرفتن در معرض فقر هستند. از این روست که باید تمام تلاش‌ها انجام شود تا فعالان بخش غیررسمی اقتصاد تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار گیرند تا، ضمن ایجاد منابعی برای صندوق‌های بیمه اجتماعی، افراد شاغل در این بخش از حمایت‌های بیمه‌ای برخوردار شوند.

افزون بر این، باتوجه به کم بودن نسبت مالیاتی و نرخ مؤثر مالیاتی در کشور، چنانچه بتوان بخش غیررسمی را رسمی کرد، درآمدهای مالیاتی دولت نیز با افزایش مواجه می‌شوند که نظر به مشکلات مالی دولت در سال‌های اخیر می‌تواند در بهبود وضعیت بودجه‌های کشور مؤثر افتد. این امر با در نظر گرفتن این موضوع که دولت حجم بالایی از بدهی به سازمان دارد که هر ساله با نپرداختن بدهی جاری به مقدار آن افزوده می‌شود اهمیت بیشتری می‌یابد.

گرچه بیمه شدن فعالان بخش غیررسمی در سازمان تأمین اجتماعی درآمدهای حاصل از حق بیمه سازمان را افزایش می‌دهد، این امر در شرایط کنونی به معنی افزایش سریع تعهدات در آینده است؛ زیرا، در چهارچوب قواعد کنونی و در صورتی که اصلاحات



پارامتری انجام نشود، با این کار بحران مالی تنها چند سال به تعویق می‌افتد. بدیهی است که برای تضمین پایداری صندوق در بلندمدت لازم است چندین اقدام به صورت همزمان با هم انجام گیرند؛ به عبارت دیگر، تعمیم پوشش بیمه‌ای به شاغلین بخش غیر رسمی، تنها در صورتی که با سایر اصلاحات در نظام بازنشستگی همراه باشد، می‌تواند منافع بلندمدت سازمان را تأمین کند.



△ شکل ۲. اثرگذاری بخش غیررسمی اقتصاد بر منابع سازمان تأمین اجتماعی

### ۳- مطالعات تجربی و بررسی‌های تطبیقی

#### ۱-۳- مرور تجارب کشورهای جهان در پوشش بخش غیررسمی

در این بخش تجارب تعدادی از کشورهای جهان برای پوشش غیررسمی ارائه می‌شود. این کشورها شامل بنگلادش، شیلی، چین، هند، کنیا، افریقای جنوبی و انگلستان هستند.<sup>۱</sup> خلاصه‌ای از تجارب این کشورها در جدول ۵ ارائه شده است.

#### ۳-۱-۱- بنگلادش

بنگلادش یکی از فقیرترین کشورهای جهان است که با مسئله فقر سالمندان مواجه است. گرچه این کشور هنوز جوان است، به تدریج و با سرعتی کمتر از سایر کشورها رو به سالمندی می‌رود. کارکنان دولت در این کشور برای چندین دهه تحت پوشش نظام مستمری سخاوتمندانه‌ای قرار داشته‌اند، اما افراد شاغل در بخش خصوصی، به‌ویژه کارکنان بخش غیررسمی مانند کشاورزان، تا سال ۱۹۹۸ تحت پوشش هیچ نظام بازنشستگی رسمی قرار نداشتند. تا اینکه در این سال دولت بنگلادش نظام مساعدت اجتماعی مبتنی بر آزمون وسیع را با هدف کاهش فقر سالمندان معرفی کرد که تماماً توسط دولت تأمین مالی می‌شد. این سیستم شهروندان کم‌درآمد ۶۲ سال به بالا را تحت پوشش قرار می‌دهد، اما تنها یک عضو از هر خانواری می‌تواند مزایا را دریافت کند. به‌رغم اینکه نظام مساعدت اجتماعی در مسیری حرکت می‌کند که

۱- این بخش بر اساس مطالعه هو و استورات (۲۰۰۹) نگاشته شده است.

به سالمندان فقیر کمک کند، به نظر نمی‌رسد برای پوشش تمامی نیازهای اصلی این قشر کافی باشد و تنها فقیرترین این افراد را تحت پوشش دارد. به همین دلیل، بیشتر جمعیت سالمندان بنگلادش، به خصوص در مناطق روستایی، همچنان بر حمایت‌های خانوادگی سنتی تکیه دارند.

در واکنش به این وضعیت، در سال ۲۰۰۰ بانک گرامین بنگلادش طرح بازنشستگی گرامین<sup>۱</sup> را برای مردم فقیر معرفی کرد. این بانک وام‌های خرد را به افرادی که از بانک‌های تجاری قادر به دریافت وام نیستند ارائه می‌دهد. یکی از شرایط اعطای وام در بانک گرامین اعتماد یا اعتبار بین بانک و قرض‌گیرندگان، و نه سابقه مشتری یا وثیقه است. در این چهارچوب، هر فرد باید به گروهی از قرض‌گیرندگان ملحق شود تا درخواست وام دهد. بعد از اینکه بازپرداخت وام‌های قبلی از هر عضو گروه قرض‌گیرندگان دریافت شد، وام جدید می‌تواند اعطا شود.

طرح بازنشستگی گرامین یکی از محصولات این بانک است که برای مستمری سالمندان طراحی شده است. تمام وام‌گیرندگان بانک گرامین ملزم به پس‌انداز یک مقدار حداقلی در هر ماه در حساب اندوخته فردی بازنشستگی خود هستند. نرخ بهره تضمین شده برای سپرده‌های یک تا سه ساله ۸ درصد، برای سپرده‌های سه تا پنج ساله ۱۰ درصد و برای سپرده‌های بیشتر از پنج سال ۱۲ درصد است. برآورد می‌شود که هر فرد با پس‌انداز ماهیانه مقدار حداقل تعیین شده بعد از ۱۰ سال دو برابر مقدار پس‌انداز خود در این طرح اندوخته داشته باشد. این سیستم در بنگلادش در سال‌های اخیر محبوب بوده و با اقبال زیادی مواجه شده است.

### ۳-۱-۲- شیلی

سیستم بازنشستگی شیلی در دهه ۱۹۸۰ با معرفی نظام مستمری حقیقی به معین مبتنی بر حساب انفرادی اجباری بزرگ‌ترین اصلاحات خود را آغاز کرد. علاوه بر این، در این کشور صندوق‌های عمومی نیز با هدف اطمینان از حداقل حقوق بازنشستگی برای افراد مسن وجود دارند. همچنین، صندوق‌های خصوصی و بیمه‌های عمر به صورت اختیاری برای افراد قابل دسترسی هستند. در سال ۲۰۰۸ این سیستم به منظور گسترش دسترسی به حداقل حقوق بازنشستگی برای جمعیتی که فاقد پوشش بیمه‌ای و عمدتاً خویش فرما یا شاغل در بخش غیررسمی بودند اصلاح شد.

هر چند که مشارکت در نظام حساب‌های انفرادی برای افراد شاغل در بخش رسمی الزامی است، مشارکت خویش‌فرمایان، که عمدتاً در بخش غیررسمی مشغول به کارند، اختیاری است. نرخ حق بیمه برای تمام اعضا معادل ۱۰ درصد درآمد است. این نظام ماهیتاً به صورت حق بیمه معین است و لذا سطح مزایا به سطح دارایی‌های انباشته‌شده و بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها بستگی دارد. با وجود این، اگر به هر دلیلی میزان ذخایر بیمه‌شده برای تأمین مالی حداقل حقوق بازنشستگی، که توسط مقامات تعیین می‌شود، کافی نباشد، دولت شیلی مقدار کسری را تأمین می‌کند. سرمایه‌های انباشته‌شده توسط شش مدیر بازنشستگی حرفه‌ای<sup>۱</sup> مدیریت می‌شوند. هر مدیر چهار نوع مختلف از ابزارهای سرمایه‌گذاری را ارائه می‌دهد تا نیازهای بیمه‌شدگان با ترجیحات مختلف ریسک-بازدهی را پوشش دهد.

افزون‌براین، شاغلان در بخش غیررسمی می‌توانند به طرح‌های شخصی اختیاری ملحق شوند که توسط نهادهای مالی، صندوق‌های مشترک و بانک‌ها و مانند آن‌ها ارائه می‌شوند. مقدار و چگالی پرداخت حق بیمه در این طرح‌ها انعطاف‌پذیر است تا با نیازهای گروه‌های مختلف سازگار باشد.

دولت شیلی در سال ۲۰۰۸ لایحه‌ای را برای اصلاح نظام بازنشستگی ایجادشده در دهه ۱۹۸۰ به مجلس ارائه کرد. برخی از این اصلاحات مربوط به بهبود پوشش کم کارکنان بخش غیررسمی بوده است. نخست، یک سیستم بازنشستگی منسجم<sup>۲</sup> برای افرادی که قادر به پس‌انداز برای دوران بازنشستگی خود نبودند طراحی شد. در واقع، این سیستم جایگزینی برای مستمری‌های مبتنی بر آزمون وسع و حداقل مستمری تضمینی با دو نوع مزایای مستمری برای جمعیت کم‌درآمد ۶۵ ساله و بیشتر این کشور، که حداقل برای ۲۰ سال در شیلی زندگی کرده‌اند، بوده است. دوم، اصلاحات این الزام ایجاد شد که خویش‌فرمایانی که تحت پوشش نظام مستمری نبودند ظرف مدت ۷ سال پس از اصلاحات به نظام حساب‌های بازنشستگی انفرادی ملحق شوند. سوم، به منظور ترویج مشارکت کارکنان جوان در بخش رسمی، در اصلاحات پرداخت یارانه‌های ماهانه به کارگران کم‌درآمد (کسانی که درآمدی کمتر از ۱/۵ برابر حداقل دستمزد دارند) بین سنین ۱۸ و ۳۵ سال برای ۲۴ ماه اول اشتغال آن‌ها در بخش رسمی در نظر گرفته شد.

---

1-Professional Pension Managers

2- Solidarity Pension System

در چین سیستم بازنشستگی بین جمعیت شهری و روستایی تفکیک شده است. سیستم بازنشستگی در مناطق شهری، که در سال ۱۹۹۷ اصلاح شده، چند لایه دارد که شامل اجزای نظام بازنشستگی دولتی و خصوصی است. در مناطق روستایی، که ۶۰ درصد کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، سیستم بازنشستگی رسمی مؤثری، به‌عنوان طرح‌های آزمایشی که به‌صورت محلی در برخی استان‌های ثروتمندتر اجرا می‌شوند، وجود ندارد. بنابراین، بسیاری از روستاییان هنوز هم به‌شدت بر حمایت‌های خانوادگی غیررسمی تکیه دارند. باوجود این، کارکنان بخش عمومی با ترتیبات بازنشستگی سخاوتمندانه و جداگانه‌ای تحت پوشش قرار دارند.

گزینه‌های مختلفی برای پوشش بازنشستگی کارکنان بخش غیررسمی در چین در دسترس هستند. نخست، این افراد می‌توانند به عضویت نظام بازنشستگی درآیند که برای هر دو بخش رسمی و غیررسمی اجباری است. البته، باتوجه به نرخ تمکین پایین و نبود مقررات سخت‌وسخت، کارکنان کمی از بخش غیررسمی در این نظام مشارکت می‌کنند. در تعدادی از استان‌ها برای تشویق مشارکت شرایط منعطف‌تری به‌کار بسته شده است، زیرا دولت‌های محلی از اختیار تغییر قواعد مرتبط با نرخ حق بیمه بر اساس شرایط منطقه برخوردارند. به‌عنوان مثال، در بسیاری از موارد نرخ حق بیمه خویش‌فرمایان از ۲۸ درصد (۲۰ درصد سهم کارفرما و ۸ درصد سهم کارمند) به ۲۰ درصد کاهش یافته که ۸ درصد آن در حساب‌های انفرادی انباشته می‌شود. دولت در سال ۱۹۹۹ طرح تضمین حداقل درآمد را با هدف ارائه درآمدی معادل ۲۰ درصد متوسط دستمزد محلی در سطح مناطق شهری اجرا کرد. دوم، علاوه بر نظام بازنشستگی عمومی، کارگران بخش خصوصی می‌توانند به‌صورت اختیاری به ترتیبات بازنشستگی شغلی، که در چین به‌عنوان سالیانی بنگاه‌ها شناخته می‌شود، ملحق شوند. باین حال، باتوجه به ماهیت مشارکت اختیاری و تعداد زیاد کارفرمایانی که در طرح بازنشستگی عمومی اجباری عضو نیستند، در عمل، کارکنان بسیار کمی از بخش غیررسمی در این طرح‌ها (که عموماً در شرکت‌های دولتی بزرگ سابق متمرکز هستند) تحت پوشش قرار می‌گیرند. سوم، برای خویش‌فرمایان در چین شکل دیگری از عضویت در نظام بازنشستگی به اسم خرید بیمه عمر وجود دارد که به‌طور فزاینده‌ای رایج است. بازاریابی شرکت‌های بیمه و شرایط سخاوتمندانه ارائه‌شده توسط آن‌ها باعث شده است که بسیاری از افراد در بخش غیررسمی خریدار این بیمه‌نامه‌ها شوند.

این گزینه‌ها اغلب مربوط به کارکنان شاغل در مناطق شهری هستند. شاغلان در روستاها، مانند کشاورزان، به‌طور مؤثر تحت پوشش هیچ طرح بازنشستگی نیستند. تنها استثنا طرح مساعدت اجتماعی است که حداقل در آمد را برای اقشار فقیر فراهم می‌کند. از این رو، سالمندان مناطق روستایی عمدتاً به پس‌اندازهای خود و اعضای خانواده خود متکی هستند. گرچه چند طرح آزمایشی در مناطق ثروتمندتر به اجرا درآمده، برای اظهار نظر در خصوص موفقیت آن‌ها هنوز زود است.

دولت چین در مورد پوشش کم نظام بازنشستگی در بخش غیررسمی به‌ویژه در مناطق روستایی نگران است. بنابراین، دولت مرکزی به‌منظور تشویق مشارکت داوطلبانه در طرح‌های بازنشستگی شغلی تشکیل صندوق‌های بازنشستگی جمعی<sup>۱</sup> را مد نظر قرار داده است که به‌طور مستقیم شرکت‌های کوچک و متوسط در چین را هدف قرار می‌دهند. این صندوق‌ها، که نسبت به ترتیبات بازنشستگی شغلی انعطاف‌پذیرتر هستند، معیارهای سختگیرانه‌تری برای مشارکت دارند. همچنین، نهاد تنظیم‌گر بیمه‌ای شرکت‌های بیمه را به ارائه محصولات مناسب برای جمعیت بزرگ روستایی چین تشویق می‌کند. مثلاً برخی محصولات مانند برنامه‌های اعتبار خرد در سایر کشورها در بازار چین موجود است که از انعطاف‌پذیری و سهولت در مشارکت برخوردارند. به‌علاوه، با توجه به اینکه برخی از کشاورزان زمین‌های خود را به دلیل روند سریع صنعتی‌شدن در چین از دست داده‌اند، برخی از شرکت‌های بیمه محصولاتی را ارائه می‌کنند که به غرامت مالی دریافتی آن‌ها مربوط است. به عبارت دیگر، این غرامت مالی، به‌جای پرداخت مستقیم به کشاورزان، برای خرید محصولات بیمه‌ای ویژه‌ای برای بازنشستگی آن‌ها و یا سایر پیشنهادها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ۳-۱-۴- هند

در هندوستان طرح‌های بسیاری وجود دارند که می‌توانند در سه دسته کلی طبقه‌بندی شوند: برنامه امنیت اجتماعی، طرح‌های شغلی (اجباری و اختیاری) و ترتیبات انفرادی. در حدود ۱۲ درصد جمعیت هند تحت پوشش سیستم بازنشستگی اختیاری رسمی قرار دارند، در حالی که باقی ساکنین کشور توسط جوامع محلی، مؤسسات خیریه یا خانواده‌ها حمایت می‌شوند.

کارکنان بخش رسمی هند با طرح‌های بازنشستگی شغلی حق بیمه معین (DC) یا مزایای معین (DB) چه به‌صورت اختیاری و چه به‌صورت اجباری پوشش داده

می‌شوند. این در حالی است که شاغلان بخش غیررسمی می‌توانند در سیستم بازنشستگی اختیاری مشارکت کنند و تعداد بسیار محدودی از آنها تحت پوشش سیستم بازنشستگی اجباری قرار دارند. ملوانان و معدنچیان ذغال‌سنگ تنها استثنا هستند که در صندوق‌های ویژه خود مشارکت دارند.

علاوه بر طرح‌های اجباری یادشده، افراد (شامل شاغلان در بخش غیررسمی) می‌توانند به مجموعه‌ای از طرح‌های اختیاری، که توسط شرکت‌های بیمه ارائه می‌شوند، بپیوندند. این طرح‌ها شامل صندوق آینده‌نگر عمومی<sup>۱</sup>، که به صورت جزئی تأمین اعتبار شده و حق بیمه معین است، و طرح‌های بازنشستگی چند صندوقی هستند. حدود ۳۰ درصد سالمندان فقیر، صرف‌نظر از اینکه در طول دوران اشتغال خود حق بیمه پرداخت کرده‌اند یا خیر، تحت پوشش سیستم بازنشستگی ملی سالمندان<sup>۲</sup> قرار دارند.

سیستم بازنشستگی هند در درازمدت، به دلیل چندپارگی سیستم و پوشش کم، پایدار اعلام شده است. دولت هند به منظور مقابله با چالش‌های موجود (به خصوص برای تشویق مشارکت کارگران بخش غیررسمی، با وجود دردسترس بودن محصولات ویژه در بازار) در سال ۲۰۰۴ سیستم جدیدی به نام طرح بازنشستگی ملی<sup>۳</sup> را معرفی کرد. این طرح برای کارمندان دولت مرکزی، که از آغاز سال ۲۰۰۴ مشغول به کار شده‌اند، اجباری و برای کارمندان ایالتی و دیگر شهروندان هند اختیاری است. یکی از ویژگی‌های اصلی این سیستم هزینه پایین آن است که تشویق مشارکت اختیاری افرادی که تحت پوشش نظام تأمین اجتماعی کشور نیستند را دنبال می‌کند.

این سیستم به صورت کاملاً تأمین اعتبار شده است و دو حساب دارد: حساب لایه یک و حساب لایه دو. در حساب لایه یک اجازه برداشت زود هنگام قبل از بازنشستگی داده نمی‌شود، در حالی که حساب لایه دو قابل برداشت بوده و فاقد مشوق‌های مالیاتی است. اعضا در سن ۶۰ سالگی مجاز به دریافت مزایای بازنشستگی هستند. افراد در هنگام بازنشستگی متعهد می‌شوند که ۴۰ درصد دارایی‌های انباشته شده را سرمایه‌گذاری کنند و سالیانی بخرند. دارایی‌های باقیمانده به شکل یکجا قابل برداشت است. مقدار و تناوب حق بیمه‌ها به صلاحدید کارفرما و کارمند است و الزاماتی ندارد. نهادهای زیادی در این سیستم نقش ایفا می‌کنند که از جمله عبارت‌اند از:

---

1- Public Provident Fund

2-National Old Age Pension System

3-National Pension Scheme



◦ **سازمان توسعه و تنظیم صندوق‌های بازنشستگی (PFRDA):**<sup>۱</sup> این سازمان، که در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان جزئی اساسی از تنظیم مقررات و اصلاح سیستم بازنشستگی تأسیس شد، نهادی تخصصی است که مسئولیت نظارت و کنترل صندوق‌های بازنشستگی هند را برعهده دارد. به‌عنوان مثال، هر نهاد مالی که قصد ارائه مستمری‌های شغلی را داشته باشد باید از PFRDA مجوز بگیرد.

◦ **سازمان گزارش مرکزی:** این نهاد، که توسط سازمان توسعه و تنظیم صندوق‌های بازنشستگی تعیین شده بود، مسئول گردآوری و انتقال حق بیمه اعضا، تخصیص منابع به‌وسیله مدیران صندوق‌های بازنشستگی، و تأیید اعتبار و گزارش تخصیص منابع به حساب‌های انفرادی است. این نهاد به‌صورت الکترونیکی با سایر کنشگران مهم (شامل اعضای صندوق‌ها) در ارتباط است و اطلاعات را با PFRDA به اشتراک می‌گذارد.

◦ **نقطه وقوع<sup>۲</sup>:** نقطه وقوع، به‌عنوان اولین نقطه تماس با افراد، در سیستم بازنشستگی ملی هند از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرساخت‌های موجود برای تسهیل مشارکت در این سیستم با هدف کاهش هزینه‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در حال حاضر، نقطه وقوع شامل بانک‌ها، اداره‌های پست و تمام نهادهای دیگری است که می‌توانند خدمات ارائه کنند.

◦ **مدیریت صندوق بازنشستگی:** کارمندان تحت این سیستم این فرصت را دارند که مدیریت صندوق بازنشستگی حرفه‌ای را انتخاب کنند. هر مدیریت سه نوع صندوق را ارائه می‌کند که اعضا می‌توانند از بین آن‌ها انتخاب کنند. صندوق‌ها ترکیب‌های متفاوتی از ریسک و بازدهی را با توجه به ترجیحات افراد مختلف در برمی‌گیرند.

در سال ۲۰۰۶، بانک توسعه آسیا (ADB)<sup>۳</sup> در گزارشی بر نحوه تشویق شاغلان بخش غیررسمی به پیوستن به سیستم بازنشستگی ملی هند تأکید کرد. بر اساس این گزارش، این سیستم باید برای کسانی طراحی شود که قادر به پس‌انداز کردن هستند، زیرا همواره بخشی از جمعیت شاغل در بخش غیررسمی آنقدر فقیرند که نمی‌توانند پس‌انداز کنند یا پولی را برای آینده دوردست کنار بگذارند و، بنابراین، مشوق‌های مالیاتی، هزینه ورود کم و مانند آن‌ها برای تشویق مشارکت اختیاری آن‌ها کافی

1- Pension Fund Regulatory and Development Authority

2- Point of presence

3- Asian Development Bank



نیست. بانک توسعه آسیا برای تسهیل مشارکت کسانی که قادرند پس انداز کنند اقداماتی نظیر استراتژی‌های بازاریابی خلاقانه، کمپین‌های آگاهی عمومی و مانند آن را توصیه کرد. به‌طور ویژه، بانک توسعه آسیا توصیه کرد که در خصوص اینکه عدم پس‌انداز کافی منجر به فقر در سالمندی می‌شود و یا اینکه حمایت‌های خانوادگی در آینده کم‌رنگ‌تر خواهند شد آموزش عمومی ارائه شود.

### ۳-۱-۵- کنیا

در کنیا سیستم بازنشستگی از سه قسمت تشکیل شده است:

۱. سیستم عمومی مبتنی بر PAYG، که توسط صندوق ملی تأمین اجتماعی (NSSF)<sup>۱</sup> اداره می‌شود؛
۲. طرح‌های شغلی اختیاری با مدیریت خصوصی، که ممکن است به‌صورت حق بیمه معین یا مزایای معین باشند؛ و
۳. طرح‌های بازنشستگی انفرادی، که به‌صورت حق بیمه معین هستند. کارمندان دولتی به‌وسیله یک طرح خدمات مدنی جداگانه تحت پوشش قرار می‌گیرند.

دو فرصت برای پوشش بیمه‌ای کارگران بخش غیررسمی وجود دارد. نخست، صندوق آینده‌نگر عمومی، یعنی صندوق ملی تأمین اجتماعی، است که کارمندان، بازرگانان، خویش‌فرمایان، از سال ۲۰۰۴، برخی کارکنان بخش غیررسمی را پوشش می‌دهد. این طرح برای تمام کارفرمایان با حداقل ۵ نفر کارکن اجباری است، اما برای سایر اقشار یادشده هم قابل دسترس است. کارفرمایان ۵ درصد مزد را به‌عنوان حق بیمه می‌پردازند و برای آن‌ها سقف مزد مشمول کسورات تعیین شده است، اما خویش‌فرمایان با سقف یا کف درآمد مشمول کسورات مواجه نیستند و ۵ درصد عایدی ماهانه خود را به‌عنوان حق بیمه پرداخت می‌کنند. از اوایل سال ۲۰۰۷، اعضای این طرح می‌توانند پس‌انداز خود را در هر زمانی به مقدار برابر یا کمتر از یک سقف معین افزایش دهند.

دوم، بخش خصوصی محصولات ویژه‌ای را ارائه می‌دهد که مشارکت انفرادی را میسر می‌سازد. در حال حاضر، در کنیا ۱۴ طرح بازنشستگی انفرادی وجود دارد که در سازمان مزایای بازنشستگی<sup>۲</sup> ثبت شده‌اند. همه این طرح‌ها به‌صورت حق بیمه معین هستند و عمدتاً توسط شرکت‌های بیمه ارائه می‌شوند. با وجود این، تنها حدود ۱ درصد از کل

1- National Social Security Fund

2-Retirement Benefits Authority

دارایی‌های بازنشستگی در کنیا به این طرح‌های انفرادی تعلق دارد.

پوشش کم بیمه بازنشستگی یکی از چالش‌های بزرگ دولت کنیا است. مقامات این کشور به منظور افزایش سطح پوشش و تشویق بیشتر جمعیت سالمند برای پیوستن به سیستم بازنشستگی رسمی چندین گزینه را بررسی می‌کنند: اول، ایجاد لایه صفر که حداقل مستمری همگانی را به افراد بیش از ۶۵ سال ارائه می‌کند؛ و، دوم، معرفی عنصری اجباری به طرح‌های انفرادی و شغلی اختیاری و ایجاد لایه چهارم به شکل مشوق‌های مالیاتی برای حمایت خانواده و خرید خانه.

### ۳-۱-۶- آفریقای جنوبی

سیستم بازنشستگی در آفریقای جنوبی متشکل از یک لایه عمومی PAYG، یک سیستم بازنشستگی شغلی اختیاری و ترتیبات پس‌انداز شخصی اختیاری است. می‌توان سیستم شغلی برای کارمندان بخش رسمی را شبه‌اجباری دانست، زیرا بسیاری از کارفرمایان کارمندان جدید را ملزم به عضویت در صندوق شغلی ارائه‌شده توسط کارفرما می‌کنند. کارمندان بخش عمومی با طرح‌های بازنشستگی جداگانه‌ای پوشش داده می‌شوند.

کارگران بخش غیررسمی در آفریقای جنوبی توسط سیستم بازنشستگی عمومی پوشش داده می‌شوند که به‌عنوان منبع مالی اصلی برای این گروه به‌شمار می‌رود. این سیستم مستمری سالمندی غیرمشارکتی مبتنی بر آزمون وسع را ارائه می‌دهد که به‌وسیله درآمدهای عمومی تأمین مالی می‌شود. مستمری به زنان ۶۰ ساله و مردان ۶۵ ساله قابل‌پرداخت است. این مستمری منبع اصلی درآمدی ۷۵ درصد از بازنشستگان است که عمده‌مستمری کامل را دریافت می‌کنند. سطح مزایا به‌صورت غیررسمی با سطح دستمزدها مرتبط است و لذا نرخ جایگزینی معقولی برای کارگران کم‌درآمد وجود دارد که به کاهش فقر سالمندان کمک می‌کند.

افزون‌براین، برای کارمندان بخش غیررسمی مشوق‌های مالیاتی جهت پس‌انداز بازنشستگی بیشتر از طریق ابزارهای پس‌انداز اختیاری وجود دارد. این ابزارها عمدتاً به شکل سالیانی بازنشستگی هستند که توسط شرکت‌های بیمه ارائه می‌شوند. برآوردهای ملی نشان می‌دهند که مستمری‌های شغلی و شخصی تقریباً ۶۰ درصد کارکنان در بخش رسمی را پوشش می‌دهند. در مورد سطح پوشش فعالان در بخش غیررسمی آماری وجود ندارد، اما برآوردهای غیررسمی حاکی از پوشش حدود ۱ درصدی این افراد است.

دولت افریقای جنوبی به منظور افزایش پوشش بازنشستگی در نظر دارد یک سیستم بازنشستگی اجباری را برای همه کارگران شاغل در بخش رسمی معرفی کند. هدف اصلی این پیشنهاد اطمینان از برخورداری همه شهروندان کشور از سطح پایه درآمد در دوران بازنشستگی است. به همین ترتیب، دولت ایجاد صندوق پس انداز ملی را به طور خاص برای کارکنان بخش غیررسمی بررسی می کند. این صندوق باید به گونه ای طراحی شود که با نیازهای کارگران بخش غیررسمی مطابقت داشته باشد، یعنی حق بیمه ها انعطاف پذیرتر و شرایط برای برداشت آسان گیرانه تر باشد.

### ۳-۱-۷- انگلستان

سیستم مستمری عمومی در انگلستان درآمد بازنشستگی نسبتاً متوسطی را برای کارگران فراهم می کند. این درآمد از طریق مستمری پایه مشارکتی، مزایای تأمین اجتماعی مبتنی بر آزمون وسیع و مقدار جبرانی مرتبط با درآمد، که توسط دولت یا طرح مستمری شغلی ارائه می شود، تأمین می گردد. علاوه بر این، بخش بزرگ صندوق های مستمری خصوصی اختیاری، که متشکل از طرح های شغلی حق بیمه معین یا مزایای معین و ترتیبات مستمری شخصی است، هم در این کشور وجود دارد.

تحت سیستم بازنشستگی انگلستان، کارکنان بخش غیررسمی عمدتاً به وسیله صندوق مستمری پایه دولتی<sup>۱</sup> و یا ترتیبات بازنشستگی شخصی پوشش داده می شوند. خویش فرمایان، در صورتی که برای تعداد سال های معینی (یعنی ۳۰ سال) در سیستم مشارکت کنند و به سن بازنشستگی (یعنی ۶۵ سال برای مردان و ۶۰ سال برای زنان) برسند، مشمول صندوق مستمری پایه دولتی می شوند. مستمری پایه دولتی متناسب با نرخ تورم تنظیم می شود. دولت انگلستان به منظور کمک به مستمری بگیران کم درآمد اعتبار مستمری<sup>۲</sup> را ارائه می کند که شامل اعتبار تضمینی مبتنی بر آزمون وسیع و اعتبار پس اندازی است. به علاوه، خویش فرمایان با سود سالانه بین ۵۰۳۵ تا ۳۳،۵۴۰ پوند استرلینگ (در سال ۲۰۰۹) حق بیمه ۸ درصدی مرتبط با درآمد به اضافه ۱ درصد سود بالای ۳۳،۵۴۰ پوند استرلینگ پرداخت می کنند. ۱۵ درصد از حق بیمه ها (بیمه شدگان، کارفرمایان و خویش فرمایان) به خدمات سلامت ملی<sup>۳</sup> اختصاص می یابد، در حالی که این حق بیمه ها برای پرداخت مزایای بیماری و بارداری، حوادث ناشی از کار و بیکاری هم مورد استفاده قرار می گیرند.

1-Basic State Pension

2- Pensions Credit

3- National Health Service

افزون براین، خویش‌فرمایان می‌توانند در صندوق‌های سهامداران<sup>۱</sup> مشارکت کنند. صندوق‌های سهامداران از انواع طرح‌های خصوصی هستند که از طریق قرارداد بین بیمه‌شده و ارائه‌کننده خدمت عضویت انجام می‌شود. ارائه‌کننده غالباً شرکت‌های بیمه یا نهادهای سرمایه‌گذاری هستند. بیشتر منابع این صندوق‌ها در بازار سهام سرمایه‌گذاری می‌شوند. عضویت در این صندوق‌ها تقریباً برای همه ممکن است، مثلاً شاغلان، کارگران با قرارداد ثابت، خویش‌فرمایان، و کسانی که مشغول به کار نیستند، اما می‌توانند حق بیمه پردازند. در این صندوق‌ها محدودیت سقف حق بیمه وجود ندارد. حق بیمه می‌تواند به صورت هفتگی یا ماهانه یا حتی یکجا پرداخت شود. طرح‌ها باید یک گزینه سرمایه‌گذاری را ارائه کنند که با ساختار سرمایه‌گذاری دوران زندگی متناسب باشد (الزام به ریسک کمتر سرمایه‌گذاری در ۵ سال منتهی به بازنشستگی). این طرح‌ها به صورت کم‌هزینه با کارمزد ۱ درصد در سال طراحی شده‌اند که این رقم در مقایسه با کارمزد حداقل ۵ درصدی بیشتر طرح‌های بازنشستگی خصوصی در این کشور بسیار کم است. این ویژگی‌ها (انعطاف‌پذیری و هزینه کم) برای سازگاری با خصوصیات بخشی غیررسمی طراحی شده‌اند. با این حال، بازده سرمایه‌گذاری در این طرح‌ها زیاد نیست، چون برای سرمایه‌گذاری پرسودتر نیاز به صرف وقت و کار بیشتری است که با کارمزد تعیین شده امکان‌پذیر نیست.

با وجود در دسترس بودن ترتیبات بازنشستگی در بازار، صندوق سهامداران و دیگر محصولات بیمه خصوصی چندان با استقبال کارگران بخش خصوصی مواجه نشدند. در واکنش به این وضعیت، وزارت کار و بازنشستگی در سال ۲۰۰۶ طرح‌های خاصی را برای حل چالش‌های پیش‌روی سیستم بازنشستگی انگلستان ارائه کرد. یکی از این طرح‌های پیشنهادی برای تشویق برقراری مستمری در میان خویش‌فرمایان و یا کسانی که پس‌انداز کافی ندارند مطرح شد، زیرا تحقیقات نشان می‌داد که ۷ میلیون نفر در انگلستان برای بازنشستگی خود به مقدار کافی پس‌انداز نمی‌کنند، یعنی پس‌انداز آن‌ها در سطحی نیست که بتواند سطح زندگی کنونی آن‌ها را در بازنشستگی حفظ کند. این افراد، علاوه بر مشارکت در صندوق‌های دولتی، در ترتیبات بازنشستگی شغلی یا خصوصی عضو نیستند. با توجه به این مشاهدات، دولت انگلستان یک طرح عضویت خودکار مبتنی بر حساب‌های شخصی را پیشنهاد کرد. تحت این سیستم:

- افراد، اگر درآمدی بالاتر از ۵۰۰۰ پوند در سال داشته باشند، به صورت خود کار عضومی شوند؛
- کارمندان حق بیمه‌ای حدود ۴ درصد عایدی خود پرداخت می‌کنند؛
- حق بیمه کارمندان با ۳ درصد حق بیمه کارفرما و حدود ۱ درصد بخشودگی مالیاتی از دولت همراه می‌شود؛
- دامنه درآمد مشمول حق بیمه متناسب با رشد درآمدها افزایش می‌یابد؛
- کارمندان بیشتر از ۲۲ سال و کمتر از سن بازنشستگی مشمول ثبت نام خود کار می‌شوند؛ و
- کارمندان خارج از این محدوده سنی می‌توانند عضویت در این طرح را انتخاب کنند.



تحت این سیستم، که به سیستم پس انداز ملی بازنشستگی<sup>۱</sup> معروف است، هر کارمندی به صورت خود کار در طرح عضویت می‌یابد، مگر اینکه خودش طرح‌های دیگر، مانند طرح مستمری سهامداران، را انتخاب کند و در آن‌ها عضو شود.

نام کشور	طرح‌های پوشش بخش غیررسمی	ویژگی‌های طرح
بنگلادش	نظام مساعدت اجتماعی مبتنی بر آزمون وسع	- پوشش شهروندان کم‌درآمد ۶۲ سال به بالا، اما تنها یک عضو از هر خانواری می‌تواند مزایا را دریافت کند.
	طرح بازنشستگی گرامین مبتنی بر حساب‌های انفرادی	- تمام وام‌گیرندگان بانک گرامین ملزم به پس انداز یک مقدار حداقلی در هر ماه در حساب اندوخته فردی بازنشستگی خود هستند. - نرخ بهره تضمین شده برای سپرده‌های یک تا سه ساله ۸ درصد، برای سپرده‌های سه تا پنج ساله ۱۰ درصد و برای سپرده‌های بیشتر از پنج سال ۱۲ درصد است.

△ جدول ۵. تجربه برخی کشورها در حمایت اجتماعی شاغلین بخش غیررسمی اقتصاد

نام کشور	طرح های پوشش بخش غیررسمی	ویژگی های طرح
شیلی	نظام مستمری حقیبمه معین مبتنی بر حساب های انفرادی	- خویش فرمایانی که تحت پوشش نظام مستمری نبودند ظرف مدت ۷ سال پس از اصلاحات سال ۲۰۰۸ باید به نظام حساب های بازنشستگی انفرادی ملحق شوند.
	طرح های شخصی اختیاری مبتنی بر حساب های انفرادی	- توسط نهادهای مالی، صندوق های مشترک و بانک ها و مانند آن ها ارائه می شوند. - مقدار و چگالی پرداخت حقیبمه برای سازگاری با نیاز گروه های مختلف انعطاف پذیر است.
	پرداخت یارانه ای ماهانه به کارگران کم درآمد جوان	- برای کسانی که درآمدی کمتر از ۱/۵ برابر حداقل دستمزد دارند و بین سنین ۱۸ و ۳۵ سال هستند. - پرداخت به مدت ۲۴ ماه اول اشتغال آن ها در بخش رسمی به منظور ترویج مشارکت در بخش رسمی.
	سیستم بازنشستگی منسجم	- جایگزین مستمری های مبتنی بر آزمون وسع و حداقل مستمری تضمینی با دو نوع مزایای مستمری برای جمعیت کم درآمد ۶۵ ساله و بیشتر.
چین	طرح مساعدت اجتماعی	- تأمین حداقل درآمد برای اقشار فقیر.
	نظام بازنشستگی چین	- مشارکت برای هر دو بخش رسمی و غیررسمی اجباری است. - با توجه به نرخ تمکین پایین و نبود مقررات سخت و سفت، مشارکت کارکنان بخش غیررسمی محدود است. - در تعدادی از استان ها برای تشویق مشارکت شرایط منعطف تری به کار بسته شده است.
	ترتیبات بازنشستگی شغلی (سالیانی بنگاه ها)	- مشارکت اختیاری است.
	خرید بیمه عمر	- توسط شرکت های بیمه ارائه می شود. - نهاد تنظیم گر بیمه ای شرکت های بیمه را به ارائه محصولات مناسب برای جمعیت بزرگ روستایی چین تشویق می کند.
	صندوق های بازنشستگی جمعی	- به طور مستقیم شرکت های کوچک و متوسط در چین را هدف قرار می دهند. - نسبت به ترتیبات بازنشستگی شغلی انعطاف پذیرتر هستند، اما معیارهای سختگیرانه تری برای مشارکت دارند.
	سیستم بازنشستگی هند	- شاغلان بخش غیررسمی می توانند در سیستم بازنشستگی اختیاری مشارکت کنند.
هند	طرح های اختیاری خصوصی	- توسط شرکت های بیمه ارائه می شوند. - این طرح ها شامل صندوق آینده نگر عمومی و طرح های بازنشستگی چند صندوقی هستند.
	طرح بازنشستگی ملی	- برای کارمندان دولت مرکزی، که از آغاز سال ۲۰۰۴ مشغول به کار شده اند، اجباری و برای کارمندان ایالتی و دیگر شهروندان هند اختیاری است. - هزینه پایینی دارد. - به صورت کاملاً تأمین اعتبار شده است. - دو حساب دارد: در حساب لایه یک اجازه برداشت زود هنگام قبل از بازنشستگی داده نمی شود، در حالی که حساب لایه دو قابل برداشت بوده و فاقد مشوق های مالیاتی است. - اعضا در سن ۶۰ سالگی مجاز به دریافت مزایای بازنشستگی هستند. - افراد در هنگام بازنشستگی متعهد می شوند که ۴۰ درصد دارایی های انباشته شده را سرمایه گذاری کنند و سالیانی بخرند. دارایی های باقیمانده به شکل یکجا قابل برداشت است.

نام کشور	طرح های پوشش بخش غیررسمی	ویژگی های طرح
کنیا	صندوق آینده نگر عمومی	- کارمندان، بازرگانان، خویش فرمایان و، از سال ۲۰۰۴، برخی کارکنان بخش غیررسمی را پوشش می دهد. - برای تمام کارفرمایان با حداقل ۵ نفر کارکن اجباری است، اما برای سایر اقشار یادشده هم قابل دسترس است. - کارفرمایان ۵ درصد مزد را به عنوان حق بیمه می پردازند و برای آن ها سقف مزد مشمول کسورات تعیین شده است، اما خویش فرمایان با سقف یا کف درآمد مشمول کسورات مواجه نیستند و ۵ درصد عایدی ماهانه خود را به عنوان حق بیمه پرداخت می کنند.
	طرح های خصوصی مبتنی بر حساب های انفرادی	- به صورت حق بیمه معین هستند. - عمدتاً توسط شرکت های بیمه ارائه می شوند.
	ایجاد لایه صفر تأمین اجتماعی	- حداقل مستمری همگانی را به افراد بیش از ۶۵ سال ارائه می کند.
افریقای جنوبی	سیستم بازنشستگی عمومی	- مستمری سالمندی غیرمشارکتی مبتنی بر آزمون وسیع را ارائه می دهد. - به وسیله درآمدهای عمومی تأمین مالی می شود. - مستمری به زنان ۶۰ ساله و مردان ۶۵ ساله قابل پرداخت است.
	سالیانی بازنشستگی (ابزارهای پس انداز اختیاری)	- توسط شرکت های بیمه ارائه می شوند. - مشوق های مالیاتی جهت تشویق کارمندان بخش غیررسمی به پس انداز بازنشستگی وجود دارد.
	صندوق پس انداز ملی	- حق بیمه ها انعطاف پذیرتر و شرایط برای برداشت آسان گیرانه تر است.
انگلستان	صندوق مستمری پایه دولتی	- خویش فرمایان، در صورتی که ۳۰ سال در سیستم مشارکت کنند و به سن بازنشستگی (یعنی ۶۵ سال برای مردان و ۶۰ سال برای زنان) برسند، مشمول صندوق مستمری پایه دولتی می شوند.
	ترتیبات بازنشستگی شخصی	- مشارکت اختیاری است.
	صندوق های سهامداران	- از انواع طرح های خصوصی هستند که از طریق قرارداد بین بیمه شده و ارائه کننده خدمت عضویت انجام می شود. - ارائه کننده غالباً شرکت های بیمه یا نهادهای سرمایه گذاری هستند. - عضویت در این صندوق ها تقریباً برای همه ممکن است، مثلاً شاغلان، کارگران با قرارداد ثابت، خویش فرمایان، و کسانی که مشغول به کار نیستند، اما می توانند حق بیمه بپردازند. - در این صندوق ها محدودیت سقف حق بیمه وجود ندارد. - حق بیمه می تواند به صورت هفتگی یا ماهانه یا حتی یکجا پرداخت شود.
	سیستم پس انداز ملی بازنشستگی	- عضویت خودکار مبتنی بر حساب های شخصی: افراد، اگر درآمدی بالاتر از ۵۰۰۰ پوند در سال داشته باشند، به صورت خودکار عضو می شوند.
	اعتبار مستمری	- به منظور کمک به مستمری بگیران کم درآمد؛ - شامل اعتبار تضمینی مبتنی بر آزمون وسیع و اعتبار پس اندازی.

۵. ادامه جدول ۵.

از آنجایی که رابطه بین اندازه بخش غیررسمی و مشارکت در صندوق‌های تأمین اجتماعی یک رابطه منفی است، اجرای سیاست‌هایی برای انتقال بخش غیررسمی به بخش رسمی اقتصاد می‌تواند به افزایش منابع صندوق‌ها منجر شود. از طرفی چون وجود بخش غیررسمی در هر کشوری اجتناب‌ناپذیر است و همواره تعدادی از افراد در این بخش فعالیت می‌کنند، سیاست‌هایی نیاز است که با وجود بخش غیررسمی هم بتوان افراد را به مشارکت در صندوق‌ها تشویق کرد. به همین دلیل، بسیاری از کشورها سیاست‌هایی را اجرا می‌کنند تا کارکنان بخش غیررسمی بتوانند در صندوق‌های تأمین اجتماعی مشارکت کنند. در ادامه، برخی اقدامات و سیاست‌ها برای گسترش بخش رسمی ارائه شده است. باید توجه داشت که طراحی سیاست‌های ابتکاری و خلاقانه، متناسب با ویژگی‌های بخش غیررسمی هر کشور، می‌تواند در رسمی‌سازی این بخش بیشتر مفید واقع شود.

نگاهی به تجارب کشورها نشان از تنوع این سیاست‌ها در کشورهای مختلف دارد. به‌عنوان مثال، در غنا پس از بررسی عوامل مؤثر بر بخش غیررسمی و تحلیل داده‌ها مشخص شد که کارگران مسن‌تر، مجرد، تحصیل کرده و با درآمد بالا با احتمال بیشتری در صندوق‌های بازنشستگی مشارکت می‌کنند. در این کشور سیاست گسترش آموزش عمومی به‌منظور افزایش مشارکت در صندوق‌های تأمین اجتماعی به‌کار بسته شد (آدزوالا، ۲۰۱۵). با توجه به تعداد زیاد جمعیت سالخورده در کشورهای آسیایی، بسیاری از این کشورها نرخ تخفیف بالاتری را برای حق بیمه فائل شدند تا بدین طریق مشارکت در صندوق‌ها را تشویق و با خطر فقر در سنین بالا مقابله کنند (مک کلر، ۲۰۰۹). در امریکای لاتین کارکردن در بخش غیررسمی و یا شرکت‌های کوچک و همچنین، فعالیت به‌عنوان خویش‌فرما عواملی بودند که مشارکت در صندوق‌ها را کاهش می‌دادند. بنابراین، بهبود بازار کار در دستور سیاست‌گذاری‌های این کشورها قرار گرفت (توئستا، ۲۰۱۴). در اروگوئه با اصلاح سیستم مراقبت‌های بهداشتی و تبدیل استخدام کارگران بخش خصوصی با حداقل یک کودک و افرادی که بچه ندارند به استخدام رسمی به ترتیب در حدود ۱/۱ و ۱/۳ درصد تغییر در نرخ غیررسمی اتفاق افتاد. علاوه بر آن، این اصلاحات به‌طور متوسط احتمال کار در بخش غیررسمی را ۵

1- Adzwalla

2- McKeller

3- Tuesta



درصد کاهش داد (فرولیک، ۲۰۱۴).

به طور کلی، برخی از مهم ترین سیاست ها و استراتژی هایی که می توانند در گذار از بخش غیررسمی به رسمی مؤثر واقع شوند عبارت اند از:

• **بهبود وضعیت بازار کار:** ایجاد فرصت های شغلی در بخش رسمی و کاهش بیکاری، به عنوان یکی از عوامل اصلی اثرگذار بر رشد بخش غیررسمی، در کاهش اندازه بخش غیررسمی مؤثرند.

• **بهبود فضای کسب و کار:** ایجاد امنیت و ثبات اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار می توانند عوامل مهمی برای ترغیب افراد به حضور در بخش های رسمی و قانونی اقتصاد باشند (شکیبایی و شادمانی، ۱۳۹۱). همچنین، کاهش قوانین دست و پاگیر و هزینه های شروع یک کسب و کار انگیزه را برای ثبت رسمی شرکت ها و فعالیت ها افزایش می دهد.

• **کاهش محدودیت های تجاری:** یکی از راهکارهای پیشگیری از فعالیت های غیررسمی در جهان کاهش محدودیت های قانونی است. محدودیت های تجاری در کشورهای در حال توسعه یکی از عوامل اصلی گسترش قاچاق کالا است. با کاهش محدودیت های تجاری از قبیل سهمیه بندی ها، تعرفه های بالا و غیره می توان از طریق کاهش هزینه فعالیت های رسمی از حجم فعالیت های قاچاق و غیررسمی کاست.

• **اجرای کارای مالیات بر ارزش افزوده:** اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده (VAT) با نرخ هایی که مشوق فعالیت در بخش های رسمی هستند به عنوان منبع درآمدهای دولت از اهمیت زیادی برخوردار است. انتظار بر این است که با اجرای صحیح این نوع مالیات فعالیت های اقتصادی در بخش رسمی تشویق شوند (ابریشمی و مهر آرا، ۱۳۸۶).

• **مهار تورم:** با افزایش تورم افراد زیادی زیر خط فقر قرار می گیرند که این افراد ممکن است برای تأمین معاش خود به فعالیت های زیرزمینی روی آورند. بنابراین، یکی از اثرات پنهان تورم افزایش اندازه بخش غیررسمی است. کاهش تورم با اعمال سیاست های پولی مناسب و تقویت سمت عرضه از طریق افزایش بازدهی تولید یکی از راه های برخورد با گسترش بخش غیررسمی است.





• **رشد در آمد سرانه:** مطابق با ادبیات اقتصاد غیررسمی، رشد در آمد سرانه اثر دوگانه‌ای بر بخش غیررسمی دارد. لذا، سیاست‌های تقویت‌کننده رشد تولید ناخالص داخلی می‌توانند اندازه بزرگ‌تر بخش غیررسمی را هم به همراه داشته باشند. از این رو، سیاست‌گذاران باید، به موازات طراحی و اجرای چنین سیاست‌هایی، در پی خنثی‌ساختن این اثر ناخواسته باشند یا آن گروه از سیاست‌های انبساطی (همانند کاهش نرخ مالیات) را تجویز نمایند که بر بخش غیررسمی اثر انقباضی داشته باشد (عرب مازار، ۱۳۸۰).

• **اجتناب از جهش در بار مالیاتی:** از آنجایی که افزایش ناگهانی بار مالیاتی موجب رشد بخش غیررسمی می‌شود، باید توجه کرد که سیاست افزایش نرخ مالیات در کشورها به صورت تدریجی اجرا شود (ابونوری و نیک‌پور، ۱۳۹۳).

• **قوانین و نظارت دولت:** در بسیاری از موارد، به‌ویژه در موارد مربوط به جرایم اقتصادی، بهبود سیستم انتظامی برای مبارزه با گسترش اقتصاد زیرزمینی توصیه می‌شود. این امر از طریق کنترل و نظارت بیشتر همگام با اصلاح برخی از مقررات و قوانین میسر می‌گردد. حضور سیستم انتظامی کارآمد هزینه حضور در فعالیت‌های غیررسمی را افزایش می‌دهد و، از این طریق، به کاهش عملیات مجرمانه و جرایم اقتصادی منجر می‌شود (شکیبایی و شادمانی، ۱۳۹۱). همچنین، بازرسی‌های ناگهانی و اعمال جریمه‌های فزاینده در صورت کشف تخلف از جمله سیاست‌های تنبیهی به کاررفته توسط کشورها برای مبارزه با فعالیت در بخش غیررسمی است.

## ۴- توصیه‌نامه ۲۰۴ در خصوص گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی (پذیرفته شده در جلسه صدوچهارم کنفرانس ژنو، ۱۲ ژانویه، ۲۰۱۵)

مجمع عمومی سازمان بین‌المللی کار با تشکیل یک‌صدوچهارمین جلسه خود در ۱ ژانویه ۲۰۱۵ توسط هیئت حاکمه اداره بین‌المللی کار در ژنو، و ضمن به رسمیت شناختن این موضوع که شیوع بالای اقتصاد غیررسمی در همه ابعادش چالش مهمی برای حقوق کارگران - شامل اصول و حقوق بنیادین کار - و حمایت اجتماعی، شرایط کار شایسته، توسعه فراگیر و حاکمیت قانون محسوب می‌شود و بر ایجاد شرکت‌های پایدار، درآمدهای عمومی و دامنه فعالیت دولت به ویژه در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، کیفیت نهادها و رقابت منصفانه در بازارهای ملی و بین‌المللی اثر منفی دارد، و

با تأیید این موضوع که بیشتر افراد، نه به انتخاب خود، بلکه در نتیجه کمبود فرصت در اقتصاد رسمی و نبود سایر ابزارهای معیشت به اقتصاد غیررسمی وارد می‌شوند، و

ضمن یادآوری این مسئله که ضعف شرایط کار شایسته - عدم رعایت حقوق کار، نبود فرصت‌های کافی برای اشتغال با کیفیت، عدم کفایت حمایت‌های اجتماعی و نبود گفتگوی اجتماعی - در اقتصاد غیررسمی زیاد است، و

با پذیرش این موضوع که فعالیت در اقتصاد غیررسمی به چند دلیل، از جمله مسائل حکمرانی و ساختاری، انجام می‌شود و سیاست‌های عمومی در بستر گفتگوی اجتماعی می‌توانند منجر به تسریع فرایند انتقال به اقتصاد رسمی شوند، و



باعنایت به اعلامیه فیلادلفیا<sup>۱</sup> (۱۹۴۴)، اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۲</sup> (۱۹۴۸)، اعلامیه سازمان بین‌المللی کار در خصوص اصول و حقوق بنیادین کار<sup>۳</sup> و تکمله‌اش (۱۹۹۸)، و اعلامیه سازمان بین‌المللی کار درباره عدالت اجتماعی برای جهانی‌سازی منصفانه<sup>۴</sup> (۲۰۰۸)، و

با تصدیق مجدد هنجارهای هشت معاهده بنیادین سازمان بین‌المللی کار و سایر استانداردهای کار بین‌المللی و ابزارهای سازمان ملل مربوطه، که در پیوست فهرست شده‌اند، و

با تأکید دوباره بر تصمیمات و نتیجه‌گیری‌های مربوط به کار شایسته و اقتصاد غیررسمی، که در نودمین فصل کنفرانس بین‌المللی کار (۲۰۰۲) پذیرفته شد، و سایر تصمیمات و جمع‌بندی‌هایی که در پیوست آمده‌اند، و

ضمن اجماع در خصوص این موضوع که گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی برای دستیابی به توسعه پایدار و به رسمیت شناختن کار شایسته برای همگان ضروری است، و

با تأکید بر ضرورت اتخاذ اقدامات سریع و مناسب توسط اعضا جهت فراهم کردن شرایط گذار برای کارگران و واحدهای اقتصادی از اقتصاد غیررسمی به رسمی و، در عین حال، تضمین حفظ و بهبود سطح معیشت موجود در طول گذار، و

با تصریح بر این مسئله که سازمان‌های کارفرمایی و کارگری نقشی مهم و فعال در تسهیل گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی دارند، و

ضمن تصمیم‌گیری در خصوص تصویب پیشنهادهای ویژه برای گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی، که پنجمین مورد در دستور کار این جلسه بود، و

با تصمیم به اینکه این پیشنهادات باید به شکل توصیه‌نامه تهیه شوند،

توصیه‌نامه حاضر را در روز دوازدهم ژانویه سال ۲۰۱۵ تصویب کرد که باید از آن با عنوان توصیه‌نامه گذار از اقتصاد غیررسمی به رسمی یاد شود.

---

1- Declaration of Philadelphia

2- Universal Declaration of Human Rights

3- Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work

4- Declaration on Social Justice for a Fair Globalization

۱. این توصیه‌نامه به اعضا در خصوص موارد زیر رهنمودهایی ارائه می‌دهد:

(الف) تسهیل گذار کارگران و واحدهای اقتصادی از اقتصاد غیررسمی به رسمی، ضمن رعایت حقوق بنیادین کارگران و تضمین فرصت‌هایی برای امنیت درآمدی، معیشت و کارآفرینی؛

(ب) ارتقای خلاقیت، حفظ و تثبیت بنگاه‌ها و مشاغل شایسته در اقتصاد رسمی و انسجام‌بخشی به سیاست‌های اقتصاد کلان، اشتغال، حمایت اجتماعی و دیگر سیاست‌های اجتماعی؛ و

(ج) جلوگیری از غیررسمی‌سازی مشاغل اقتصاد رسمی.

۲. در راستای اهداف این توصیه‌نامه، واژه «اقتصاد غیررسمی»:

(الف) به تمامی فعالیت‌های اقتصادی کارگران و واحدهای اقتصادی اشاره دارد که در قانون یا در عمل تحت پوشش تشکیلات رسمی قرار نمی‌گیرند و یا به‌طور ناقص تحت پوشش آنها هستند؛ و

(ب) فعالیت‌های نامشروع، به‌طور ویژه، ارائه خدمات یا تولید، فروش، مالکیت یا مصرف کالاهای ممنوعه در قانون، از جمله تولید و مبادله غیرقانونی داروها، ساخت و مبادله نامشروع سلاح گرم، قاچاق انسان و پولشویی، آن‌گونه که در پیمان‌های بین‌المللی مربوطه تعریف شده‌اند، را شامل نمی‌شود.

۳. در جهت اهداف این توصیه‌نامه، «واحدهای اقتصادی» در اقتصاد غیررسمی شامل موارد زیر می‌شوند:

(الف) واحدهایی که نیروی کار استخدام‌شده را به کار می‌گیرند؛

(ب) واحدهایی که تحت مالکیت افرادی قرار دارند که چه به‌تنهایی و چه به کمک کارگرهای خانوادگی برای خودشان کار می‌کنند؛ و

(ج) شرکت‌های تعاونی و واحدهای اقتصادی مسئولیت مشترک و اجتماعی<sup>۱</sup>.

1- Social and Solidarity Economy Units:

Solidarity economy یا اقتصاد همبستگی (مسئولیت مشترک) مبتنی بر تلاش‌هایی است که از طریق کسب و کارهای محلی و فعالیت‌های غیرانتفاعی به دنبال افزایش کیفیت زندگی یک منطقه یا جامعه هستند.

۴. این توصیه‌نامه بر همه کارگران و واحدهای اقتصادی - از جمله بنگاه‌ها، کارآفرینان و خانوارها - در اقتصاد غیررسمی اعمال می‌شود، به‌طور ویژه:

(الف) افرادی در اقتصاد غیررسمی که مالک واحدهای اقتصادی هستند و در آنها فعالیت می‌کنند، از جمله:

۱. کارگران خویش‌فرما؛
۲. کارفرمایان؛ و
۳. اعضای شرکت‌های تعاونی و واحدهای اقتصادی مسئولیت مشترک و اجتماعی؛

(ب) کارگران خانوادگی، صرف‌نظر از اینکه در واحدهای اقتصادی رسمی یا غیررسمی مشغول به کارند؛

(ج) کارمندانی که در یا برای بنگاه‌های رسمی، در یا برای واحدهای اقتصادی غیررسمی مشاغل غیررسمی را برعهده دارند شامل، و نه محدود به، مقاطعه‌کاران و افراد در زنجیره‌های عرضه، یا کارمندانی که به‌صورت کارگران داخلی مزد و حقوق‌بگیر در استخدام خانوارها هستند؛ و

(د) کارگران مشغول در روابط شغلی تعریف‌نشده یا تنظیم‌نشده.

۵. کار غیررسمی ممکن است در تمام بخش‌های اقتصاد، اعم از بخش‌های عمومی و خصوصی، دیده شود.

۶. در راستای عملیاتی کردن بندهای ۲ تا ۵ و نظر به تنوع اقتصاد غیررسمی در ایالت‌های عضو، مقام دارای صلاحیت باید ماهیت و حدود اقتصاد غیررسمی، به‌صورتی که در این توصیه‌نامه توصیف شده است، و ارتباطش با اقتصاد رسمی را تعیین کند. برای این منظور، مقام دارای صلاحیت باید از مکانیسم‌های سه‌جانبه با مشارکت کامل سازمان‌های کارفرمایی و کارگری نماینده بهره‌بردار، که باید، مطابق با تجربه ملی، نمایندگان سازمان‌های مبتنی بر عضو کارگران و واحدهای اقتصادی در اقتصاد غیررسمی را شامل شوند.



۷. اعضا باید در طراحی استراتژی‌های منسجم و یکپارچه برای تسهیل انتقال به اقتصاد رسمی موارد زیر را در نظر داشته باشند:

(الف) تنوع ویژگی‌ها، شرایط و نیازهای کارگران و واحدهای اقتصادی در اقتصاد غیررسمی، و ضرورت لحاظ این تنوع با استفاده از رهیافت‌های مناسب؛

(ب) شرایط، قانون‌گذاری، سیاست‌ها، تجارب و اولویت‌های ویژه ملی برای انتقال به اقتصاد رسمی؛

(ج) این واقعیت که می‌توان استراتژی‌های متفاوت و چندگانه‌ای را برای تسهیل گذار به اقتصاد رسمی به کار برد؛

(د) ضرورت انسجام و هماهنگی در طیف گسترده‌ای از حوزه‌های سیاستی در تسهیل گذار به اقتصاد رسمی؛

(ه) ارتقای مؤثر و رعایت حقوق بشر برای همهٔ کسانی که در اقتصاد غیررسمی فعالیت می‌کنند؛

(و) تحقق کار شایسته برای همه از طریق رعایت اصول و حقوق بنیادین کار هم در قانون و هم در عمل؛

(ز) استانداردهای کار بین‌المللی روزآمد که در حوزه‌های سیاستی خاص راهنما هستند (به پیوست مراجعه شود)؛

(ح) ارتقای برابری جنسیتی و عدم تبعیض؛

(ط) ضرورت توجه ویژه به کسانی که به‌طور جدی در معرض بیشترین کمبودهای مربوط به کار شایسته در اقتصاد غیررسمی هستند، شامل، اما نه محدود به، زنان، جوانان، مهاجران، سالمندان، مردم بومی و قبیله‌ای، افراد مبتلا به ویروس HIV یا تحت تأثیر آن یا ایدز، افراد معلول، کارگران داخلی و کشاورزان معیشتی؛

(ی) حفظ و گسترش پتانسیل کارآفرینی، خلاقیت، پویایی، مهارت‌ها و ظرفیت‌های نوآورانهٔ کارگران و واحدهای اقتصادی غیررسمی در خلال انتقال به اقتصاد رسمی؛

۱- Subsistence Farmers: کشاورزی معیشتی نوعی نظام زراعت خودکفایی است که در آن کشاورز به دنبال پرورش غذا برای خود و تمام خانواده‌اش است. در این شرایط، غالباً محصول تولیدی صرف نیازهای محلی می‌شود و مقدار کمی برای فروش باقی می‌ماند یا اصلاً چیزی باقی نمی‌ماند.

(ک) نیاز به رهیافتی متوازن که انگیزه‌ها را با اقدامات تمکینی ترکیب کند؛ و  
(ل) ضرورت جلوگیری و تحریم اجتناب تعمدی، یا خروج، از اقتصاد رسمی به  
هدف فرار از پرداخت مالیات و عمل به قوانین و مقررات کار و اجتماعی.

## ۳-۴- چهارچوب قانونی و سیاستی

۸. اعضا باید ارزیابی و تشخیص مناسبی از مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها، علل و شرایط فعالیت در اقتصاد غیررسمی در بستر ملی انجام دهند تا از این طریق دانش کافی را برای طراحی و اجرای قوانین و مقررات، سیاست‌ها و سایر اقدامات جهت تسهیل گذار به اقتصاد رسمی ارائه دهند.

۹. اعضا باید برای تضمین پوشش و ارائه حمایت مناسب به تمام گروه‌های نیروی کار و واحدهای اقتصادی قوانین و مقررات ملی یا سایر اقدامات را اتخاذ، بازنگری و اجرا کنند.

۱۰. اعضا باید اطمینان حاصل کنند که چهارچوب سیاستی یکپارچه‌ای برای تسهیل گذار به اقتصاد رسمی، با توجه به نقش سطوح مختلف دولت، در استراتژی‌ها یا برنامه‌های توسعه ملی و، همچنین، استراتژی‌های کاهش فقر و بودجه‌های سالانه لحاظ می‌شود.

۱۱. این چهارچوب سیاستی یکپارچه باید موارد زیر را در نظر داشته باشد:

(الف) ارتقای استراتژی‌هایی برای توسعه پایدار، ریشه‌کنی فقر و رشد فراگیر، و ایجاد مشاغل شایسته در اقتصاد رسمی؛

(ب) ایجاد چهارچوب قانونی و تنظیمی مناسب؛

(ج) ترویج محیط کسب و کار و سرمایه‌گذاری مشوق؛

(د) رعایت، ارتقای بخشی و به رسمیت شناختن اصول و حقوق بنیادین کار؛

(ه) ساماندهی و نمایندگی دادن به کارفرمایان و کارگران برای بهبود گفتگوی اجتماعی؛

(و) ارتقای برابری و حذف تمام انواع تبعیض‌ها و خشونت‌ها، شامل خشونت‌های جنسیتی در محل کار؛

(ز) ترویج کارآفرینی، بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط و سایر اشکال الگوهای کسب و کار و واحدهای اقتصادی، نظیر تعاونی‌ها و دیگر واحدهای اقتصادی



مسئولیت مشترک و اجتماعی؛

(ح) دسترسی به تحصیلات، آموزش دوران زندگی و توسعه مهارت‌ها؛

(ط) دسترسی به خدمات مالی، به‌عنوان نمونه از طریق چهارچوب تنظیمی ترویج‌گر بخش مالی فراگیر؛

(ی) دسترسی به خدمات کسب و کار؛

(ک) دسترسی به بازارها؛

(ل) دسترسی به زیرساخت‌ها و تکنولوژی؛

(م) ارتقای سیاست‌های بخشی؛

(ن) ایجاد کف حمایت اجتماعی در اقتصادهایی که کف حمایت اجتماعی ندارند و توسعه پوشش تأمین اجتماعی؛

(س) ترویج استراتژی‌های توسعه محلی، اعم از شهری و روستایی، شامل دسترسی کنترل‌شده برای استفاده از فضای عمومی و دسترسی قاعده‌مند به منابع طبیعی عمومی برای حفظ معیشت؛

(ع) سیاست‌های مؤثر امنیت شغلی و سلامت؛

(ف) بازرسی‌های مؤثر و کارآمد نیروی کار؛

(ص) امنیت درآمدی، شامل سیاست‌های حداقل مزدی که به‌طور مناسب طراحی شده‌اند؛

(ق) دسترسی مؤثر به عدالت؛ و

(ر) مکانیسم‌های همکاری بین‌المللی.

۱۲. اعضا باید هنگام طراحی و اجرای چهارچوب سیاستی یکپارچه هماهنگی بین سطوح مختلف دولت و همکاری بین بخش‌ها و مسئولین مربوطه نظیر مقامات مالیاتی، نهادهای تأمین اجتماعی، بخش بازرسی نیروی کار<sup>۱</sup>، مقامات گمرکی، مؤسسات مهاجرت و خدمات اشتغال و سایر نهادهای مرتبط، بسته به شرایط ملی، را تضمین کنند.

---

۱ - Labour Inspectorates: بخش بازرسی نیروی کار برای نظارت شرایط اشتغال و حصول اطمینان از وجود استانداردهای حداقل در محل کار و تحقق الزامات قانون اشتغال ایجاد می‌شود.

۱۳. اعضا باید به اهمیت حفاظت از فرصت‌های کارگران و واحدهای اقتصادی برای تضمین امنیت درآمدی در جریان گذار به اقتصاد رسمی از طریق فراهم کردن ابزارهایی برای آنها جهت به رسمیت شناختن اموال موجودشان و، همچنین، رسمی‌سازی حقوق مالکیت و دسترسی به زمین واقف باشند.

## ۴-۴ - سیاست‌های اشتغال

۱۴. در راستای هدف ایجاد مشاغل باکیفیت در اقتصاد رسمی، اعضا باید یک سیاست اشتغال ملی را مطابق با مقاله‌نامه سیاست اشتغال<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۴ (مقاله‌نامه شماره ۱۲۲) طراحی و اجرا کنند، و ایجاد اشتغال کامل، شایسته، مولد و آزادانه را هدف اصلی برنامه یا استراتژی رشد و توسعه ملی خود قرار دهند.

۱۵. اعضا باید اجرای چهارچوب سیاست اشتغال جامع را مبتنی بر مشورت‌های سه‌گانه ارتقا بخشند که این سیاست شامل موارد زیر است:

(الف) سیاست‌های اقتصاد کلان اشتغال محور که تقاضای کل، سرمایه‌گذاری مولد و تحولات ساختاری را حمایت می‌کند، کسب و کارهای پایدار را ارتقا می‌بخشد، از اعتماد تجاری حمایت می‌کند، و نابرابری‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد؛

(ب) سیاست‌های بازرگانی، صنعتی، مالیاتی، بخشی و زیرساختی که اشتغال را افزایش می‌دهند، سبب بهبود بهره‌وری می‌شوند و فرایند تحولات ساختاری را تسهیل می‌کنند؛

(ج) سیاست‌های مربوط به کسب و کار که مشاغل پایدار را افزایش می‌دهند و، به‌ویژه، شرایط را برای ایجاد محیطی مساعد بهبود می‌دهند، با توجه به تصمیمات و نتیجه‌گیری‌های مربوط به ارتقای کسب و کار پایدار، که در نودوششمین جلسه کنفرانس بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۷ مورد پذیرش قرار گرفت، که شامل حمایت از بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط و کار آفرینی، و تدوین مقررات شفاف و قابل فهم که به‌خوبی طراحی شده‌اند برای تسهیل رسمی‌سازی و رقابت منصفانه می‌شود؛

(د) نهادها و سیاست‌های بازار کار برای کمک به خانوارهای کم‌درآمد جهت گریز از فقر و دستیابی به اشتغال آزادانه، مانند سیاست‌های دستمزدی شامل حداقل مزد که به‌طور مناسبی طراحی و اتخاذ می‌شوند، طرح‌های حمایت اجتماعی شامل

پرداخت‌های انتقالی نقدی، ضمانت‌ها و برنامه‌های اشتغال عمومی، و بهبود شمول و ارائه خدمات اشتغال به کسانی که در اقتصاد غیررسمی فعالیت دارند؛

(ه) سیاست‌های مهاجرت نیروی کار که نیازهای بازار کار را در نظر می‌گیرد و کار شایسته و حقوق کارگران مهاجر را ارتقا می‌بخشد؛

(و) سیاست‌های گسترش تحصیلات و مهارت که از یادگیری مادام‌العمر حمایت می‌کند، به نیازهای در حال رشد بازار کار و فناوری‌های جدید پاسخ می‌گوید، و آموزش‌های قبلی که به‌عنوان مثال از نظام‌های کارآموزی غیررسمی حاصل شده‌اند را به رسمیت می‌شناسد و، از این طریق، به گسترش گزینه‌های اشتغال رسمی می‌انجامد؛

(ز) اقدامات جامع فعال‌سازی برای تسهیل گذار جوانان از مدرسه به محل کار، به‌ویژه برای محرومین، مانند طرح‌های ضمانت جوانان<sup>۱</sup> برای دستیابی به آموزش و اشتغال مولد مستمر؛

(ح) اقداماتی برای افزایش گذار از بیکاری یا غیرفعالی به کار، به‌ویژه برای بیکاران بلندمدت، زنان و سایر گروه‌های محروم؛ و

(ط) نظام‌های اطلاعات بازار کار مناسب، در دسترس و به‌نگام.

---

## ۴-۵- حقوق و حمایت اجتماعی

۱۶. اعضا باید اقداماتی را برای تحقق کار شایسته و رعایت، ارتقا و به‌رسمیت‌شناختن اصول و حقوق بنیادین کار برای شاغلین در اقتصاد غیررسمی اتخاذ کنند، از جمله:

(الف) آزادی انجمن و به‌رسمیت‌شناختن مؤثر حق چانه‌زنی جمعی؛

(ب) از بین بردن تمامی اشکال کار اجباری؛

(ج) براندازی مؤثر کار کودک؛ و

(د) حذف تبعیض در ارتباط با اشتغال و مشاغل.

---

۱- Youth Guarantee Schemes: ضمانت جوانان تعهدی بین کشورهای اتحادیه اروپاست تا اطمینان حاصل شود همه جوانان کمتر از ۲۵ سال به‌طور مناسبی به اشتغال، آموزش مستمر، کارآموزی و مهارت‌آموزی در یک دوره چهارماهه پس از بیکاری یا فارغ‌التحصیلی دسترسی می‌یابند. تمام کشورهای اتحادیه اروپا متعهد به اجرای این طرح‌ها هستند.

## ۱۷. اعضا باید:

(الف) برای مواجهه با شرایط کار ناامن و ناسالم، که غالباً در مشاغل اقتصاد غیررسمی وجود دارد، اقداماتی فوری انجام دهند؛ و

(ب) ایمنی شغلی و حمایت درمانی را برای کارفرمایان و کارگران شاغل در اقتصاد غیررسمی بهبود و گسترش دهند.

۱۸. اعضا باید در طی گذار به اقتصاد رسمی به تدریج تأمین اجتماعی، حمایت‌های مربوط به مادران، شرایط کار شایسته و حداقل مزدی که نیازهای کارگران و مؤلفه‌های مربوطه شامل، و نه محدود به، هزینه زندگی و سطح عمومی دستمزدها در کشور را مورد توجه قرار می‌دهد را، به صورت قانونی و عملی، به تمام نیروی کار شاغل در اقتصاد غیررسمی بسط دهند.

۱۹. اعضا باید در ایجاد و حفظ کف‌های حمایت اجتماعی ملی درون نظام تأمین اجتماعی‌شان و تسهیل گذار به اقتصاد رسمی توجه ویژه‌ای به نیازها و وضعیت شاغلین در اقتصاد غیررسمی و خانواده‌هایشان داشته باشند.

۲۰. اعضا باید در طول گذار به اقتصاد رسمی به تدریج پوشش بیمه‌های اجتماعی را به شاغلین در اقتصاد غیررسمی تعمیم دهند و، در صورت ضرورت، فرایندهای اجرایی، مزایا و کسورات را با در نظر گرفتن ظرفیت مشارکتشان تعدیل کنند.

۲۱. اعضا باید ارائه و دسترسی به مراقبت از کودکان و سایر خدمات مراقبت را به منظور ترویج عدالت جنسیتی در فرصت‌های اشتغال و کارآفرینی و ایجاد امکان برای گذار به اقتصاد رسمی تشویق کنند.

## ۴-۶- انگیزه‌ها، تمکین و اجرا

۲۲. اعضا باید اقدامات مناسبی، شامل ترکیبی از اقدامات پیشگیرانه، اجرای قانون و تحریم‌های (مجازات) مؤثر، اتخاذ کنند تا با فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت کسورات تأمین اجتماعی، مقررات و قوانین کار مقابله کنند. هر انگیزه‌ای باید به تسهیل گذار مؤثر و به موقع از اقتصاد غیررسمی به رسمی مربوط باشد.

۲۳. اعضا باید موانع گذار به اقتصاد رسمی را، هر جا که مناسب است، کاهش دهند و اقداماتی را برای ترویج مبارزه با فساد و حکمرانی خوب اتخاذ کنند.

۲۴. اعضا باید از طریق بهبود دسترسی به خدمات کسب و کار، تأمین مالی، زیرساخت‌ها، بازارها، فناوری، برنامه‌های تحصیلات و مهارت‌ها، و حقوق مالکیت برای گذار مؤثر به اقتصاد رسمی انگیزه ایجاد کنند و مزایای این کار را افزایش دهند.

۲۵. در رابطه با رسمی‌سازی واحدهای اقتصادی خرد و کوچک، اعضا باید:

(الف) شرایط ورود به کسب و کار را از طریق کاهش هزینه‌های ثبت و مدت زمان این فرایند و، همچنین، بهبود دسترسی به خدمات با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اصلاح کنند؛

(ب) هزینه‌های تمکین را از طریق رژیم‌های ساده ارزیابی و پرداخت مالیات و کسورات کاهش دهند؛

(ج) دسترسی به تدارکات عمومی<sup>۱</sup> را مطابق با قوانین ملی شامل قوانین کار از طریق اقداماتی نظیر تعدیل روش و میزان ارائه خدمات، آموزش و مشاوره در مورد مشارکت در مناقصه‌های عمومی، و تخصیص سهم‌هایی برای این واحدهای اقتصادی ترویج کنند؛

(د) دسترسی به خدمات مالی فراگیر، نظیر اعتبار و برابری، خدمات پرداخت و بیمه، پس‌انداز، و طرح‌های ضمانت، متناسب با اندازه و نیاز این واحدهای اقتصادی را بهبود دهند؛

(ه) دسترسی به آموزش‌های کارآفرینی، توسعه مهارت‌ها و خدمات توسعه کسب و کار مناسب را بهبود بخشند؛ و

(و) دسترسی به پوشش تأمین اجتماعی را افزایش دهند.

۲۶. اعضا باید به منظور تضمین تبعیت از قوانین و مقررات ملی، شامل و نه محدود به شناخت و اجرای روابط اشتغال، مکانیسم‌هایی مناسب را ایجاد کنند یا مکانیسم‌های موجود را بازنگری کنند تا گذار به اقتصاد رسمی تسهیل شود.

۲۷. اعضا باید نظام مناسب بازرسی داشته باشند، پوشش بازرسی کار را به منظور حمایت از نیروی کار به همه محل کارها در اقتصاد غیررسمی گسترش دهند، و به‌دنبال اجرای دستورالعمل‌هایی مثلاً در این مورد که چگونه شرایط کار در اقتصاد غیررسمی را مورد توجه قرار دهند ارائه کنند.

۲۸. اعضا باید اقداماتی را برای تضمین ارائه مؤثر اطلاعات، کمک به اجرای قوانین و مقررات مربوطه، و ایجاد ظرفیت برای کنش گران مربوطه انجام دهند.

۲۹. اعضا باید رویه‌های شکایت و تجدیدنظر کارآمد و قابل دسترسی را ایجاد کنند.

۳۰. اعضا باید آمادگی انجام اقدامات اصلاحی مناسب و پیشگیرانه برای تسهیل گذار به اقتصاد رسمی را داشته باشند، و اطمینان حاصل کنند که تحریم‌های اداری، مدنی یا کیفری موجود در قوانین ملی برای عدم تمکین کافی هستند و به‌طور جدی اجرامی شوند.

## ۷-۴- آزادی تشکیل انجمن، گفتگوی اجتماعی و نقش سازمان‌های

### کارفرمایی و کارگری

۳۱. اعضا باید اطمینان حاصل کنند که شاغلین در اقتصاد غیررسمی از آزادی تشکیل انجمن و حق چانه‌زنی جمعی شامل حق تأسیس و، باتوجه‌به قواعد سازمان مورد بررسی، حق پیوستن به سازمان‌ها، فدراسیون‌ها و کنفدراسیون‌ها به انتخاب خود برخوردارند.

۳۲. اعضا بهتر است محیطی مناسب برای کارفرمایان و کارگران ایجاد کنند تا حقوق خود برای شکل‌ها و چانه‌زنی جمعی و مشارکت در گفتگوی اجتماعی را در فرایند گذار به اقتصاد رسمی به اجرا درآورند.

۳۳. سازمان‌های کارفرمایی و کارگری باید عضویت و خدمات خود را به کارگران و واحدهای اقتصادی در اقتصاد غیررسمی گسترش دهند.

۳۴. اعضا در طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با اقتصاد غیررسمی، شامل رسمی‌سازی آن، باید با نمایندگان سازمان‌های کارفرمایی و کارگری مشورت کنند و آنها را به‌صورت فعال مشارکت دهند، که این نمایندگان باید، مطابق با تجربه ملی، نمایندگان سازمان‌های مبتنی بر عضو کارگران و واحدهای اقتصادی در اقتصاد غیررسمی را نیز به فراخور جایگاهشان شامل شوند.

۳۵. اعضا و سازمان‌های کارفرمایی و کارگری ممکن است از اداره بین‌المللی کار برای تقویت ظرفیت سازمان‌های کارفرمایی و کارگری و سازمان‌های نماینده شاغلین در اقتصاد غیررسمی، در صورت وجود، کمک بخواهند تا در راستای تسهیل گذار به اقتصاد رسمی به کارگران و واحدهای اقتصادی در اقتصاد غیررسمی یاری رسانند.

## ۴-۸- گردآوری داده‌ها و نظارت

۳۶. اعضا باید در خصوص مشورت با سازمان‌های کارگری و کارفرمایی به صورت منظم:

(الف) در صورت امکان و به‌طور مناسب، آمارهایی را به تفکیک جنسیت، سن، محل کار، و سایر ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی خاص در مورد اندازه و ترکیب اقتصاد غیررسمی، شامل تعداد واحدهای اقتصادی غیررسمی، تعداد کارکنان شاغل و بخش‌های آنها، گردآوری، تجزیه و تحلیل و منتشر کنند؛ و  
(ب) پیشرفت به سوی رسمی‌سازی را ارزیابی و رصد کنند.

۳۷. اعضا در ایجاد یا بازنگری مفاهیم، تعاریف و روش‌شناسی مورد استفاده در تولید داده‌ها، آمارها و شاخص‌ها باید دستورالعمل‌های مربوطه سازمان بین‌المللی کار - به‌طور ویژه دستورالعمل‌های مربوط به تعریف آماری اشتغال غیررسمی، که در هفدهمین کنفرانس بین‌المللی متخصصان آمار کار در سال ۲۰۰۳ پذیرفته شده است، و نسخه‌های بعدی آنها - را مورد توجه قرار دهند.

## ۴-۹- اجرا

۳۸. اعضا باید الزامات این توصیه‌نامه را در مشورت با سازمان‌های کارگری و کارفرمایی نماینده، که بهتر است، مطابق با تجربه ملی، نمایندگان سازمان‌های مبتنی بر عضو کارگران و واحدهای اقتصادی در اقتصاد غیررسمی به فراخور جایگاهشان را نیز شامل شوند، از طریق یک یا ترکیبی از ابزارهای زیر عملیاتی کنند:

(الف) قوانین و مقررات ملی؛

(ب) توافق‌نامه‌های جمعی؛

(ج) سیاست‌ها و برنامه‌ها؛

(د) هماهنگی مؤثر بین نهادهای دولت و سایر ذی‌نفعان؛

(ه) ایجاد ظرفیت نهادی و تجهیز منابع؛ و

(و) سایر اقدامات متناسب با تجربه و قانون ملی.

۳۹. اعضا باید کارآمدی سیاست‌ها و اقدامات برای تسهیل گذار به اقتصاد رسمی را در مشورت با نمایندگان سازمان‌های کارفرمایی و کارگری، که بهتر است، مطابق با تجربه ملی، نمایندگان سازمان‌های مبتنی بر عضو کارگران و واحدهای اقتصادی در اقتصاد غیررسمی به فراخور جایگاهشان را نیز شامل شوند. به صورت منظم بررسی کنند.

۴۰. اعضا در ایجاد، توسعه، اجرا و بررسی دوره‌ای اقدامات انجام‌شده در راستای تسهیل گذار به اقتصاد رسمی باید دستورالعمل‌های سازمان بین‌المللی کار و سازمان ملل در خصوص اقتصاد غیررسمی، که در پیوست فهرست شده‌اند، را مدنظر قرار دهند.

۴۱. هیچ‌چیز در این توصیه‌نامه نباید به‌عنوان کاهش حمایت‌های ارائه‌شده به شاغلین در اقتصاد غیررسمی از طریق سایر ابزارهای سازمان بین‌المللی کار تفسیر شود.

۴۲. پیوست این توصیه‌نامه ممکن است توسط هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار تجدیدنظر شود. هر پیوست تجدیدنظرشده‌ای، پس از تصویب توسط هیئت‌مدیره، جایگزین پیوست قبلی می‌شود و به اطلاع اعضای سازمان بین‌المللی کار رسانده می‌شود.





## منابع

### منابع فارسی

۱. ابریشمی، حمید، مهرآرا، محسن و هیتی، نازلی. (۱۳۸۶). بررسی واکنش متقارن اقتصاد زیرزمینی به تغییرات مالیات. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۱۸(۲): ۱-۱۸.
۲. ابونوری، اسمعیل و نیک‌پور، عبدالحمید. (۱۳۹۳). اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۷(۴): ۹۰-۱۷.
۳. احمدی، اکبر. (۱۳۸۱). برآوردی از اقتصاد سیاه در ایران با استفاده از منطق فازی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*. ۳: ۱۲۵-۱۴۶.
۴. احمدی، رضا. (۱۳۸۲). *برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران با روش MIMIC*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران.
۵. اسفندیاری، علی اصغر و جمال‌منش، آرش. (۱۳۸۱). اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی. *پژوهشنامه اقتصادی*. ۳(۳): ۴۸-۱۳.
۶. اشرف‌زاده، حمیدرضا و مهرگان، نادر. (۱۳۷۸). تخمین حجم فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی در ایران با استفاده از روش تقاضا برای اسکناس و مسکوک در گردش. *سومین همایش ملی بررسی پدیده قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری از آن*. تهران (آذر ۱۳۷۸).
۷. بایاحیدری، سعید. (۱۳۸۰). *ارزیابی و اندازه‌گیری مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر اشتغال در بخش غیررسمی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
۸. باقری گرامرودی، احمدرضا. (۱۳۷۷). *اقتصاد زیرزمینی، تخمین و آثار آن بر کسری بودجه و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۷۴*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
۹. تقی‌نژاد عمران، وحید و نیک‌پور، معصومه. (۱۳۹۲). اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن: مطالعه موردی ایران. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۸(۴): ۷۲-۵۳.
۱۰. جعفری صمیمی، احمد و اکبری، محسن. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران (۸۸-۱۳۵۷). *اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران*.
۱۱. خلعت‌بری، فیروزه. (۱۳۶۹). اقتصاد زیرزمینی. *مجله رونق*. ۱(۱ و ۲): ۵-۱۱ و ۱۸-۱.



## منابع

۱۲. رئیس جعفری مطلق، رسول. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر تأمین مالی در نظام تأمین اجتماعی، مطالعه موردی: اثر تورم بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده اقتصاد.
۱۳. سلیمی فر، مصطفی و کیوانفر، محمد. (۱۳۸۹). *اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم بر آن*. مجله دانش و توسعه، ۳۳(۴): ۲۷-۱.
۱۴. شکیبایی، علیرضا و رئیس پور، علی. (۱۳۸۶). *بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد DYMIMIC*. پژوهش‌های اقتصادی، ۳(۳): ۳۶-۱۷.
۱۵. شکیبایی، علی‌رضا و شادمانی، قاسم. (۱۳۹۳). *برآورد اقتصاد سایه‌ای ایران (۸۶-۱۳۴۹) با استفاده از مدل‌سازی فازی چندمرحله‌ای*. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۴(۱): ۷۷-۵۹.
۱۶. صادقی، حسین و شکیبایی، علیرضا. (۱۳۸۰). *فرار مالیاتی و اندازه اقتصاد زیرزمینی ایران (با روش اقتصادسنجی فازی)*. نامه مفید، ۳(۳): ۷۶-۵۵.
۱۷. صادقی، حسین و شکیبایی، علیرضا. (۱۳۸۲). *مدل‌سازی اقتصاد زیرزمینی با روش منطق فازی*. تحقیقات اقتصادی، ۶۲: ۱۷۵-۱۹۴.
۱۸. صامتی، مجید، سامتی، مرتضی و دلانی میلان، علی. (۱۳۸۸). *برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران (۸۴-۱۳۴۴)*: به روش MIMIC. *مطالعات اقتصاد بین‌الملل*، ۲۰(۳۵): ۱۱۴-۸۹.
۱۹. طاهرفر، کوروش. (۱۳۷۶). *نقش فعالیت‌های زیرزمینی در ایران با تأکید بر انگیزه فرار مالیاتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۲۰. قنبری، علی و مخزن موسوی، سیدهدای. (۱۳۹۰). *رویکرد منطق فازی برای مدل‌سازی اقتصاد زیرزمینی در ایران*. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱(۳): ۱۱۳-۹۱.
۲۱. عبدلی، قهرمان. (۱۳۸۴). *اقتصاد تأمین اجتماعی در ایران: مطالعه موردی منابع بیمه‌ای*. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۵: ۶۵-۸۲.
۲۲. عرب‌مازار یزدی، علی. (۱۳۸۰). *اقتصاد سیاه در ایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر*. نشریه برنامه و بودجه (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور). ۶۲-۶۳: ۶۰-۳.
۲۳. علیزاده، هانیه و غفاری، فرهاد. (۱۳۹۲). *برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل مؤثر بر آن*. فصلنامه علوم اقتصادی، ۲۵(۴): ۶۹-۳۱.
۲۴. عمادزاده، مصطفی و رفیعی طباطبایی، زهرا. (۱۳۹۱). *تحلیلی پیرامون اقتصاد زیرزمینی و عوامل مؤثر بر آن در منتخبی از کشورهای توسعه‌یافته*. فصلنامه اقتصاد کلان، ۷(۱۳): ۹۶-۸۳.



## منابع



۲۵. مداح، مجید و نوع‌ایران، فروغ‌السادات. (۱۳۹۱). ارزش اقتصاد غیررسمی در ایران بر مبنای متغیرهای زیست‌محیطی، رهیافت فیلتر کالمن. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۳(۱۰): ۱-۲۰.
۲۶. مهربانی بشرآبادی، حسین، کوچک‌زاده، سکینه، و تابلی، حمید. (۱۳۹۱). آیا اقتصاد سایه‌ای رشد اقتصادی را تهدید می‌کند؟ (مطالعه موردی: کشور ایران). *پژوهش‌های اقتصادی (پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار)*، ۱۲(۴): ۱۹۸-۱۸۱.
۲۷. میلانی، مهنوش، بهرامی، جاوید، توکلیان، حسین و اکبرپورروشن، نرگس. (۱۳۹۶). *برآورد فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی: کاربردی از الگوی DSGE*. (طرح پژوهشی سازمان امور مالیاتی کشور).
۲۸. نادران، الیاس و صدیقی، حسن. (۱۳۸۷). بررسی اثر مالیات‌ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۸۲-۱۳۵۱). *تحقیقات اقتصادی*، ۴۳(۸۵): ۲۵۷-۲۸۲.
۲۹. نصراللهی، زهرا و طالعی اردکانی، سمانه. (۱۳۹۱). تخمین اقتصاد سایه‌ای و بررسی اثرات آن روی آلودگی هوا. *مطالعه موردی: اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۲(۴): ۲۷-۵۴.
۳۰. نیلی، مسعود و ملکی، منصور (۱۳۸۵). اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روش‌های تخمین و اثرات آن بر بخش رسمی. *فصلنامه علمی و پژوهشی شریف*، ۳۶(۴): ۴۵-۵۶.



1. Adzawla, W., Baanni, S.A. & Wontumi, R. F. (2015). Factors Influencing Informal Sector Workers' Contribution to Pension Scheme in the Tamale Metropolis of Ghana. *Asian Economic and Social Society*. ISSN (E): 2225-4226.
2. Bouev, M. (2000). *Official Regulation and the Shadow Economy: A Labor Market Approach* (William Davidson working paper, No. 524).
3. Coppejans, M. (2000). *Breaking the Curse of Dimensionality* (mimeo, Department of Economics, Duke University).
4. Frölich, M., Kaplan, D., Pagés, C., Rigolini, J., & Robalino, D. (2014). *Social Insurance, Informality and Labor Markets*. United Kingdom: Oxford University Press.
5. Fleming M. H., Roman, J. & Farrell, G. (2000). The Shadow Economy. *Journal of International Affairs*, 53(2): 387-409
6. Hosseini, A., Nasrollahi, Z. & Abtahi, S. Y. (2015). Estimation of Underground Economy in Iran and its Relationship with Financial Development: Application of ARDL. *Journal of Novel Applied Sciences*, 4(32): 361-70.
7. Hu, Y.W. and Stewart, F. (2009). *Pension Coverage and Informal Sector Workers, International Experiences* (OECD Working Paper on Insurance and Private Pensions, No. 31).
8. MacKellar, L. (2009). *Pension Systems for the Informal Sector in Asia* (the World Bank Discussion Paper, No. 0903).
9. Schneider, F. (2012). *The Shadow Economy and Work in Shadow: What Do We (Not) Know?* (Johannes Kepler, University of Linz and IZA Discussion Paper, No. 6423).
10. Schneider, F. Buehn, A. & Karmann, A. (2009). Shadow Economy and Do-it-Yourself Activities: The German Case. *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, 165(4): 701-722.
11. Schnider, F. & Enste, D. (2000). Shadow Economies: Sizes, Causes and Consequences. *The Journal of Economic Literature*. 38 (1): 77-114.
12. Silverman, B. W. (1986). *Density Estimation for Statistics and Data Analysis*. London: Chapman and Hall.
13. Tanzi, V. (1986). *The Underground Economy in United States: Reply to Comments by Feige, Thomas, and Zilberfarb* (IMF Staff Papers).
14. Thomas, J. J. (1997). The Urban Informal Sector and Social Policy: Some Latin American Contributions to the Debate. Paper presented at *Workshop for the Social Policy Study Group*, Institute of Latin



- American Studies, Univerdity of Landon (November 28).
15. Tuesta, D. (2014). *The Informal Economy and the Constraints that it Imposes on Pension Contributions in Latin America* (BBVA Working Paper, No. 14/19).

## پیوست

ابزارهای سازمان بین‌المللی کار و سازمان ملل در  
ارتباط با تسهیل گذار از اقتصاد رسمی به غیررسمی

### ابزارهای سازمان بین‌المللی کار

#### مقاله‌نامه‌های اساسی

- مقاله‌نامه کار اجباری، ۱۹۳۰ (شماره ۲۹)، و پروتکل سال ۲۰۱۴ به مقاله‌نامه کار اجباری، ۱۹۳۰
- مقاله‌نامه آزادی انجمن و حمایت از حق تشکل‌ها، ۱۹۴۸ (شماره ۸۷)
- مقاله‌نامه حق تشکل و چانه‌زنی جمعی، ۱۹۴۹ (شماره ۹۸)
- مقاله‌نامه اجرت برابر، ۱۹۵۱ (شماره ۱۰۰)
- مقاله‌نامه لغو کار اجباری، ۱۹۵۷ (شماره ۱۰۵)
- مقاله‌نامه تبعیض (استخدام و اشتغال)، ۱۹۸۵ (شماره ۱۱۱)
- مقاله‌نامه حداقل سن، ۱۹۷۳ (شماره ۱۳۸)
- مقاله‌نامه بدترین اشکال کار کودک، ۱۹۹۹ (شماره ۱۸۲)

#### مقاله‌نامه‌های حکمرانی

- مقاله‌نامه بازرسی نیروی کار، ۱۹۴۷ (شماره ۸۱)
- مقاله‌نامه سیاست اشتغال، ۱۹۶۴ (شماره ۱۲۲)
- مقاله‌نامه بازرسی کار (در بخش کشاورزی)، ۱۹۶۹ (شماره ۱۲۹)



- مقاله‌نامه مشورت سه‌جانبه (استانداردهای بین‌المللی کار)، ۱۹۷۶ (شماره ۱۴۴)

### سایر ابزارها

- آزادی انجمن، چانه‌زنی جمعی و ارتباطات صنعتی
- مقاله‌نامه سازمان‌های کارگری روستایی، ۱۹۷۵ (شماره ۱۴۱)
- مقاله‌نامه چانه‌زنی جمعی، ۱۹۸۱ (شماره ۱۵۴)

### برابری فرصت‌ها و رفتارها

- مقاله‌نامه کارگران سرپرست خانواده، ۱۹۸۱ (شماره ۱۵۶)

### سیاست اشتغال و ارتقا

- توصیه‌نامه سیاست اشتغال، ۱۹۶۴ (شماره ۱۲۲)
- مقاله‌نامه توان‌بخشی حرفه‌ای و اشتغال (معلولان)، ۱۹۸۳ (شماره ۱۵۹)
- توصیه‌نامه سیاست اشتغال (الزامات تکمیلی)، ۱۹۸۴ (شماره ۱۶۹)
- مقاله‌نامه نهادهای اشتغال خصوصی، ۱۹۹۷ (شماره ۱۸۱)
- توصیه‌نامه ایجاد اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط، ۱۹۹۸ (شماره ۱۸۹)
- توصیه‌نامه ارتقای تعاونی‌ها، ۲۰۰۲ (شماره ۱۹۳)
- توصیه‌نامه روابط استخدامی، ۲۰۰۶ (شماره ۱۹۸)

### دستورالعمل‌ها و آموزش حرفه‌ای

- مقاله‌نامه توسعه منابع انسانی، ۱۹۷۵ (شماره ۱۴۲)
- توصیه‌نامه توسعه منابع انسانی، ۲۰۰۴ (شماره ۱۹۵)

### دستمزدها

- مقاله‌نامه (شماره ۹۴) بخش نیروی کار (قراردادهای عمومی) و توصیه‌نامه (شماره ۸۴)، ۱۹۴۹
- مقاله‌نامه تعیین حداقل مزد (شماره ۱۳۱) و توصیه‌نامه (شماره ۱۳۵)، ۱۹۷۰.

## ایمنی و سلامت شغلی

- مقاله‌نامه ایمنی و سلامت شغلی، ۱۹۸۱ (شماره ۱۵۵)
- مقاله‌نامه ایمنی و سلامت در کشاورزی (شماره ۱۸۴) و توصیه‌نامه (شماره ۱۹۲). ۲۰۰۱
- مقاله‌نامه چهارچوب ارتقای ایمنی و سلامت شغلی، ۲۰۰۶ (شماره ۱۸۷)

## تأمین اجتماعی

- مقاله‌نامه تأمین اجتماعی (استانداردهای حداقل)، ۱۹۵۲ (شماره ۱۰۲)
- توصیه‌نامه کف حمایت اجتماعی، ۲۰۱۲ (شماره ۲۰۲)

## حمایت از مادران

- مقاله‌نامه حمایت از مادران، ۲۰۰۰ (شماره ۱۸۳)

## نیروی کار مهاجر

- مقاله‌نامه مهاجرت برای اشتغال (تجدیدنظرشده)، ۱۹۴۹ (شماره ۹۷)
- مقاله‌نامه نیروی کار مهاجر (الزامات تکمیلی)، ۱۹۷۵ (شماره ۱۴۳)

## اچ‌آی‌وی و ایدز

- توصیه‌نامه اچ‌آی‌وی و ایدز، ۲۰۱۰ (شماره ۲۰۰)

## مردمان بومی و قبیله‌ای

- مقاله‌نامه مردمان بومی و قبیله‌ای، ۱۹۸۹ (شماره ۱۶۹)

## گروه‌های خاصی از نیروی کار

- مقاله‌نامه کار خانگی، ۱۹۹۶ (شماره ۱۷۷)
- مقاله‌نامه نیروی کار داخلی (شماره ۱۸۹) و توصیه‌نامه (شماره ۲۰۱). ۲۰۱۱

## قطعنامه‌های اجلاس بین‌المللی کار

- قطعنامه و تصمیمات مرتبط با ارتقای کسب‌وکارهای پایدار پذیرفته‌شده در نودوششمین جلسه اجلاس بین‌المللی کار (۲۰۰۷)
- قطعنامه و تصمیمات مرتبط با بحران اشتغال جوانان پذیرفته‌شده در



- یک صد و یکمین جلسهٔ اجلاس بین‌المللی کار (۲۰۱۲)
- قطعنامه و تصمیمات مرتبط با دومین تکرار بحث در مورد اشتغال پذیرفته‌شده در یک صد و سومین جلسهٔ اجلاس بین‌المللی کار (۲۰۱۴)

---

## ابزارهای سازمان ملل

---

- اعلامیهٔ عمومی حقوق بشر، ۱۹۴۸
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶
- میثاق بین‌المللی حمایت از حقوق همهٔ کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها، ۱۹۹۰